

هذا فهرست جامع الدعوات کبیر

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دعای زنان عقیمه
دفع [illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	[illegible]	جن احضار	[illegible]	[illegible]	دعای [illegible]	[illegible]
جن دعای [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دعاء [illegible]	دفع [illegible]	جن سوختن	[illegible]	دعاء [illegible]	دفع [illegible]
احضار جن جهت [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	[illegible]	جن کشودن	[illegible]	جهت [illegible]
دفع مرض	دفع [illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]	[illegible]	خواص [illegible]	جهت [illegible]	دعا [illegible]	[illegible]	دعاء [illegible]
دفع درد مفاصل	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]
جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت قوه	جهت [illegible]	دفع [illegible]
جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت داء الثعلب	دفع [illegible]
دفع [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]
جهت [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]
جهت باد فرنگ	دفع [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دعای [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	دعای مسافران
احکام [illegible]	نقش اسم اعظم صورت	شرح [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	علاج [illegible]	دفع [illegible]	[illegible] دربند	احکام ایام هفته	ایام هفته [illegible]
اداب نماز شب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	احکام [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] ستاره	احکام [illegible]	وجه نماز

فهرست ادعیه کتاب مزبور که در حاشیه نوشته شده									
عرض نصیحت امام حسین	دوا و دفع زنبور	قسم دادن جنیه الاسماء	قسم جن پریان	دفع درد سینه	دفع درد شکم	ارفع الحجاب الغضب	دفع کرم معده	دفع ملخ	دفع درد [illegible]
جهت درد ناف	جهت یبوست	دفع درد پا	دفع قولنج	دفع عرق [illegible]	دفع بشکم	دفع درد پهلو	دفع درد کمر	جهت استسقا	دفع یرقان
دفع حصبه	دفع جگر	دفع کتف باد	دفع درد [illegible]	دعا کردن درد خانه	جهت امراض	شب گریه طفل	جهت سوراخ گوش	جهت حمل از [illegible]	جهت اولاد
دفع افتادن درد	دفع سرکه	جهت عسر ولادت	احوال [illegible]	جهت درد سرد	در دریا جادو	دفع شیطان الدین	دفع [illegible]	درد دمیدن شام	احکام [illegible]
مخفی نماند که خطوط ما بین چند جا از اسقاط است					اثر صفا [illegible] البجانات	جهت وسعت روزی	جهت گشایش	جهت قوت فهم	دفع دشمن
دفع مهمات	جهت [illegible]	جهت ادای دین	جهت محبوبی	جهت توسعه	جهت الفت	جهت [illegible]	جهت مضرت	دفع جادو	اسماء [illegible]
جهت زبان دروغ	جهت [illegible]	جهت مهمات	حصول مطالب	ختم الکهف	ختم قل هو الله	خیر کسی	ختم بسم الله	جهت غنا	جهت طلسمات
ختم [illegible]	جهت ادای دین	دفع وفا فقر	نماز جعفر جواد	ختم الله [illegible]	ختم [illegible]	دفع [illegible]	خواص [illegible]	خواص [illegible]	دفع [illegible]
جهت وسواس	دفع جن زده	دفع [illegible]	جهت افتادن	دفع بول	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]
جهت خاب بلند	خابیدن انبیا	دفع مسحور	خواب [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	دفع خوره	جهت [illegible]	دفع شقاق	جهت [illegible]
جهت درد دندان	دفع [illegible]	دفع درد کلو	دفع درد گردن	جهت [illegible]	دفع درد دندان	درد دندان طفل	جهت [illegible] طفل	دفع [illegible]	[illegible] طفل
دفع کفتن زیاد	زبان باز کردن طفل	دفع خوره [illegible]	دفع درد [illegible]	درد ناف	[illegible]	طپیدن [illegible]	دفع درد معده	دفع [illegible]	دفع [illegible]
فم مثانه	جهت [illegible]	ذات الجنب	دفع [illegible]	جهت درد [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	[illegible]	دفع درد [illegible]	دفع درد [illegible]

دفع [illegible]	دفع شکم [illegible]	دفع درد [illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]	دفع درد ران	[illegible]	دفع درد	دفع [illegible]	دفع [illegible]
دفع [illegible]	دفع بواسیر	جهت درد [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	دفع درد دندان	دفع درد [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع دشمن
دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible] طفل	جهت [illegible] الصبیان	دفع درد [illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]
[illegible]	نفس الدم جهت	جهت اولاد	جهت [illegible]	احوال دزد	[illegible]	دفع جوع	[illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]
دعاء وبا و طاعون	لوح جهت [illegible]	دعای امن	جهت هوا و عقاب	[illegible]	دفع [illegible] از سلطان	دعای [illegible]	جهت [illegible]	دفع دشمن	دعای حفظ
دفع اعدا	دفع [illegible]	جهت [illegible]	حرز امام رضا	جهت دشمن	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	هلاک اعدا	دفع [illegible]
تسخیر اعدا	نماز امام حسن	دفع [illegible] دشمن	دعای [illegible]	[illegible] از سلطان	جهت [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	شفای بیمار	جهت [illegible]
دعای [illegible]	دعای حضرت فاطمه	جهت ادای دین	نماز حضرت جواد	دعای [illegible]	شرح [illegible]	ختم [illegible]	آداب دعا	نماز حاجت	خواص [illegible]
جهت مطالب	حروف [illegible]	دعای [illegible] جعفر	دفع [illegible]	دفع دشمن	در [illegible]	جهت [illegible]	کشف [illegible]	کتاب [illegible]	دفع [illegible]
[illegible]	دعای [illegible]	ساعات [illegible]	[illegible]	شرح خاتم	مبارک	شرح خاتم	عقده اللسان	[illegible]	[illegible]
تمام خاتم مبارک	شرح	خاتم مبارک	شرح خاتم	مبارک	شرح	خاتم مبارک	منصور ادعیه	جهت	[illegible]
تمام	شد	فهرست	کتاب	جا	مع	الد	عوات	کبیر	
سنه	۱۳۲۴	بعد	افلا	لکتاب	شیخ علی	اکبر	قمی	خلف	
بادکان غلامرضا	ا	دجمند بجناب	آخوند	ملا	محمد حسین	کاتب	خوانساری	یادگار منی	

هذا
کتاب جامع الدعوات کبیر

هذا کتاب فالنامه پیغمبران جهة مردان و زنان

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد واله اجمعین
اما بعد این رساله مجموعه ایست در بیان اوراد و اذکار و طالع جن و پری
ودیو و بیماری و خوفهای مجرب بجهة هر دردی و هر مرضی و مسمی شده است
ابن بمجمع الدعوات کبیر امید که قاریان و ناظران کاتب و جامع
این اوراد را بدعا بخیر یاد نمایند والله اعلم در بیان طالع نامه
قاعده چنانست که اسم صاحب طالع واسم مادر او را بحساب ابجد صغیر در
آورده جمع کرده دوازده دوازده طرح نماید آنچه از عدد دوازده کمتر بماند
مثلاً اگر یک بماند برج حمل است و دو بماند برج ثور است و هم چنین
تا برسد ببرج حوت که دوازده برج تمام است و احکام هر برجی نوشته
شده و قاعده ابجد صغیر اینست ا ب ج د ه و ز ح ط ی
ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
طالع حمل هر انکه طالع او برج حمل است خوش رو و

وخوش طبیعت باشد و ستاره او با ستاره زهره صفا این است
و قرانا و در سه سالگی و هفت و پنج سالگی باشد چون از اینها
بگذرد بسی و سالگی برسد در سینه با بازو نشان میل و سرخی دارد
و از روزها روز پنج شنبه برای او نیکو بود و جامه نو را در روز پنج
شنبه بپوشد که برای او مبارک بود و هر ماه نو را بروی پسر ببیند که
خوش بگذرد دو دشمن صاحب این طالع بسیار باشد و غیبت او را می
کنند اما در طالع عمر زنی کوتاه قد باشد که کار او را تباه میکند و حسود
و دشمنی میکند صاحب این طالع صاحب بسط بد باشد باید دعا بکند
اسماء الله داشته باشد با خود دارد تا از شر دشمنان در امان باشد
و آخر عمر کارش نیکو گردد و دولتش بسیار گردد لکن از دشمنش زود رو
اما باید که فی سبیل الله جامه ببخشاید تا مالش از دست نرود و اما از آب حذر
کند که مبادا از حذر برسد و سبب بیماری که کرم و غم باشد اما در طالع او
صفا فال چهار زن باشد قد مشان مبارک باشد و دیگر هر حاجتی که
از درگاه حق تعالی طلب کند بر آورده است و اینه دعا صاحب طالع البته
با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا شطوا الاسماء الحسنی یا حی یا قیوم
یا حنان یا منان یا رؤف یا رحیم یا ذا الجلال والاکرام لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم طالع ثور ثور خانه زهره است و برج ده ۲
و طالع شنبه پیغمبر است و طالع این طالع نیکو رو و نیکو چشم و خوش
خلق و در نزد همه کس عزیز و محترم باشد و در همه کارها هنرور باشد

بسم الله الرحمن الرحیم
بدانکه این رساله البیت
مشتمل است بر خصوصی چند
بجهة وسعت رزق
و توانگری و دفع قهر و دفع
اعداء و سحر و اداء دیون
و شفاء بیمار و در امان از
بلیات و استعمال اسم پس از
حبس و خصوصی چند بجهة
حاجات و حوائج مراد و دعا
که اعظم کرده و اکثر مشقون
علماء فحول و اکثر شیوخ
از ثقات و محمد و خصوص
بجا آید و امتحان و اثبات

[illegible]

داماد رزانو و در زان نشانی دارد کران نشان دولت باشد و با ملاو
عیال خود باشد و برادرانش با او خصومت میکند و طالع فرزندش ثور
باشد و فرزندش بسیار میشود و از سردی و خشکی درد کلو عارض
و خواهر بیماری او میزانست اکثرش خوب و چاقی میشود و بسیار خانه
دوستان میرود و مردم از او ایمن باشند دو زن یا سه زن در طالع
دارد و اما یکزن را از افزانی بخود بنکاح در آورد و قران او در هفت
سالکی و هفده سالکی دارد چون از اینها بگذرد به هشتاد و دو سالکی
رسد هر چند بزرگ تر گردد کار او نیکوتر گردد مادر خواهر خودش
بکسیکه امید نیکی و منفعت خیر ببیند و اما دشمن بسیار دارد و ظفر
نمی یابند و اما از روز ها روز جمعه بر او نیکو باشد و اما در طالع
او چهار پایان سم شکافته را نگه دارد خوب میشود و جه برای او
روز بشود و اگر بیمار گردد داروی گرم و تر بخورد در مدت سه روز
نیکو گردد و چون ماه نو ببیند نظر بچیز ها سبز بن کند تا تمام برای
مبارک شود و صاحب این طالع باید در همه وقت این دعا را با خود
نگه دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا علی یا عظیم یا کریم یا حکیم یا باقی
یا خالق و یا عالم الغیب یا لا اله الا انت اهیا اشراهیا کو براهیا نوشطینا

طالع جوزا

ان ط ٩١٩ اهـ ٨١١٢٢٩٤٩٣٩٩١٨

جوزا خانه عطارد است و برج نر است و باد مشتری و طبع و سرد
و تر است و طالع ذکر ماه و هر کس که بدین طالع باشد از مادر نیک

نیک بخت در آید و کارها بخبر از او صادر گردد در سینه و دو بر پا
شکم نشانی دارد کران نشان دولت است و چه بروی روزی گردد و بر
پیش مردم عزیز و مکرم باشد و مال بسیار بدست آرد و اما در بیجاره
و زراعت منفعت بسیار یابد و هر کس در خصوص او بد اندیش
شود و خواهند بد رود اما داد او سنبله است و دولت میبید و اما از انبار
بزرگ میراث میرسد و خواهد بیماریش عقرب است و اما از آن بیماری بسیار دل
شکسته شود و خواهند زنانش حوت است و در طالع این شخص دو زنی با
باشد و از زنان خیر بیند و خواهد میم او جدی باشد و قرانات او در پنج
سالگی و ده سالگی و دوازده سالگی دارد چون از اینها بگذرد به نود سالگی
میرسد و اما خواهد امیدش حمل است و هر چه دل در او نیکی بر او ده شود
و از روزها روز چهار شنبه و یکشنبه بر او نیکو باشد و چهار پائی که
اسب باشد خوب است نگه دارد و اگر بیمار گردد داروی فلفل و زنجبیل
دارچین با عسل خام معجون ساخته صبح ناشتا بخورد نیکو گردد و صاحب
این طالع باید این دعا را با خود نگه دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا علی یا عظیم
یا حکیم یا کریم یا باقی یا احد یا علام الغیوب یا لا اله الا انت اهیا اشراهیا
یا نو شطینا یا معطینا یا کهلیج یا کلیج یا الله یا رحمن

طالع سرطان

سرطان آبی است و سرد و تر است و خانه قمر و صاحب این طالع نیک خواه مردم
باشد و ستاره صاحب این طالع تعلق به بزرگان و مهتران دارد و صاحب
جهل در اکثر از سلطان ... بیاید و فایده منفعت ببیند و در کارها کامیاب و از فرزندان

مثل بعمل آید و خانه بیمار بی هوش باشد و مختبر بیماری نشد و مضمه
مبغر باید که صاحب این طالع از آب حذر کند و خانه نکاح او جید است واما
سر زن بعقد نکاح در آید و قرانات بیست و سه سالگی و بیست سالگی و هفت
سالگی و سی دو سالگی بگذرد عمرش هشتاد برسد مبغر باید که صاحب طالع جج
مبروص صاحب این طالع او شخصی حد باید کرد و البته این عا را با خود دارد
بسم الله الرحمن الرحیم اهیا شراهیا فیا هیا یا دوف یا نور یا ودود یا ذا العرش
المجید فعال لما یرید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا ارحم الراحمین
طالع اسد برج آبی است و ستاره او آفتاب است و طالع ملوک و اولاد
تعلق دارد و طبع او گرم و خشک است خداوند این طالع کشاده دل بود
و خواهد ش جو است و منفعت بسیار از بزرگان برسد و حر سخاوت
دل بود و خوانه مالش تعلق بسنبله دارد و مال بسیار یابد بسیار رحواها
مرفد و مال که خواهد از طالع خود بگیرد و از چهار پا یا ان شش شکافته فکر
دارد و خوانه برادران و خواهران وی مهر از یافته و از این سبب نعمت بد
او اینکه دارد و بید رهبر بد فرزندش زیاده میشود و از فرزندان آخر بیند
و خانه بیماریش مختبر و بیماری کوفی گرم و خشک باید که پرهیز کند
عمر صاحب طالع سر زن باشد و صاحب کتاب مبغر باید که از زنان
بسیار بد سنا واید واما قرانات در هفت سالگی و نوزده سالگی و سی
دو سالگی دارد چون از این بگذرد هفتاد سالگی عمر رسد و از روزها روز
یکشنبه برای او سازگار باشد و چون ماه نو بیند نظر بر آب اندازد و نام
اخرانماه برای او خوش میکند و باید این تعوید را با نام و نشان خود دارد

بسم الله الرحمن الرحیم یا لا اله الا انت یا اهیا شراهیا انت ربی کل شیء
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا
خسارا طالع سنبله طالع خضر است و صاحب این طالع
نیکو منظر و عالی عقد باشد و از بزرگان روز بهمند باشد و صاحب
عیش و فراخ روزی و رحم دل و خدا ترس باشد و در مال جمع
کردن خیر کشا باشد و از حلال دوست باید و اگر بکند در حرام اخذ
نماید ده دینار از مال حلال و تلف شود و ظاهر دو بید او را بسیار
دوست مندا رد و پیوسته کارش در نظام باشد و فرزند بسیار از او بود
آید و از آنها منفعت ببیند و خوانه بیماریش دلو باشد و بسیار میکشد
مار رحم او بسیار باشد باید دعاها معتبر که حالی و منشاء اسماء
جلاله باشد با خود نگه دارد تا از شر آنها ایمن باشد اما صاحب کتاب
مبغر باید که در پا یا صاحب این طالع را زری عارض شده و چیزها نکوم
و نوار او و ان آید بخشد و از قرانات او بسیزده سالگی و بیست سالگی و
سی چهار سالگی داشته باشد و چون از اینها بگذرد نود سالگی عمر رسد و در طالع
او دو زن باشد اما باید از زن خود حذر کند و با زنی بچشم بد دوستی نکند
که شب جا دارد و از روزها روز چهارشنبه و روز یکشنبه حذر کند با
و اگر او را حتی خواسته باشد باید عا را با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم
یا علیم یا حکیم برحمتک یا ارحم الراحمین ۲۲۸ ۴ ۹۰۵ ۴ ۸۴ ۸۸ ۴ ۵۰ ۶
طالع میزان بدانکه میزان منزل زهره است و برج نواست و طبع او
گرم و تر او و ستاره او بخار است سوی خدا مبنا شد صاحب این طالع نیک خواه هم

مفتاح

همه مردم و نیک چهره و نیک قد چشم پسند بود و جوانمرد و خوش خلق
و در میان مردم عزیز و محترم باشد و از تجارت مال بسیار جمع کند و حرام
او را ضایع کند و اگر یک دینار حرام تصرف نماید ده دینار از مال او تلف شود
و خود مبارک قدم باشد و در شکم و سینه نشانی دارد و آن نشان دولت
است همیشه در کار و بار خود در غیب نماید و صاحب طالع کسی باشد که
همه مردمان او را راضی باشند و مال بسیار بدست آید و اما انکار
ندارد و آنچه در دل داشته باشد بزبان ندارد اما طالع برادران و
خواهرانش در قوس منظور میشود و اما برادر و خواهر او کم بوده
باشد و از آنها منفعت کمی بیند و خانه فرزندانش ظاهر اگر تو بوده
اکثر اولادش نرینه باشد و یکقدر از اولادش صاحب دولت باشد
و بیماری باد و قولنج باشد و از ناف نیز و معالجه او هلیله زرد و آب
کشنیز با اجل ناو شیر بن معجون کند سه دفعه ناشتا بخورد شفا یابد
انشاء الله و اما قرانات صاحب طالع در هشت سالگی و [illegible] چهار سالگی
و سی و هفت سالگی داشته باشد و چون از اینها بگذرد بشصت سال
برسد و صاحب طالع امانت و خیانت نمیکند و دروغ نمیتواند
گوید و اگر بگوید ضرر میکند و حرام با وی نمیسازد و بیچه اندک
حلال بسیار از دست او میرود و دولتش در یکجا قرار نگیرد و از
روز شنبه و روز جمعه سازگار است بشرط که در سنه منوچهر شود
و صاحب طالع همه اوقات این دعا را با خود دارد بسم
الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله ومن الله وفي سبيل الله

آیات مفتاح

غالب كل غالب الى الله و محمد رسول الله و علي ولي الله اهيا شراهيا
ادوناي احبا وثا الرشد النحل الله ويحق ابراهيم خليل الله وموسى كليم
الله ويحق عيسى بن مريم روح القدس فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم يا حي يا قيوم يا رزاق يا نور يا خالق يا ودود يا ذا العرش المجيد
فعال لما يريد ٨١٢٩٨١١١٩٩٩١١٨١١

طالع عقرب

در خانه مریخ است و برج آبی است و ماده است و طبع او سرد و
تر است و ستاره او داود پیغمبر است و مرد خوش و در دل همه
مردمان عزیز و محترم و مکرم باشد و چند در سن بزرگ شد
کار و بار او ترقی نماید و صاحب کتاب میفرماید که در طالع
این شخص زراعت و گوسفند خوب است و دولتش یکجا قرار نگیرد و هر
کس که نیکی کند بدی بیند و مال بسیار بدست بیاورد و زود از دستش
برود دعا چشم زخم با مشک و زعفران بنویسد با خود دارد و در دو لشکر
پنهان دارد تا پایدار باشد و در پشت و ران نشانی دارد که نشان
و خانه مالش متعلق بقوس است و خانه برادران در جگه منظور
میشود و از ایشان منفعت نمی‌بیند بلکه دیگران از او فایده بینند
و خانه فرزندان او متعلق بجوزا است و اولاد و بسیار باشد و اگر
فرزندش را ملال غم شود و خانه بیماریش حمل است و بیشتر بیماری
او از اندرون باشد و درد او غلبه باشد از شراب و او بخورد
شفا نو دارچینی فلفل با انکبین معجون کند چنانچه ذکر شد بخورد
شفا یابد انشاء و همه اوقات این دعا را با مشک و زعفران و خون گوسفند

آیات شریفه

داخل کند بنویسد و با خود دارد البته در نکرداک در بغ نکند یقین از همه آفتها
دور کردد چون ماه نو را ببیند نظر بر وی بید و دعا دو با آب روان انداز د کر
تا آخر آن ماه مبارک میشود و اما قرانات او در هشت سالکی و بیست چهار
سالکی و شصت سالکی دارد و چون از اینها بکذرد عمر او بنود سال میرسد
البته این دعا را با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا غفور یا ودود یا ذو العرش
المجید فعال لما یرید یا نور یا نور السموات و الارض اهیا شراهیا
یا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و برحمتک یا ارحم الراحمین

طالع قوس ١٩١١٤١٤٤٣٣١٢ بدانکه قوس خانه مشتری است و برج نار است
و آتش مزاج و کرم و خشک است بدانکه قوس طالع یعقوب پیغمبر علیه السلام و صاحب
نیک شکل باشد و جنت چالاک باشد و در نزد همه کس عزیز و محترم باشد
و متحمل و صابر باشد و اما مال دنیا را جمع کند و خیر از مال میبیند و توانکر
کردد و صاحب لطیف میفرماید که در سینه و ساق نشانی دارد که آن
نشان دولت و دستش مبسوط باشد و از بازرکانی روزی مند کردد
و زراعت کوسفند با او خوب سازد و حرام با او سازکار نباشد و اکر کسی مال
حرام ضرر کند ده از مال او برود و خانه مالش تعلق بجدی دارد و خانه برادران
او در دلو و عمر او از اینها بیشتر و از صاحب صبر است صبر کند و خواهر فرزندان او
باشد و خواهد بیمار او ثور او صفرا و سودا و خشکی و طبیعت او در باید شیر
و شکر و هلیله و آب نار شیرین معجون کرده بخورد خانه نکاح او در جوزا است و
از ان بهره ببیند و قرانات او در هشت سالکی و بیست نه سالکی منظور داشته

داشته میشود چون از اینها بکذرد در هشتاد سال میرسد و اما کوهی و بسیار باشد و
دعا عقد اللسان بنویسد و با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا نور و یا
یا نور السموات و الارض یا مغیث یا مجیب الدعوات یا قاضی الحاجات
علی کل شیء قدیر یا حی یا قیوم یا طهطهمس طغونا اذوفی صناو شالوشکی
یا اله العالمین ١١٥٩٨١١٣١٤٢١١٥١١١٨٩٨١٩١٩ و ننزل من القرآن
ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا طالع

جدی بدانکه جدی در خانه زحل است و برج ماده است
موسی علیه السلام تعلق دارد و صاحب این طالع شیرین سخن و چرب زبان و صاحب
و هنر باشد و در کار خویش عبرت دار باشد اما در طالع او زراعت بسیار سازکار باشد
باشد و هر چه در سن نوشته بما اموراتی او از ان بنویسی کارش روشن
و خانه مالش دلو بود و در آخر عمر مال بر او جمع شود و در خانه برادران
منفعت بیند و بخواهر فرزندان او مبارک قدم باشند و بیشتر بیماری او از سردی
و درد شکم بود و اما معالجه آن هلیله زرد و از بادنجان رومی یا انکبین خام معجون
کند بخورد و در شفا یابد و در طالع او شیرین باشد که بجبال نکاح در او
و از دو زن میراث ببیند و خانه او اسد باشد قرانات وی در دو سالکی و
سالکی و بیست سالکی باشد و چون از اینها بکذرد عمر او بنود سال میرسد اما
دشمن او بسیار باشد و بر وی ظفر نیابند و در طالع او چهارپایان اکر اسب
بسیار سازکار باشد البته این تعویذ را با خود دارد تا از همه بلاها ایمن کردد بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم یا منان یا حنان یا برهان یا سلطان یا غفران یا

المستغیثین اهیّاً شراهیّاً وبراهیّاً لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

طالع دلو بدانکه دلو زحل است وباد و مشرقی ۱۱۱ ع ۱۱۱ ۷ ۲ ۱۱۱ ۱۸۸ ۱۸ط

وطبع او سرد و تر است. وستاره او از حضرت امیر المؤمنین ع وهر که صاحب این طالع باشد، نیکو روی و نیکو چشم و نیکو قد باشد و صاحب هنر باشد اما صاحب کتاب میفرماید که در سینه و ساق و نشانی باشد که نشان دولت است و نیکی کردن فال بسیار جمع کنند و از برادران منفعت نمیابد و پدر و مادرش او را بسیار دوست دارند و از ایشان خیر بیند واما خواهر و فرزندش تعلق بجوزا است و اینجا مشهور است و زن بعمل آید و خانه بیماریش سرطان منظور میشود و یکبار و هم بیماری و در کودکی اتفاق افتاده وصاحب این طالع کسی باشد که سر زن بحبالهٔ نکاح در آورد و فرزندان او و در هفت سالگی و دوازده سالگی و بیست و شش سالگی و چون از اینها بگذرد عمرش بنود و بر سد و صاحب کتاب میفرماید که صاحب طالع به جماعت حکم کند و خواهرا و تعلق بقوس دارد و هر چه امید بند د برا و روزه گردد و خانه دشمنان او جدی است اما بر وی ظفر نیابد و باید که دعا بچشم زخم او نویسد. و با خود دارد اما روزها روز یکشنبه و پنجشنبه برا و سازگار باشد واز تجارت او را معامله باشد و پول و مال بدست وی درآید اما صاحب کتاب میفرماید که ج او را روز سه شنبه و هم از چهارپایان سم شکافته او را سازگار باشد و چون ماه نو بیند بروی مادر نگاه کند تا همه ماه مبارک باشد و اگر ناخوشی بر او عارض شود

معالجه او هلیله زرد و جوز و کشنیز با عسل خام سرشته معجون کند ناشتا بخورد شفا یابد والبته صاحب این طالع باید این دعا را با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین یا علی وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا ولا حول ولا قوة الا بالله العظیم

طالع حوت ۹۵ ۱۴ ۱۱ ۱۹ ۵ ۹ ۲ ۱ ۴ ۶ ۱ ۸ ۸

حوت منزل مشتری است و برج ماده است وستاره او حضرت یونس ع وصاحب این طالع در روی و بازو و سینه نشانی دارد که نشان دولت است واما مصنف میفرماید که خداوند این طالع بزرگ اندام و امانت دار باشد و از برادران و خواهران سودمند شود و از ایشان بسیار فائده میبیند و مادرش نا نصیب باشد و خانه فرزندش سرطان است و فرزند بزرگ و خادمه از او بسیار بوجود آید و در کودکی بسیار ناخوشی کشیده باشند و اغلب صدمات از درد شکم ناله کشد و آن از سرد و تری شود و خانه نکاح و تعلق بجوزا دارد و دو زن بحبالهٔ نکاح در آورد و او را بسبب آن زنان مال بسیار بدست آید و خواهر هم او در مهر ان و فرزندانش در ده سالگی و بیست سالگی و پنجاه سالگی و اشتر باشد و چون از اینها بگذرد عمر وی به هفتاد و هفت سال رسد و خانه بیماریش جگر منظور میشود و باید دعا بعقد اللسان با خود دارد که اثر از شر ایمن گردد و از روزها روز یکشنبه برای او بد باشد و در طالع او چهارپایان خوب باشد و چون پیش بزرگان رود در طرف او ببیند و چون نظر تسخیر کند که همه ایشان با او خوش گذرانند ...

بسم الله الرحمن الرحیم یا عطوف بحق آدم صفی الله و بحق نوح نجی الله
و بحق ابراهیم خلیل الله و بحق موسی کلیم الله و بحق عیسی روح الله
و بحق محمد رسول الله و بحق علی ولی الله اللهم طائم و احفظنا الله و صنا
الکنوبد و بحق هذه الاسماء الحسنی و بحق علام الغیوب اللهم طائم
بحق اسئلک باسمک المخزون العلی العظیم یا ارحم الراحمین در

بیان طالع عناصر زنان که باید بحساب ابجد صغیر طرح نمایند طالع حمل

هر زنی که بدین طالع حمل از مادر
زاید خوب روی و شیرین کلام و دراز موی و باریک اندام و سرخ
و سفید و تند خوی و میان بالا و طرب دوست دارد و دشمن کامیشود
اما دروغ باو نسبت دهند و چشم زخم میرسد قلم او بر صاحب خود با میمنت
باشد و گوسفند داری با طالع او زن سازگار باشد و طالع او با میزان
علاقه دارد و بیشتر خواهان او و نشانی دارد که از مادر بیاورد و بسیار
فرزندان آورد و بسیار از آنها نونیم باشند و درازی عمر فرزند طالع
صاحب فال منظور میشود و در خوابها بیند و در بعض مواقف و اعلای
بلند و اما بجای بلند رسد و طبع او گرم و خشک شده و از گرمی و سرما
و بسیار منفعت ببیند و قرانات و در چهارده سالگی و ده سالگی و بیست
پنجسالگی دارد و چون از اینها بگذرد عمر وی بشصت سال رسد خداوند
این طالع فال بسیار جمع کند و خیر ببیند و صاحب این طالع میفرماید که دو
بسیار بچشم زخم تلف شود و باید دعای چشم زخم با خود دارد تا از همه شرها

ایمن باشد و اما باید جامه سفید پوشد و نگین عقیق در دست داشته
باشد بسیار صلاح است همیشه بابن روش باید سلوک و رفتار نماید و از چهار
پایان سم شکافته با خود نگه دارد که بسیار خوب است و اندر روزها روز شنبه
و از ماهها ماه محرم برای او سازگار میشود و چون ماه نو بیند بروی نابالغ
نگاه کند تمام ماه برای او بخوشی بگذرد و چون بر احتیاجی نزد کسی رود
بطرف راست بنشیند والبته باید دعا با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم
یا حنان یا منان یا دیان یا سبحان یا حی یا قیوم یا اهیا شراهیا
قبراهیا اصبا وثا الوشدی حم لوحیم بودوح یا عزیز یا غفور یا ارحم
الراحمین طالع ثور در خصوص جالینوس حکیم و جاماس گفته اند
هر زنیکه بطالع ثور از مادر متولد شود کوتاه بالا و شیرین زبان و
خوش لفظ و پیوسته ابرو باشد و اگر بوجه اول آمده باشد زحل است
میان بالا و فراخ سینه است و صاحب کتاب صغیر فرماید که هر کس بدین
طالع از مادر زاید فرزندان او بسیار باشند عجب شود که پانزده فرزند
در طالع او باشد و اکثر مردم او را دوست دارند و چشم زخم بسیار
بر او میرسد باید طائیکه محتوی باسم الله باشد با دعای چشم زخم
با خود نگه دارد و از پیش خود منفک ننماید تا از تمام بلا ایمن گردد
و مردمان بر او حسد برند و شوهر او را بسیار دوست دارد و بکسی که طالع میزان
او در سرطان بود و بسیار فضا با شوهر او بکند و نشانی در پستان
یا در سینه دارد و اغلب کنیزی و دولتشکر خواهد بهمد صاحب این طالع

بابد واز بکسے نکو بد وبیمارگی از درد شقیقه باشد و فراغات وبد
سالکی ودوازده سالگی وسی سالگی داشته باشد چون ازانها بکذرد
عمر او بهشتاد میرسد واما صاحب کتاب میفرماید که بفرزندان او
نسبتا چشم زخم دواید باید که دعا بچشم زخم همیشه با خود نکه دارد
وازجامها جامه سبز ونگین لعل نسبتا سازگار میشود وانفاها
ماه رجب طرز روز چهارشنبه وانچها پایان دو راس اسب
با طالع او سازگار باشد وچون ماه نو ببیند بروی دختر با بالغ
نظر کند تا انماه براو خوش بکذرد وچون پیش کسے برابجاجنے رود
بجانب دست راست وی بایستد تا مراد او برآورده شود وکار
او نظام گیرد و مرادش میسر گردد واو را عبد کوهی و زبان دراز نسبتا تا
باید که دعاء ابر جانه با خود نکه دارد البته غافل از ان نباشد دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا دائم یا ذوالجلال والاکرام وننزل من
القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا
برحمتک یا ارحم الراحمین **طالع جوزا** فرزان جالینوس حکیم
گوید هران زنے که بطالع جوزا از مادر متولد شود سرخ وسفید
ونیکو قد وقامت اگر بوجه اول آمده باشد مریخ است سرخ وسفید
وپیوسته ابرو باشد واگر بوجه سیم آمده باشد اپس رو بلند بالا و بیمار
کلام ودر بازو یا در شکم نشانے دارد کران نشان دولت واز
طرف شوهر خوش نیکو باشد وشوهر او را ابهاد وسند دارد وطالع

دراسد باشد واکثر فرزندش نرینه باشد وچنان منظور میشود که
ده فرزند بطالع او میباشد وبیماری او از سردی وخشکی باشد پیوسته
درد شکم ورنج میکشد واو را درد شے باید باشد سنبل فرنفل دو
وزیره که همه در فصلها چند روز ناشتا بخورد دوا اما انچه دوا او برایم
بود و مردمان بر او حسد میبرند باید که دعا بجلیل القدر را در قیمه وقت
با خود نکه دارد تا از چشم حاسدان ایمن گردد و فرزندان او را از چشم
زخم مضرت باشد باید که دعا بچشم زخم در پیش اولاد خود نکه دارد
وباید که صاحب طالع همه وقت دعا بحجب با خود نکه دارد و باید
بسم خود وارو فی وانگه پاک دارد و از نخوکه میشود باید پاک وپاکیزه با
و فراغات ودر سه سالگی وسیزده سالگی باشد چون ازانها بکذرد عمر
بهفتاد میرسد انشاء الله تعالی خدا وقد اینطالع را ازجامها سبز وسرخ وسفید ونگین
فیروزه واز ماهها ماه ربیع الاول واز روزها روز جمعه سازگار باشد
کارش نظام گیرد وچون ماه نو ببیند بر دست چپ خود نکاه کند که انماه بر او خوش
بکذرد وچون برابجاجنے پیش کسے رود بطرف چپ وی بایستد تا مراد برآید
واینه دعا بشر نفر با خود نکه دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا ذا العرش
الکریم والملک القدیم وصراط المستقیم یاربّاه یا ذا الجلال والاکرام
وذی الاسماء الحسنی یارب یا منان یا دیان یا برهان لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین **طالع سرطان**
فرزان جالینوس حکیم میگوید هران زنیکه بدین طالع آمده باشد وجه

داردواگر بوجه اول آمده باشد قمراست وسفید رو ونیکو چهره وسیاه چشم
وصفتا کتاب مبغر نماید که خداوند اسبطا العراب پسر فرزند باشد دلبند و گویا
صفتا طالع پانزده نفراولاد باشد واکثر فرزندش نرینه واما شوهر اول او
بیمار دوست دارد وازشوهرش درسایه الفت ومحبت بیشتر کرد وطالع
شوهراو دوچند بینا و او را بیماری چشم و زخم پدید آید باید کرد دعای چشم
با مشک و زعفران بنویسد و با خود نگاه دارد تا ایمن باشد وخاتم سیاه
وی اندرون دماغ باشد وگاه گاه بچشم او درد آید واو را درد دو
درکردن وباد ریشتن نشانی دارد دگر نشان دولت است واما از قوت
وامر با طالع ندارد واما کوسفند دارد ونوعی بلای وی ساکار نباشد
وقرانات وی دو ساله و هفت ساله باشد وچون از اینها بگذرد
هفتاد سال عمر یابد واو را جامه کبود سازگار باشد و همچنین از چهارپایان
وزرا عدوا زدور روز چهارشنبه و پنجشنبه واز ماهها ماه رجب خوب
وچون ماه نو بیند بروی نرینه نگاه کند تا آخر ماه برای او مبارک میشود
وچون برای حاجتی بیرون کسی رود بطرف راست و بایستد تا حاجت او
برآورده البته همیشه امید غار آن اخود نگه دارد غافل نشود بسم الله الرحمن
الرحیم یا منیر و یا ماهیا شراهیا وبراهیا ومن الذین اصباوت الرشدی
انه من سلیمان بن داود وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا **طالع اسد** جالینوس حکیم مبغر نماید هرگاه
زنیکه متولد طالع اسد شده باشد و داستر حمرا و جراول بچه اش فرزند نرینه خواهد

وبلند بالا ونیکو طبع باشد اگر بوجه دوم آمده باشد درخانه عطارد است
کندم گون و سبز و شیرین سخن و خوش تقریر باشد لیکن علتها بسیار باشد کرم
ورا عارض میشود واما قدم او بر صفا حیش مبارک باشد البته صفتا
بنطالع تصدق بسیار باید داد ودعاها جلیل القدر باید با خود
دارد تا از ناخوشیها از او بگردد و طالع او دو میزان باشد و بیماری
در معده باشد از قصد حجامت عضا بهتر نماید و دارو بنفشه زرد
با شکر و هلیله زرد یا عسل خام معجون کرده سر صباح بخورد شفا
یابد واما فرزندان او یتیم باشد واینچه باشد باید از چشم زخم حذر نماید
ودعای چشم زخم بنویسد با خود نگه دارد تا ایمن باشد وصفتا کتاب مبغر فرما
کر صفتا بنطالع باید دروغ نگوید و بمال الحرام طمع نکند که ضرر و صبر رسد اکثر
فقرا و خویش او را دوست ندارند و صفتا بنطالع عاقل و فراخ دور باشد
وقرانات او در سه سالگی است چون از آن بگذرد عمر او بنود سال رسد
وصفتا کتاب مبغر نماید که لباس ابریشم بر او سازگار باشد و نگین یاقوت
همیشه با خود نگه دارد و در روز های روز پنجشنبه بر او مبارک باشد هر
کار که خواهد در آن روز ابتدا نماید واز ماهها ماه ذیحجه بر او سازگار
نباشد وچون ماه نو بیند بروی دختر نابالغ نظر کند تا تمام
بر او خوش بگذرد والبته امید غار آن با خود نگه دارد بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق ق مدس س مد مد مد
هو هو هو ماده ماده باره اهیا شراهیا وبراهیا اصبا وت الرشدی

لاحول ۵۵۹۹۱۲۱۳۳۳۹۶۱۱۷۹۶۷۱۸طس۶۶۶۱۱۸۱۱۸۱۱۹۱۱۹۹۹۱۱

ولا قوة الا بالله العلی العظیم **طالع سنبله زنان** جالینوس حکیم
میفرماید که هر زنی که بدین طالع افتاده در ابتدا او را سر وجع باشد و وجع
اول آمده باشد سرخ رو و سفید و عیبا بالا و طرب دوست دارد و
صابر باشد و فراخ رو و کشاده دل ابا باشد و اگر بوجه جسم اهل
باشد خانهٔ مرد بخشت گندم گون و سیبا چهره و بر دل همهٔ خلق شیرین
و برکار و بار خود با غیرت باشد و مریض میشود و خلق برو حسد برد
و صاحب کتاب میفرماید که دروغ و حرام بصاحب این طالع نا سازکار باشد
و فرزندان بر صاحبش مبارک باشد و اولادش باشد و بیماری و محنت
از صفرا باشد و باید که داروی او سرد و نرم علاج نماید تا چاق
شود و دیگر هرچند بزرگ شود درستی در کار بارد بنا توقف نماید
و هر کس نیکی کند در عوض بد میکند و پدرش او را دوست دارد
و برای صاحب این طالع چشم زخم بسیار حاضر و مبتلا باید که همیشه دعا
زخم با خود نگه دارد تا ایمن گردد و اما از آتش پرهیز کند و الا زخمت
میرسد و فراوانی و بیکسالگی و پنجسالگی و چون از اینها بگذرد و بچهل و هفت
سالی برسد و هرکه صاحب این طالع فرزند او بسیار باشد و از آب جدا
و صاحب این طالع نا الیف میگویند که عمر او هشتاد هفت منظور میشود و فوت
این بجز اسرار العلم عند الله و از جامها جامهٔ سرخ و از روزها دو
شنبه و از جاها پانان و برا سازکار باشد و چو ماه نو ببیند بروی نا بالغ

نظر نماید تا همه ایام ماه بخوبی بگذرد البته صاحب این طالع این تعویذ را با خود
نگه دارد تا از همه آفتها ایمن گردد بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله
التامات علی الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا حنان یا منان
یا تبیان ما سلطان و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و
لا یزید الظالمین الا خسارا فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم **طالع
میزان** زنان جالینوس حکیم میفرماید هر زنی که بدین طالع افتاده
باید خواهر عطار راست نیکو روی و بلند بالا و خوش زبان لیکن
زود بخشم آید و زود پشیمان شود و دروغ گفتن و حرام او را نساید
شوهر را ناسازگار باشد و ده فرزند عجیب باشد که در طالع او آن
و اکثرش نرینه باشد و اما اخوش بعد از دو شنبه باشد و فعا
کرم و نواست و فراوانها و در پنج سالگی و دوازده سالگی و بیست سالگی
باشد و چون از اینها بگذرد عمر او بشصت سال میرسد و صاحب این طا(لع)
باید همه اوقات دعا بعظیم الشان را بنویسد با خود دارد تا ایمن گردد
و از جامها جامهٔ کبود و نگین فیروزه و از جاها نرینه و از روزها روز شنبه
و از ماهها ماه محرم برای او سازکار باشد و چو ماه نو ببیند برگ نبات الغ
نظر کند تا تمام ماه برای او بخوشی بگذرد و دیگر دعا که نیکوا هم اینست تا
با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم له الذین ذو الجلال و الاکرام و خلقنا
تا هیبا شر اهنیا اصنا و شا لوشک و ننزل من القرآن تا آخر **طالع
عقرب** جالینوس حکیم میفرماید هر زنی که بدین طالع افتاده باید

اورا سه وجه باشد اگر بوجه اول امده باشد خوانده را بخشد خوب چهره
وکشاده روی وخوش قد وبالا و سیاه چشم و تازه موی اگر بوجه دوم امده باشد
خانه مشتری بپسندم گون وفراخ روزی ودست مبسوط ودم دل بود
اگر بوجه سیم امده باشد در خانه زحل است سفید رنگ و سرخ چهره باشد
وصاحب انبساط العزا دعا عقد اللسان سازگار باشد و در خصوص صاحب
انبساط الطالع وشوهر صاحب طالع هر دو بهتان میگویند واما در سه شنبه با برج کف
او نشانی باشد کران نشان نیکبختی است و دولت و قرانات او در پنج سالگی
وسی ودو سالگی دارد چون از اینها بگذرد عمر او بهشتاد میرسد واز لباس
سفید و زرد پوشد کراو را سازگار است واز روز شنبه و روز پنجشنبه
چنانچه امر را ابتدا نماید باطل شود خبر بیند والبته چون ماه نو
نظر بما بنه اندازد گر برای او مبارک است و در خصوص اولاد غم بخورد کر خواهد
اولاد و با کرامت فرماید لیکن از یک دختر بسیار خیر بیند واما بی داد
نباشد واز جانب پدر و مادر و از بابان بهره نخواهد والبته بچیز حرام
طمع ننماید که اگر یک دینار حرام تصرف نماید ده دینار از مال حلال او
برود واز چهارپایان اگر ممکن باشد نگه دارد خوب است وبا میمنت باشد
واما در روز چهارشنبه و شنبه در مبادی خصومت نرود ونگه دارد بخود
نماید که اگر اتفاق خصومت افتد احتمال ظاهر و صاحب طالع را در وجه
نفرها لا ابلند با او بسیار خصومت دارد واغلب اوقات هم بپیند گویی و
ضرر نوصو شود والبته صاحب طالع این تعویذ را با خود دارد همیشه بسم ا

اسماء حقیقت

اسم مبارک را دوازده هزار ...

الرحمن الرحیم یاحی یا قیوم یا دائم یا ذوالجلال والاکرام وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا طالع
قوس و فنان بدانکه هر انجیکه بدین طالع افتاده باید دلیل آن کند
که خوانده مشتری بیت وانش مزاج وکرم وخشک است و صاحب انبساط الطالع
فن خوشکل و چست وچالاک و صابر باشد واز جانب پدر و مادر
بهره بسیار بیند اما از جانب برادر و قوم خود کم طالع باشد و بهر که نیکی
کند در عوض بدی بیند حاسد و دشمن او بسیار باشد و دعای خیر
والدین همراه او فائت در حق او میشود واما در عبادت و طاعت کاهلی
مکن واز چهارپایان نگه دارد که بسیار سازگار باشد واز جامه‌ها جامه
سرخ واز روز شنبه و روز پنجشنبه موافق مطلب مبارک است و خوانده بسیار
او بوده است واز طرف صاحب خود طالع دارد وهم اوقات او بغربت
میرسد و قرانات او در هشت سالگی و بیست و پنج سالگی و سی سالگی
و چون از اینها بگذرد عمر وی بهشتاد میرسد واما باید کوی بسیار دارد
ودعا بعقد اللسان البته همیشه با خود نگه دارد بسم الله الرحمن الرحیم
یا فتوح یا فتاح النور یا النور فی السموات والارض یا مغیث یا مجیب
الدعوات ویا قاضی الحاجات وعلی کل شیء قدیر. طالع جدی
بدانکه جدی در خانه زحل است و برج خاکی است هر که بدین طالع
زاده شود باید خوش قد و خوش زبان و شیرین زبان و طرب انداز

جهة رزق ومعيشت

دارد و صاحب هنر و دکان و بار خود با جمعیت و عزت باشد اما از کوسفند و زراعت سودمند کردد و هرچند درستی بزرک شود کار بار خود و شوهرش ترقی نماید و خانه مال او دلو بود و در آخر عمر مال وافی بدست او اید اکر بخودش نرسد بصاحبان او میرسد بصاحب و میرسد وارث خواهران و برادران خبر غم ببیند و خواهر بیماری اجو زا باشد و بشیر بیمار وی از سرد و خشکی و درد شکم باشد و اما معالجه هلیله زرد و زبانه رومی و انکبین خام معجون کند و بخورد شفا یابد و قرانات و درد و سالکی و یازده سالکی داشته باشد چون از این ها بکذرد عمر او بنود و دو رسد و اما دشمن او بسیار باشد و ظفر بیابد و در طالع او چهار پایان سازکار باشد و البنات دختران با خود نکه دارد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا حنان یا منان یا برهان یا غفران یا سلطان یا غیاث المستغیثین اغثنی

طالع زنان حمل دلو بدانکه دلو خانه زحل است و بادی و مشرقی و طبع او سرد و تر است هر زنی که بدین طالع از مادر زاید نیکو چشم و خوش قد و صاحب غیرت باشد و در سینه و ساق او نشانی دارد که آن نشان دولت است و برادران و خواهران از او خیر ببیند و پدر و مادر او را بسیار دوست دارند اما خواهر او و فرزندش تعلق بجوزا دارد و از ظاهر اندک منظور میشود و خانه بیماریش در کودکی مستمند کردد و این طالع کسی باشد که را مینمو

باشد و صاحب دولت و قرانات وی در هفتاد سالکی و دوازده سالکی و بیست و دو سالکی دارد چون از اینها بکذرد عمر او بنود سال میرسد و بیز که میرسد و هرچه امید بیند بر او روشن شود بفرمان حق تعالی و باید که دعای چشم زخم را بنویسد و با خود دارد اما از روز های روز پنجشنبه و جمعه و شنبه بر او سازکار باشد و در طالع او چهار پایان از اسب و کوسفند بر او سازکار باشد و چون ماه نو ببیند بر رو بیاده کاو نکاه کند تا آخر ماه بر او خوش بکذرد و البته همیشه این دعا را با خود نکه دارد بسم الله الرحمن الرحیم نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا و بالله العلی العظیم

طالع حوت حوت خانه مشتری است و برج مادر است و صاحب این طالع در روی یا در سینه نشانی دارد که آن نشان دولت است و امانت دار باشد و صاحب این طالع از برادران و خواهران منفعت ببیند و از ایشان فایده یابد و خواهر فرزندش در سرطان یافتم و فرزندش نرینه و مادینه معتبر بماند و بیماری در کودکی که بسبب آن کشیده و از درد شکم در عذاب میشود و آن از سردی و تری میشود و قرانات و درد ده سالکی و بیست و چهار سالکی دارد و چون از اینها بکذرد عمر او بهفتاد میرسد و اما خواهر امید فی در جنگ یافتم و هرچه از خاطرش خطور نماید از رحمت خدا در منتها بر آورده شود و صاحب این دعا عقد اللسان بنویسد و با خود نکه دارد و از روز های روز شنبه

الثالث والرابع جهة پدر

روز یکشنبه نیکو بود و در طالع او چهارپایان بسیار باشد و چون تا نو ببند بچپه شش بن نکاه کند والبشر ابید غا وابا غو. نکر دارد

بسم الله الرحمن الرحیم یا عطوف بحق آدم صفی الله و بحق ابراهیم خلیل الله و بحق موسی کلیم الله و بحق عیسی روح الله و بحق محمد رسول الله و بحق هذه الاسماء الحسنی و بحق علام الغیوب یا ارحم الراحمین قل لنا ما

پیغمبر اول باید سوره حمد را بخواند بعد این آیه را وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین پس بعد از انکه نیت کرده وایند عا را هم خوانده باشد انکشت دست راست را بر خانه اسامی یکی از پیغمبران کذارد پس هر پیغمبر که انکشت بر او کذاشته شد فال او را بخواند تا نیک بدان معلوم کردد هر نیت کرده شد اما هر کس که با نیت عمل شود عکند الناس دعا ادم والله اعلم بالصواب

آدم علیه السلام	شیث علیه السلام	ادریس علیه السلام	نوح علیه السلام
هود علیه السلام	صالح علیه السلام	ابراهیم علیه السلام	اسمعیل علیه السلام
اسحق ع	یعقوب علیه السلام	یوسف علیه السلام	ایوب علیه السلام
شعیب علیه السلام	موسی علیه السلام	هرون علیه السلام	داود علیه السلام
سلیمان علیه السلام	الیاس علیه السلام	خضر علیه السلام	زکریا ع
یحیی علیه السلام	عیسی علیه السلام	یونس علیه السلام	محمد رسول الله

نوع ۱ مهمات

قال الله تعالی وعلم آدم الاسماء کلها آدم

بدانکه ای خداوند فال اندیشه بغایت مبارکست و هر کس ترا دوست میدارد و تو مردی خوب روئی لیکن این غایت در اندیشه و فکر بوده و بسیار غم و اندوه کشیده و اما نزدیکست که شادی میرسد و سنایه تو بلند است و بعد از این دولت خواهی یافت پیش از این امید کوتاه بنو رسیده است و مدتی از این متفکر بودی و این مدت بی تدبیر بودی نشد خدا تعالی ترا نکاه داشت و از مردم محتشم راحتی خواهد رسید و اگر غایب داری باز آید و نزد تو بسلامت برسد و حاجتی که داری حق تعالی مراد ترا بر میاورد و این سفر بر تو مبارکست و از روز های روز پنجشنبه و شنبه بر تو مبارکست و بمراد دل برسی ان شاء الله شیث ع ای خداوند فال شخصی ترا زبان کرفته است و شب و روز نیکی تو را میکوید اما دو سه تن را خواهم بود و تو در کار خود دار یکن و در این دو سه روز کار با لا میکرد از کنار کذشت باید تو بر کردن که ستاره تو از این محو است بیرون آید و هیچکار تو سرانجام نکیرد دو شخصی همیشه با تو دوستی نماید بزبان با تو دوستند باید که راز دل خود را بکسی نکوئی و جنک و خصومت بکن اما ترا فرزند باشد و قدم او بر تو مبارک خواهد بود و باید که تند نکنی و سخن دوستان را بشنو راحت بعضی و تو را بیخ رسیده بود و نشانی که بر تن تو مانده و ان دلیل درازی عمر است و از غم محنت فرج یابی باید که در دو زانو کاهلی نکنی ادریس

قسم دیگر

قسم اول

ابجدا و ند فال تو را دولت خواهد رسید و الحمر طلبکنی بیابی و لیکن بجا و
بجا حت رسی شتاب مکن که سخن در کار بد میگوید بغایت تاثیر است و
دران شور بسیار بتو رسیده است و قومی بتو حسد میبرد و در قصد
تو اند اما بر دست ایشان کار بر نمی آید مترس که کارها بمراد تو خواهد بود
و سفری تو را در پیش است از ان سفر راحت بینی و انده و غم بتو رسیده است
فارغ باشی که در ابجد روز نحس است از تو بکذرد و صورت تو
خلوشیر است و فرمان تو روان باشد و اما شخصی تند خوی زود
خشم کبری وز و بخوشنود شوی تو را دوستان از جان کرامی تر است
و هم بکزین تو را دوست میباشد و شب و روز تو را دعا میکنند از فرمان
ان زن بیرون نمرو و در این هفته کفتکو مکن که در این هفته ستاره
تو بنیره نحس بیرون خواهد امد و بعد از ان مبارک و در یکی دختی
بکی خواهد غم مخور که بدی او بتو نمیرسد و شخصی هم غم خورد تست و حاجت
که داری بر اید و اکر غایب داری خبر خوش بشنوی که مراد حاصل
است تم **نوح** ع ابجدا و ند فال بدانکه شخصی پیوسته تو را نیکو
خاطر بود و تو قوم راهم نصیحت میکنی و فرمان تو نمیبرند و سخن تو را
قبول نمیکنند و در مثال چنانکه نوح ع در میان قوم خود سخن او را
قبول نمیکردند تو بر دشمنان ظفر یابی و بشارت باد تو را بدرازی عمر
و نعمت بسیار بتو رسد اما شخصی داعیه بد دل دارد و از تو بی راحت
و سبب استاد و ازار و انده و غم خواهی دید باید که صبر کنی و

دیگر طریقه

بکسی نکوئی نا اهل نباشی و سفر تو را در پیش است که از ان سفر راحت
بیابی و خبر خوش برسد تو که غایب داری از ان شاد و خرم بدینی و چشم
تو روشن شود و از روزها روز پنجشنبه و شنبه بر تو مبارک است باید
دوراندیش در میان خصوم و فا ستاره تو را در برج نحس است بیرون آید
و بر دشمنان ظفر یابی باید که روشنائی بد بدابد و امسال بر تو مبارک
است تم **هود** ع قال صاحب الکتاب ابجدا و ند فال بدانکه
روشنائی در کار تو بند امد و در کار خود حیران شده که ایا چکونه خواهد
شد و قومی بر تو ستم خواهد کرد و هم از مردمان بر تو دشمنی میکنند
و حقتعالی تو را انکاه مبتلا کرد تا تو را امتحان کند باشد و لیکن مردمان راه
بملامت تو میکنند انجام خاطر خدا تعالی کار تو را بکشاید و از همه غمها نجات
یابی و بمراد برسی و اما اکر غیبت داری چند روز صبر کن و شتاب
مکن که مرتبه عالی داری و حقتعالی همنشین مناسب بدهد که از او
راحت یابی و تو شخصی هستی بسیار کو و بعد پشیمان شوی و بامردم
نرمی و ملایم سخن بکو تا از همه ایمن باشی و بر سینه یا شکم نشانی داری
که نشان نیکبختی بود و چون ماه نو بینی بد سنت نکاه کن و را
دل خود را بکسی نکوئی و جنک نکنی تا هفته دیکر ستاره تو بخانه سعد
در ود و روشنائی خواهی یافت و بمراد دل برسی تم **صالح** ع
قال المصنف ابجدا و ند فال تو را حقتعالی از دو نهارها بند و بمقصود برسی

قل هو الله احد

قل هو الله

امسا بر تو مبارک خواهد بود و رنجی کشیده و اندوه دیده و تب که
در دل که داری مبشر گردد و سفری در پیش داری نعمت و راحت بسیار
خواهی دید که ستاره نور روشنائی دارد غم مخور که عمرت دراز باشد
و در طاعت حرمت و دولت یابی و تنی که در دل داری خواهی رسید
و هر چند با مردم نیکی میکنی بدی می بینی و اگر غایبی داری بسلامت
باز آید و از او راحت بینی و بر دشمنان ظفر یابی و چون ماه نو شود
راحت مبدل گردد ان شاء الله تعالی **ابراهیم ع** قال المصنف ایخداوند
فال انکه کرده بغایت خوبست و طالعت قوة گرفت و از غم نجات
یابی و قومی حاسد تو بودند و در قصد بودند حق تعالی از فضل خود
ترا نگاه داشت و باید که بطاعت مشغول باشی ترا فرزند باشد دانا
و عاقل و حق تعالی در روزی برکتی بتو بگشاید و ترا چشم زخم رسیده اما از تو در گذشت
و از شر دشمنان در امان باشی اما از فرزند دراز بالا و ازرق چشم که بر روی
وی نشانیست با خبر باش که همیشه بد تو را میخواهد و حق تعالی
او را مقهور گرداند و تو را مراد دل برساند و راست گو و دل بسته امین
باش و خاطر خود را موزه دار که انچه دل خواهی بتو میرسد و روز
جمعه بر تو مبارکست اما روزها دیگر در میان خصومت و فاکه تبلا
باشی و اگر غایب داری خبر خوش بشنوی ان شاء الله تعالی **اسمعیل ع**
قال المصنف ایخداوند فال ترا هیچ چیز نماند مگر راست کردار
دباید که راستگو بعمل باشی عزیزم صبح و شام طاعت کن و مردم را از خود

خوشنود کن و رنجی بر پای بود اکنون بهتر است بر پشت و پهلو
نشانی داری که ان نشان نیکبختی و دولت است اما از کسی کوتاه بالا
فایده بتو میرسد و زنی هست که ترا شب و روز دعا میکند خدای تعالی
ترا نگاه میدارد و از برکت دعا اثر دست و عمرت دراز شود و بر سر
نشانی داری که دلیل بر درازی عمر باشد و بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی
اسحق ع ایخداوند قال امام جعفر صادق ع میفرماید اگر نیت
بسوغند داری نیکو و امید در خبر نیکوئی داری و اما خصمی در کار است
اگر تجارت داری خواطرت شاد شود و اگر چیزی از دست تو رفته باشد
باز بدست اید و اگر اراده سفر داری برو که غنیمت و مال بدست تو
میرسد و اگر غایب داری ایمن باشی و اگر قرض داری برو که ادا شود
و ترا مال میدا است هر چند زود بدان برسی و با هر کس نیکی
کنی و هر کس باشد با تو نیکی میکنند باید که شکر کنی خدای تعالی که در زنی
تو کشاده است و بر دشمن ظفر یابی و بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی **یعقوب ع**
ایخداوند فال بد انکه غم و اندوه کشیده و امید از همه چیز ها بریده
خدای تعالی ترا بفضل خودش در سلامتی برتو کشاده کند و ترا از همه
غمها برهاند چنانکه چشمان مبارک یعقوب با من بود از فراق یوسف
فرح یافت و در روزی و سعادت بر تو بسته بود اکنون بشارت باد
ترا که درها خیر بر تو کشاده است و من بعد خوش و خرم باشی
و بخت و دولت و فیروزی خواهی رسید و اگر غایب داری خبر

دیگر طریقه

خوش شنوی و بمراد برسی انشاء الله تعالی **یوسف عم** قال المصنف بخداوند
بد آنکه قومی بر تو منافقند و بر تو حسد میبرند و بشارت باد ترا اگر
بر اعدای خود ظفر یابی اگرچه از سبب خواطر پریشان داری و در این
هفته راحت بتو رسد اما یک گروه با تو قومی کرده اند و خلاف آن
میکنند و نمی یابند و تو دل بر آنها نبسته خدا تعالی داند هرچه در دل
داری بتو رسد و از بزرگی راحت بینی و سفری در پیش است اگر نقصان
بتو رسد بخیر بگذرد و شاد شوی اما سفر ترا نشاید که میبینم تاریکی و
پراکندگی زیاد شود و از عقیده خود حذر باید کرد که تا بخیر و زود بگذرد
بخشش از تو بگذرد و دری از رزق بر روی تو گشاده گردد و اندوه شان
شادان شوی و از بزرگان بهره مند گردی و سخن دوستان را قبول کن که
تو را نفع میرسد و از مکر شخصی سیاه چهره و بد بار بلند اندام و مو کوتاه باشد
و رنجی هم تو را رسیده باشد ایمن مباش و از او پرهیز کن البته و در این باره
با کسی گفتگو مکن و از تو چیزی غایب شده بتو باز رسد و اگر رنجی بکشی تا
روز پنجم تاخیر کن بعد از یک هفته بخیر خواهد بگذشت و از دو سه روز
غم و اندوه بتو رسیده بگذرد و اگر غایبی داری بزودی خبر برسد و
خوشی هم بعد از خبر برسد و روز یکشنبه و ادینه بر تو مبارک است و بمراد
دل برسی انشاء الله تعالی **ایوب عم** قال المصنف بخداوند فال بد آنکه چیزی از
دست تو رفته سبب آن غم میخوری اما عاقبت کار را نیک بدانی اگر صبر کنی
هر امید که داری برسی پیروزمند شوی سرگردانی و ملامت سرآمده و غم ...

نوع دیگر

بتو رسیده و غم خورده در این چهار روز اما الحمد لله روی بعافیت
نهاده و اما اگر نیت سفر داری برو که نیک است و از روز چهار روز دو
شنبه و پنجشنبه بهتر باشد تا بمقصود برسی و در بکر نیت عقد داری
خود را برحمت بدار که ساعت خوب نیست و ستاره بخت در طالع
میبینم صبر کن و صدقه بده تا ایشان طلبگی نیابی و لیکن از شخصی کار
تو گشاده شود و از بزرگ راحت بینی و کار تو بمراد دل گردد و چیزی
در این چند روز بتو میرسد انشاء الله تعالی **شعیب** قال المصنف بخداوند
فال بد آنکه چنین میبینم که با یکی پیوند خواهی کرد از او بتو نفع بسیار رسد
و کار تو خوب میشود اما چند روز صبر کن و شتاب مکن که بعضی از مردم
با تو اندک دشمنی دارند اما ظفر ترا خواهد شد و در نماز کاهلی مکن
و تصدق بده که خصم از آنها بگذرد و از جهت زن غم میخوری غم مخور
که بمراد دل میرسی انشاء الله و تو را فرزندی باشد که قدمش بسیار بر تو
مبارک باشد باید که راز خود را بکسی خبردار نکنی تا کار تو اوج گیرد و رنج
خدا تعالی بتو داده از آنکه رهانند و دعا بچشم زخم با خود نگه دارد و در این مدت
از درد دل مبتلا بگذرد تدبیر کرده خوب است اما دشمن بسیار داری غم
خدا مباش تا زبان بدگویان بر تو بسته باشد و نصرت یابی و از ...
خبر خوش بشنوی چنانکه شادمان شوی انشاء الله تعالی **موسی علیه السلام**
قال المصنف بخداوند فال بد آنکه در فکر چیزی فرومانده دل تنگ هیچ

وجر ساکن نیست غم مخور که همه مرادت حاصل شود و پیش از این تو را غم
وانده رسیده بود نزدیک شده که ستاره بروشنائی آید مهمات
حسب المدعا شود و در اینجا بی زیانی بر تو رسید خدا تعالی عوض تو با
دهد کارت بالا گیرد و دولت سبکبار بی مشغولست با کسی عهد خواهی
کردن بکن و اگر غایب داری خبر خوش بتو میرسد و کار تو با تمام رسید
و اگر دستبر خاک زنی خاک زر گردد و در نماز کاهلی مکن هر چند توانی
زکوة بده تا از خوف ایمن گردی و بمراد برسی انتهی تم **هرون** قال
المصنف بخداوند فال بشارت باد تو را که دولت و راحت رسیده و افتاده
بطالع رسیده اما بعضی هستند که حسد میبرند و یکی تو را دشمن
دارد و نصیحت پند ارد بشنو که امسال بر تو مبارک است و شغلی خواهی کرد
که راحت تو در آنست و اگر غایب داری زود بتو خبر میرسد و هم امروز
سوگند خورده که فلان ادا بده تا ایمن گردی و خبر نسبیا ببینی و بر شکم نشانی
یا خالی داری که نشان دولتست و پیوسته خواب آشفته میبینی و فراموش
میکنی و دولت فوت دارد که بمراد دل میرسی انتهی تم **داود علیه السلام**
قال المصنف بخداوند فال بدانکه بر سر قوم مهتری و بزرگی کنی و جمله
در فرمان تو باشند و از جهت اینچند روز اندوهگین بوده‌ئی خود را نگاه
دار که از عقب تو کسی بود اندیشه میکند هرچه در دل است بر بی با تمیز
و امسال بهیچ بر تو رسیده است خدا تعالی تو را نگاهداشت و یکی هم دراند
یشت و بر آنچه تو جادو کرده است اثرش ظاهر شد و بخیر گذشت باید که

رزق و وسعت جهت

اللهم مالك السموات والارض وما بينهما والاسباب ... قلبه فوائی الاسباب ...

الحادی والخمسون

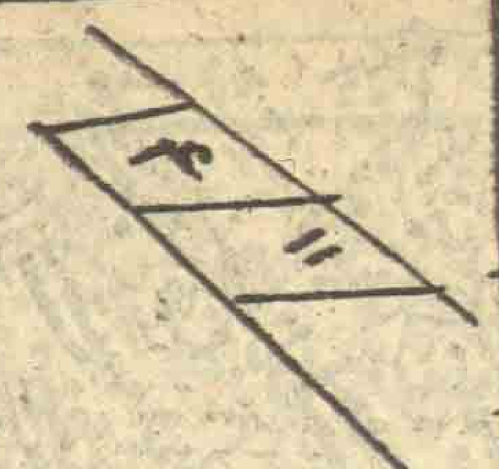
الثالث والخمسون

و از دل او یکی نیکوئی ناسره دروز دیگر خرم شوی و اگر غایب داری خبر خوش
بشنوی و تا باید کرد در نماز کاهلی نکنی تا بمراد دل برسی انتهی تم **سلیمان**
قال المصنف بخداوند فال بدانکه تو در غم مانده و در هوس فرزندی
خدا تعالی تو را از این غمها برهاند و فرزندی مقبول بتو بدهد و یکنوبت
جادوی سخت بر تو رسیده بود خدا تعالی تو را شفا داد و از سنگ بر تو
جراحتی رسیده است و نشان آن بر تو مانده است و آن دلیل بر درازی
عمر تو باشد و خواب آشفته میبینی و فراموش میکنی و در دل تو هیچ حسد
نیست و در کارها صبر کن و طاعت کوش که قومی با تو دشمنی میکنند
و نقصان کار تو میخواهند و با تو بزبان دوستند در باطن دشمنند
از ایشان با حذر باش و زیان بر تو میرسد و زحمت بسیار کشیده از د
شمنان اما از آنها عوض بتو باز دهد و تو را اندیشه در دل است و بجا
طمع داری و از تو دور یکی مگوی تا در امان باشی و کفاره قسم برتست
بده تا نقصان از تو بگذرد و کارت نیکو شود و روز جمعه و شنبه
بمقصد میرسی انتهی تم **الیاس علیه السلام** قال المصنف بخداوند
فال بدانکه و آگاه باش که دیگر انتظار میکشی فارغ باش که آنچه طلب
کنی بزودی بتو میرسد باید که شکر کنی از جهت شخصی که تحویل و سفری
تو را در پیش دارد که از آن نفع بسیار بتو خواهد رسید و زود بسلامت
بازآئی و اگر نیت پیوند داری مکن که از آن پشیمان شوی و خدا اعلم

... رکوع در دو رکعت ... سبحان ربی العظیم ... سبحان ربی الاعلی ... آیة الکرسی ...

دیگر بطلب نقد

الرابع والخمسون



نو خواهد شد واگر غایب داری زود بتو میرسد و با خبرش د
وا مثال بر عبارک میباشد و ترا سفر در پیش است کرکر مبری و خبر
بسیار بیدی و باید ابند غادا با خود بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین خلق السموات والارض وجعل
الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون عزمت
علیکم یا قحرابان عملک یا طیبان ملك و علی معاشر الاعیان
من حیفون باسم خاتم سلیمان بن داود وطافیر العظمة الا
اسرعتم بالاجابة عجلتم و دخلتم فی هذه خاتم علی خال فرا کول
شراهم برفیا شوس طوش الانبیاء ایها الرجاء الرجاء الوجاء برحمتك
یا ارحم الراحمین وایضا این طلسم را با خود بدارد

٢	٣	۴	٢	١	١	١
۴	٢	١	١	٢٣	٥	٩
۶	٨	٩	۴	٢٧	١	١١
٨	١	١	١	١۴	٧	٣

ایضاً ابند غادا ابنو بسیند بر بازوی راست بند

خج روز یکشنبه وانند و زیارت خضر پیغمبر در باب روز پنجشنبه و شنبه
بر تو مبارکست وکار بکم پیش میکنی و راست میباید و شد بمکن و
صبر کن که کار تو باصلاح اید اما چو تمام نو شود چیزی بتو رسید
خوشدل میشود و از جائی که هیچ امید نداری بمراد دل برسی انشاء الله تعالی
خضر علیه السلام قال المصنف الحمد لله و ند فال بدان و آگاه باش
بشارت باد ترا اگر دولت برای تو امد بعد از این شاد گردی و
کار تو کشاده شود و سفر در پیش داری که انجا با راحت و نعمت
بکسی محبت افتد و از وفا بینی اما یکی با تو دوستی میکنند و
خواطر ترا اشغشه دارد اما زنهار راز خود را بکسی نکو و در
با هیچکس خصومت نکنی و گفتگو نکنی و از روز چهار روز پنجشنبه
و سه شنبه بر تو مبارک باشد و بمراد دل برسی اما دعا بخوانم
زخم را بخود نکه دارد تا ایمن کردد انشاء الله ذکریا علیه السلام
لی خداوند فال بدا نکر درکار بی شتاب مکن که شتاب از
رحیم است و غافل کار پشیمانی بهم میرسد اما بشارت باد ترا
بدولت و از جهت فرزند شاد شوی و قدم او بر تو مبارکست هیچ
غم مخور و یکدل باش و نکرانی داری و لیکن در دل تو را بغضی
نباشد و انجه فکرت هست میسر کردد و بمراد دل برسی اما
شخصی دوانند بغیر نیست و از دل بیرون نمیرود و قومی بر تو حسد
می برند و از نزدیکان تو اندا ما هیچکار از دستشان نباید و کار بمراد

بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا منان یا دیان

یا سبحان وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین

انت یحیی علیه السلم قال المصنف بخداوند بشارت باد تو را که بدست تو نمی مهری خواهی کردن چنانچه در فرمان تو باشند و از بزرگ چیزی بتو همی رسد که از آن خرم شوی و بعضی بیکران روی اردهٔ شو وکر خیانت در دل نیست واعتقاد تو پاک نست وخوش نداپسند نبود ودر دل خلق شر بن مبیاشی وهر کس زیاده شمنیا دو را یادی پدید آید وشادی شنو و غالی بدست واما اگر طلب از حرام نصرف غائب ده دینار از مال حلال تو بر دو اگر شخصی دو غریب غائب یا خبر بتو برسد وچشم تو روشن شود و تو دل بحر چه بستن کنی که بمراد دل برسی ان شاء الله عیسی علیه السلم قال المصنف اکاه باش این نیت که دادی از غم بنجات یابی و عمر تو دراز باشد و الاکبر و دشمنان تو مقهور کردند وهر روز عزت با همنشین تو ورا است کو و سفر در پیش داری وکر شکست و نعمت بسیار داری هیچ محو وکر خیانت در دل تو نیست از برکت جای پدید و مراد دو چشم نگاه دار واکر کسی دو غریب داری بزرگی بتو رسد با دولت و سعادت و اسباب تو مبارک باشد و بر دشمن ظفر یابی وهر نیت که کرده خوب نیت بمراد دل برسی ان شاء الله یوسف عم قال المصنف بدانکه در دنیا تو یکی گرفتار شد

اذا وفق ختم

روایت دیگر

شکر خدا کن اکنون صبر کن که با این نیت که کرده نفع بسیار بتو رسد اما زنی مدعی تو پیدا شد و تو با ایشان ظفر یابی شخصی در هوس اند تست اگر صبر کنی خبر زیاد بیشی اما دور دار از شما جنگ پیدا شود و زود بصلح انجامد و خوبی فرزندی بتو از زانی دارد و قدم او بر تو مبارک باشد و شرکت بتو نشاد با هر که ابنا رنگی پشیمان کردی و دل بهیچ حال ساکن نشود و بمراد برسی ان شاء الله تعالی بمراد رسید فالنامه ثانی

محمد المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین وکان الله بکل شیء علیما

بیان

واکاه باش بشارت باد تو را که دشمنان تو مقهور شوند و مراد دل حاصل شود البته و بسیار مردم در قصد تو اند و بهتان کو بند اما خدا بنعم یار تو باشد و تو را یکی دوست میدارد و شب و روز دعا بر ای تو میکند و از برکت دعای او عمر تو زیاد میشود وکار تو بالا گیرد و تر انگاه میدارد در کارها صبر کن و دانه دل را بکسی مگو تا ایمن گردی و از روز ها روز پنجشنبه و شنبه بر تو مبارک باشد واکر غائب داری خبر خوش بشنوی و بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی

دعا جو از فاضل دیوبند علیہ الرحمہ

منقول است کہ پیچھے سرخ لٹا بن ابر دابر بادچہ کاغذ پے نوشتہ بر بوکنج نزد ملک بزمین کہ چھا کنج باشد بچیبا فواد کنند و درینکس نوشتہ شود و بملاحظہ کنج چسپیدہ شود بسم اللہ الرحمن الرحیم اتی امر اللہ فلا تستعجلوہ سبحانہ وتعالی عما یشرکون

کتاب نو و طالع نام بچھتہ بیماریھا و ناخوش و چشم زخم و غیرہ اسم حرف و اسم مادر او بحساب ابجد ہر اوہزہ و و نون و او طرح نماید اگر یک بماند حمل و اگر دو بماند ثور دانست وھکذا

ابجد	اب پ ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ہ لا ی		
بروجت	حمل (آتشے)	ثور (خاکے)	جوزا (بادے) سرطان (آبے)
اسد (آتشے)	سنبلہ (خاکے)	میزان (بادے)	عقرب (آبے)
قوس (آتشے)	جدی (خاکے)	دلو (بادے)	حوت (آبے)

ابجد کبیر است

ا ب ج د ہ و ز	ح ط ی ک ل م ن	س ع ف ص ق ر ش	ت ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷	۸ ۹ ۱۰ ۲ ۳ ۴ ۵ ...	۸ ...	...

ض ظ غ

السادس فی الخصوص

طالع حمل

دیو نزد سلیمان آمد سلام کردہ ایستادہ سلیمان گفت یا ملعون نام تو چیست و ماوای تو کجاست و پیہادم را چہ گوئی مضرت میرسانی گفت نام من جاد دوان و من پادشاہ پریانم و مقام من در سر چہار راہ است و لب جویہا و خرابہا و درز پرد و ختہا باشد و ہر کس بدین طالع باشد روز شنبہ و یزا افسون سانم و نشان آنست کہ سخن کمتر اگشنود و در خواب بیہودہ حرف زند و جواب کمے ندہد و رنگش سرخ شود و بیمار نکشند و فریاد کنند و درد سر و گوش پدید آید و حرارت وی زیاد گردد و خواب کم کند و لب دہان او خشک شود و دل او بہم آید و سینہ او درد کند اگر کودک باشد چشم و زبان می رسد و از ما باستبا رنگ و برا فرو دہم نشان صاحب طالع باشد کہ روی وی زرد شود اگر چہل روز دوا نکنند تب کند و موئے ور کرد و سپید باسم ملاعینان دو دز بر دامن بسوزانند و دیگر این دعا را بنویسد با خود دارد شفا یابد انشاء اللہ تعالی بسم اللہ الرحمن الرحیم یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان اللہم احفظ صاحب الکتاب من کل آفۃ ومن کل عین ولامۃ ومن کل ہامۃ ومن الجن والجنیۃ وغول وغولۃ وساحر وساحرۃ وکاہن وکاہنۃ نعوذ بکلمات اللہ التامات کلہا من اسمائہ الحسنی التامۃ ومن شر السامۃ

ففر ازجہت ایمنی

النحاقة قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل
المفسدین انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم یا غفور یا ودود یا رؤف یا عطوف یا شکور یا صبور
یا حی یا قیوم یا رحمن یا رحیم یا وا۱۱۱ ه۱۱ طططط ططه ه۱۲۱ ۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲ رسل ه
۲۱۱۱لی اصاوث وانبید عاء انیز بنویسد بشوید وبخورد وبراعضا مالد
شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله یا خلوق الله تبارک و...
یا حنان یا منان یا احد و یا صمد یا هو یا من هو ۲ ۱۶ ه۱۱۱ ۱۵ ۱۰ الا الا
سبحانک یا لا اله الا انت کل شیء علما وابن طلسم را هم نوشته بسوزاند
و دود زیر دامن وخاک او را در سر چهار راه بریزد ملخص صنا ... شفا یابد
نمرود فرعون ابلیس **طالع ثور** سلیمان فرمود تا دیو طالع ثور را
بیاوردند سلیمان ع دید که دو سه سر دارد دو پای چون پای فیل
وعصا در دست داشت در دست سلیمان ع گفت که ای ملعون نشان تو چه بود که انسان را
اذیت میکنی دیو گفت خود را بوی نمایم بترسند و فریاد کرد استخوانهای او
بدرد آید علت سر وجنون بهم رساند وخواب نکند وآب دهان او
خشک شود وصفرا غالب آید وشکم سخت باشد وتب کند وکاه کاهی گلو
او درد کند وچشمها پس باطراف بگردد وچیزهای عجیب بیند واگر
کودک باشد بترسد وچشم بد وزبان بد باو رسیده باشد سلیمان فرمود
علاج وی چه باشد دیو گفت این دعا را بنویسد با خود نگاه دارد شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامات من اسمائه الکافیة ومن شر ...

والحامة ومن کل عین لامة ومن شر الشیطان الرجیم ومن شر حاسد
اذا حسد اعیذ صاحب کتاب هذا ... وبالحق انزلناه وبالحق
نزل فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم سبحانک الرحیم الاکرم سبحانک
العلی العظیم یا ذا الجلال والاکرام نظهابطاالله ۱۱۱۱۱۱ ا د د ر وابن الکریم
ودعا بیم الشافی بنویسد و با خود دارد و دعای ناد علی و این شفا
را نوشته با بشسته فد ... آن را و بخورد شفا یابد و این طلسم را در زیر دا
بسوزاند ملبس تلبیس یلغیش شداد هامان نمرود فرعون **طالع**
جوزا سلیمان ع بفرمود تا دیو طالع جوزا بیاوردند چهار سر
بود وسر او مانند سر آدمی و پاها مانند پای شتر بر اسبی سوار و تاز
یانه در دست داشت سلیمان فرمود ای ملعون نام تو چیست و منزل تو
در کجاست دیو گفت یا سلیمان نام من طلبان بن نعراست در کوه
ها و در کنار آبها و در بکند در و دخانها و در خرابها و سرراهها باشد
که اینجاها در روز دو شنبه و چهارشنبه ... سلیمان فرمود نشانه
آفت تو چه باشد گفت آنکه درد دست او و اعضا جش درد کند
و شدا ... تب کند و برافروخته ... دهان و تلخ شود و صفرا بر او غالب
و رنگ او زرد شود و سر و سینه اش پرآتش باشد چون بخواب رود
چیزهای غریب و آشفته ببیند و بترسد و برخیزد و دست و پای سفر باز
و چشم بد باو رسیده باشد بدین نشانه اولاد فرود هم نشان آن بود که روی
زرد شود و ... فرمود سلیمان علاج وی چه باشد گفت که

اذکار خیر و دعا

السامع و توت

...ل در زیر دامن بسوزاند و اسند غار انوشتہ با خود نگہ دارد و سوزن فولادی در میان نگہ دارد تا شفا یابد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بحق و ملیخا ملیخو ملیخا و ملیحر ایارا ایارا اباد وابارا اعواس و داغارا عین و
سابیطلون طبوس و طربنوش طبنوش تبنوش اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي الَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهٗ
حَثِيْثًا وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُوْمَ مُسَخَّرٰتٍ بِاَمْرِهٖ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبٰرَكَ
اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ودیگر این شفا را نوشتہ و باب فدی بخورد و براعغه
مالد شفا یابد و نیز این طلسم را نوشتہ در زیر دامن بسوزاند شداد و
نمرود و فرعون ابلیس تلبیس ملبیس ملبیس **طالع سرطان سلیمان**
فرمود تا دیو طالع سرطان را آوردند هفت سر و هفت پا بود و زشت
رو و بدخلق سلیمان فرمود ملعون نام تو چیست و منزل تو در کجاست دیو
با پیغمبر گفت نام من خطروش و منزل در خرابها و قبرستانها و کنار جوی
آبها و در زیر درختان باشد و هر کہ بدین طالع باشد و بدین جاہا
آید روز دوشنبہ و برا افت رسانم سلیمان فرمود نشان آفت تو چیست
دیو گفت کہ استخوانهایش را بگیرم درد پیدا کند و گاہ تب گیرد و گوش
او را گران کردانم و درد سر و لرزہ در اعضایش پیدا شود و معدہ و شکم
و ناف او را بگیرم و دهانش تلخ گردد و زبانش سفید شود و اگر کودک
باشد و برا نظر کنم چون مرا ببیند بترسد نشان آن باشد کہ روی وی
زرد شود و شبها تب گیرد و بیهوش گردد سلیمان فرمود علاج چہ بود

آداب

فوائد

دعای اول

اذکار

کفت موی میمون و کرہ و باشتر و سپند و پوست سیر در زیر دامن دود
کند و اسند غارا بنویسد و با خود دارد شفا یابد انشاء اللہ تعالیٰ بسم اللہ الرحمن الرحیم
بسم اللہ الکافی بسم اللہ المعافی بسم اللہ الذی لا یضر مع اسمہ شیء
فی الارض ولا فی السماء وھو السمیع العلیم اعیذ صاحب لذعوا
بحق اھیا شراھیا اصطا بروح سکوہ و محمد الحی فسیکفیکھم اللہ وھو
السمیع العلیم و بحق ننزل من القران ما ھو شفاء و رحمۃ للمومنین و این
طلسم را نوشتہ در زیر دامن دود کند شداد لعنت نمرود لعنت
فرعون عون لعنت و این شفا را نوشتہ بشوید و بخورد **طالع اسد**
سلیمان فرمود تا دیو طالع اسد را آوردند دیوی آمد کہ سر سردار
سبز رنگ و کبود چشم سلیمان فرمود نام تو چیست و منزل تو در کجاست
گفت نام من جهاد و منزل من بر سر چهار راہ و لب جویها و خرابها و در
جاہا اگر روز سہ شنبہ بانجا بیاید بی نام خدا و ندعا لم بی تعویذ
و برا آفت رسانم و نشان آنست کہ آشفتہ باشد و حرف کسی را نشنود
و جواب کسی را نگوید و چشمش سرخ شود و بسیار او طول کشد و فریاد
برآورد و درد سر و قولنج پیدا آید و روز بروز لاغر گردد و سستی
بدو راہ یابد و چشم او تاریک گردد و درد معدہ و شکم و ناف و کرد
شود چون صفرا غالب شود و اگر کودک باشد دست و سینہ سرخ گردد
باشد و نشان آن باشد کہ روی وی زرد گردد و همہ خون و برانش
سبز ادکنم مدت چهل روز تب گیرد باید پرهیز کند سلیمان فرمود علاج وی چیست

آیات خواص

کفتہ اند غار اینوبید و بنا زو بند دود غاید بکرتو شنیہ در زیر دامن دود کنند ہمین کرد دانتم بسم اللہ الرحمن الرحیم یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان اللہم احفظ صاحب الکتاب من کل افۃ ومن کل عین ولامۃ ومن کل شیطان واہنۃ ومن الجن والجنۃ وغول وغولۃ وساحر وساحرۃ وکاہن وکاہنۃ اعوذ بکلمات اللہ التامۃ کلہا من اسمائہ المضافۃ ومن شر الخامۃ والہامۃ قال ما جئتم بہ السحر ان اللہ سیبطلہ ان اللہ لا یصلح عمل المفسدین انہ من سلیمان وانہ بسم اللہ الرحمن الرحیم فسیکفیکہم اللہ وہو السمیع العلیم وننزل من القرآن ما ہو شفاء ورحمۃ للمؤمنین این طلسم را بنویسد با شیر و سداب بمالد شفا یابد انشاء اللہ

ہ ا ۱۱۱ ۱۱ الا ا ع ا ۱۱ الا الا ۱۱۱ ط ۲۲ | ع ع ۱۱۱ ہ ۱۱۱۱ ۳ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۳ ۱۱۱۱۱۱۱۱

الا ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ع ۱۱۱ ع ط و دیگر این طلسم را بنویسد در زیر دامن دود کند شداد داد لعنت نمرود رود لعنت فرعون عون لعنت ضحاک بی باک لعنت طالع سنبلہ سلیمان ع فرمود باد بر طالع سنبلہ را او درد فرمود ملعون نام نوچہ و منزل نو در کجاست کفت نام من ہنم و منزلم در خرابہا و خندقہا و راہہا ہر کہ بی نام خدا در جاہا ابدا و را افت دسانم و نشان من آنست کہ معدہ و شکم و ناف و ہمہ اعضا بش درد کند و تب و لرزہ بر وی کاہ دم و اورا بکیرم چنانکہ خون از بینی و دہان او بیرون آید و ہر جا دستش کردم سنبا کرد و سرش

درد کند و آب از چشم فرو ریزد و زانوہا بش را تا ساق بکیرم و درد خاب و او چنکر نہ چنانکہ راحتی باشد و ہر شب و نیمہ شب برہنہ شود نظر کنم استخوانہا او را دوہم شکنم و کمرش درد میکند و دہان تلخ شود و کاہکاہ نعرہ زند و نالہ و فریاد کند و طعام کم خورد و اکر کودک باشد چشم زخم و زبان بد رسد کہ روی وی زرد شود و تب بکیرد سلیمان فرمود علاج او چہ باشد کفت بند غار اینو بسید با خو نکہ دارد شفا یابد انشاء تم بسم اللہ الرحمن الرحیم قل ادعوا اللہ او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فلہ الاسماء الحسنی بحق اہیا شراہیا ادونی حمار بنا بل شدای حی یا قیوم اللہ لا الہ الا ہو انت الذی لا الہ الا ہو انت الذی قامت السموات والارض الرحمن الرحیم علی العرش استوی یا حنان یا منان یا ذا الجلال والاکرام و این طلسم را بنویسد و بشوید و بخورد و بر اعضا مالد شفا یابد انشاء

۱۱۱ ۲ ۲ ۱۱۱ د ۱۱ ۳ لا ۹ ۱ ۱۴ ۹ ۱ لا لا ۱۱ ۱۱۱۱۱ ۰ لا ۱ ۹ ۱ ہ ۱۱ ۹ ی ح ح ع ع لا ۱ ۶ ۱۱ ہ ۱۱

ہ لا واین طلسم را نوشتہ در زیر دامن دود کنند تا پوست سیر و موی کربہ با اسم جوان بسوزانند شفا یابد انشاء فرعون شداد و نمرود طالع میزان سلیمان فرمود تا دیو طالع میزان را او ردند مانند شتر مرغ بود و ہفت سر داشت و ہر سری زبانی داشت فرمود نام تو چہ و منزل تو در کجاست بنی ادم اچکو نہ اذیت میکنی دیو کفت یا نبی اللہ نام من عدوانست و مقام در خرابہا ست و در کنار ابہا و جویہا و سرداہہا و کندہا باشد ہر کہ بدین طالع ابد نوز شنبہ

عدد ایات

مبارک ایات

الایة الخامسة

وبرافت جز سام سلیمان گفت نشان اف توجه باشد گفت افسگر سر وچشم و
بگیرد وسجده شصت شغت بوی رسانم ومیان کمر و پا ید رد و دم وهم چنین معده
وشکم وناف او را بدرد و ورم وگردن او کج گردد ولرزه بر اندام وی افتد و تشنگی
بروی غلبه کرده دهان وی بخشک شود و مزاج غلیظ باشد و خواب راحت نکند
وگاه خال وید شود واگر کودک باشد او را فرو ودیم در خواب سلیمان فرمود
علاج او چه باشد گفت یا نبی الله این تعویذ را با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم احفظ صاحب الکتاب قل انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم
الا تعلوا علی واتونی مسلمین انا خلقناکم عبثا وانا الینا راجعون طهیوس سبوح
انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین یا الله یا محمد قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا
قرانا عجبا یهدی الی الرشد فامنا به ولن نشرک بربنا احدا وانه تعالی جد ربنا ما اتخذ
صاحبة ولا ولدا وانه کان یقول سفیهنا علی الله شططا وانا ظننا ان لن تقول
الانس والجن علی الله کذبا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم واین دعا را بنویسد
بشوید و بخورد شفا یابد انشاء الله وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
برحمتک یا ارحم الراحمین ونیز این طلسم بنویسد در زیر دامن دود کند شفا
داد لعنت نمرود رود لعنت فرعون عون لعنت **طالع عقرب**
سلیمان فرمود تا دیو طالع عقرب را آوردند مثل مناره سر اسپی
ومناری در دست دارد سلیمان فرمود که ای ملعون نام تو چه و منزل کجا
وبنی آدم را چگونه اذیت میکنی دیو گفت نام من خطروش و منزلم در کنار د

ابجا و جایهای ستوران و هر که بی‌نام خداوند وی تعویذ بجا آید و برافت
جز سام واثر السنگه و برا بگیرم علامت بوانکی پیدا کرده و حرف بد زند و
گلوی وی درد کند و سرش درد کند و چشمش تاریک شود و معده اش سنگین
گردد و بعد از طعام و شراب گلوی وی درد کند و خشک شود و چون شب شود دهانش
او بد باشد و دست و پایش سفید شود و بدنش لاغر و سست گردد و چون
بچها اگر کودک باشد زبان بد رسد مثال چرغ از هوا درایم و پر فرو دهم و تشنه
ان باشد که روی وی زرد شود و شب گریه بسیار کند سلیمان فرمود که
علاج وی چه باشد گفت باید که این تعویذ را با خود دارد شفا یابد انشاء الله بسم الله
الرحمن الرحیم قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا یهدی
الی مقابیر ولن نشرک بربنا احدا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فا
غشیناهم فهم لا یبصرون ونیز این طلسم بنویسد با چند جوز و گلاب و
شیرخشت ومصطکی بشوید و بخورد شفا یابد انشاء الله بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله لا اله الا النافع جل جلاله یا اله المحمود فی کل فعاله بسم الله الشافی
بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم یا محیی یا باقی لا تاخذه سنة
ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض یا رب العالمین واین طلسم را در کاغذ
نوشته در زیر دامن دود کند با پوست سیر و موی گربه و پر سپند شفا یابد
لعنت نمرود رود لعنت فرعون عون لعنت **طالع قوس** سلیمان
فرمود تا دیو طالع قوس را آوردند که چهل ذرع قد داشت و چهار دست بود

بود و بر فیل سوار بود سلیمان فرمود ای ملعون نام تو چیست و منزل تو در کجاست
وغذای تو مرا چگونه ضرر میرسانی دیو گفت یا نبی الله نام من ابخاس است و سرا و مرا جای
در کوهها و در زیر درختان باشد هر که بد بخت طالع ابد بی نام خدا در آنجا ها
در آید و بر آنجا رسانم سلیمان فرمود اثر آفت تو چه باشد گفت که اثر آفت من آنست
که اندامش درد کند و چشم او تاریک شود و گردنش درد کند و گاهی احوالش
خوش و گاهی احوالش بد شود و دل و جگر او را بگیرم چنانچه اثرش پیدا آید
و هر ساعت یک جا او بگیرم که از هیبت من بیدین وی مدد آید فی العود بیقرار
گردد و فریاد بر کشد گاه بهوش آید گاه بیهوش باشد بگیرم که نتواند حرکت نماید
و چشم بد و سبده و شبها تب گیرد اگر معالجه نکند چهل روز تب کند سلیمان فرمود
معالجه او چیست عرض کرد این تعویذ را با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم
إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ
يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ
أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اعیذ صاحب الکتاب
بکلمات الله التامات کلها من غضبه لا میز و شامتة و من شر الشیطان یا الله
یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام
ولیعد عادا ابن دعا را بر زمین بنویسد و بخورد بسم الله الرحمن الرحیم
ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی
العرش یغشی اللیل النهار و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
برحمتک یا ارحم الراحمین واین طلسم را در زیر دامن دود کند و خاکستر او را

جهت حاجات

در سر چهار راه بریزد شفا دهد لعنت نمرود و لعنت فرعون عون لعنت
طالع جدی سلیمان فرمود نادیو طالع جدی را دور کند دیو آمد
بد صورت و بد خلق که بر سر تاج داشت حضرت سلیمان فرمود ای ملعون نام
تو چه و منزل تو در کجاست گفت یا نبی الله نام من ابخائیس و زیر زمین و سر
راهها و زیر درختان و خرابها باشد و هر که آنجا ها بی نام خدا ابد او را افتد
میرسانم و نشان آن شکر استخوانها اثر او بگیرم و گران کنم و هفت اندام وی درد
کند و چون شب شود تب گیرد و شب دو روز آرام نگیرد و گلوی و برا بگیرم که
زرداخسته کنم و در خواب بر او میرسانم و او را بیجانم و رنگ وی زرد گردد
و مثانه او را بگیرم و گردن و شکم درد کند و خواب پریشان ببیند
اگر کودک باشد بصورت میمون یا سگ سیاه خود را بوی نمایم پس هراسید
بترسد بیهوش گردد سلیمان فرمود علاج او چه باشد گفت مشک و عنبر
دود کند و این دعا را با خود دارد شفا یابد انشاء بسم الله الرحمن الرحیم
أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَقُدْرَةِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ بَيْنَ الْأَرْضِ
وَالسَّمَاءِ اعیذ صاحب الکتاب مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ
إِلَّا بِسُلْطَانٍ یا حنان یا منان برحمتک یا ارحم الراحمین واین طلسم را زیر بغل
دفن کند در قبرستان ۱۱۱۱۱ ۹۹۹۲۳۳۲۱۱۱ ۴۴۶۱ شداد داد لعنت
نمرود و لعنت فرعون عون لعنت **طالع دلو** فرمود نادیو دلو را
اورد و تدش سر داشت و بر کرکس سوار بود مانند ... حضرت فرمود

دعای

ایملعون نام نوچه و منزل تو در کجاست بو کفت یا نبی الله نام من پادشاه
بطرس است و پادشاه پریانم هر که میبد عا وقت مغرب در دوز شنبه باد
کنم یا در سر چهار راه در زیر درخت کذر کند ووالفت دستانم واثر او را
من نشنکه تب سرد کند پشت و میان او را بکیرم که درد کند سر و چشم
کوان کردانم کامکاه لرزه در دست اندام او پیدا باید حلقوم و بخشک
شود ناله و فریاد کند و چون برخیزد سرش بچرخد ابدا اکر علاج نکنند
در زحمت افتد باید تصدق دهد زیرا که تصدق بلا را دفع میکند
باید که این دعا را بنویسد با خود دارد تا ایمن کردد بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا الملک الحق المبین لا اله الا الله انتی لا اله العلی العظیم
ما شاء الله کان وما لم یشاء لم یکن قل جاء الحق وزهق الباطل ان
الباطل کان زهوقا اللهم احفظ صاحب هذا الدعاء من المرض بحق محمد
وعلی واین طلسم انوشته در زیر دامن دود کند شداد داد لعنت نمرود
دود لعنت فرعون عون لعنت **طالع حوت** حضرت سلیمان ع
تا دیو طالع حوت را او ردند عرض کرد یا نبی الله صاحب این طالع در
یوم چهار شنبه در طرف مغرب در جای ناساز کار رفته باد بر بدن
خورده که هفت اندام وی درد کند و صفرا غالب شود و حرارت زیاد
چون بخواب رود خوابهای پراکنده ببیند و از خواب میترسد و باید از
دوغ ترش حذر کند فرمود علاج وی چه باشد کفت نیم مثقال نقره
تصدق کند و این دعا را بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انک تعلم سری

وجهری فاقبل معذرتی وتقضی حاجتی ونزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم یا تمخیثا یا موشطیشا
یا غفور یا عالم یا حلیم یا عظیم یا رحیم یا ودود اهیا شراهیا ازوبی
صباوت الرشدی من شر ما یکون باللیل والنهار ورب اغفر وارحم
یا ارحم الراحمین واین دعا را بنویسد با کلاب بشوید و بخورد بسم الله الرحمن الرحیم
یا معشر الجن والانس والشیاطین هه هه هه واین طلسم را نوشته
یا موسیک وکرمه در زیر دامن دود کند مرد داف ل ی س فرعون هامان

تمت کتاب دیو نامه و طالع نامه

نوع دیکر	هذا دعاء	طالع نامه

کتاب طالع نامه بیماران بجهة هر مرضی و ناخوشیها

از رنجها و بلیها و عزان و چشم زخم وغیره که از جانب پریا کفار
انار برسد قاعده چنانست که اول اسم مریض و مادر او را بحساب
در آورند و هفت هفت طرح نمایند اکر یک بماند شب یکشنبه نظر
آورده است و از کشش باشد اکر دو و پنج و شش بماند مسلمانست
اکر هفت ماند از پریا جهود است اکر سه بماند نصرانیست اینطم

در بیان حساب ابجد کبیر است

ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
۱۰۰	۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر
۱۰۰۰	۹۰۰	۸۰۰	۷۰۰	۶۰۰	۵۰۰	۴۰۰	۳۰۰	۲۰۰

از کتاب زبور اسکندری و

پادشاه هند که یکی پری موقر و دیگر پری غوشکست دو دستیچب مغرب میباشد وکشبش در فرص خلبلی باشد و مسلمان در کعبه شریف میباشد پادشاه هیبت فخر زمان در جزیرهٔ هندوستان میباشد وکشبش او در ابروان میباشد اسم پادشاه شهبال است باب

اول در دیدن پریان و منظرها و حرب فهمیدن و رفتن از

هر طرف مقام کردن بجاها و بدان واگاه باش کران پری کرد درود یکشنبه نظر او زرده است ترساست پادشاه ایشان در اسب سرخ نشنید و در جبهاش سرخ باشد و دستیچب مغرب دارند منزل کنند بجای اشجار بزرگ باشد مثل تنورها یا کلخن حمام و ابحر بدانها باشد چونکس را برهنه و بحمام خدمتم باشد بزنند و درد شدید کردانند انکروه پری ترسا باشد نشان مرجو و بیماری و انکر انکس را دراندها و پهلو دارد و سر و استخوانها و ساق و پا و زبان بگیرد و دهان خشکشود و دلش بسوزد و از شکم کبرزند چون شعلها ظاهر کردد باید دانست که زحمت از پری دستند عزیمت پادشاه نوشته بابر نشیم وانکروه دانند ند در عزیمت اندپادشاه بند دازبازوی او عقد نماید

و دست بردار ند کشاده کردد و من بعد بگیرد او نکردد و اذیت نرسانند و عزیمت پادشاهست باب عزیمه پیر کشبش شهبالست اللهم انی اسالک ... پناه بتمهول جاد و جاد و کردوش او علیم بل جهود باسم خاتم سلیمان بن داود یا ملک شالبن شهبال و عزیمه و علاضر فخر زمان هندی کلام شمیح با نجوش و صبا بیج اسرافیل بحق خصلة پنج بحق محمد رسول الله و بحق علی ولی الله اللهم بابرتر بنقش خاتم سلیمان بن داود و بیفیاس سهوی بل حیوست کردوش کردوش دوق دوق یکبنه یاه یاه مثله برش و کاخانه سلیمان بن داود عم بحق خاتم غائب و حاضر و حاجت فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به الی الله تصیر الامور مود و اخم و عزیمه علیکم یا ایتها الارواح امر الجن المعاهد بمیفا علی العزم من العرش و سبعة الکرسی و ابهاالقدوس الخلیل و عقبا الطاعین و سبعة الصوم من قبائل الدعوات الملکوت التی عزیمتم به سلیمان بن داود عم اللهم جنیتم به و اسرعتم البر من کل حدب تنسلون و من کل تسبید لون ندبر بنون البر و انتم البر فابرون افعلوا ما تامرون و ما الطاعته تحشرون و ما بالعهد تحضرون یا سریع استجابتنا اجب دعوة یا ربیع الاجابة مع من حضرک و من حضر فی و من اعوانک و اولادک و بعزة الاوصیا النور و ذی المنشور و بالاسم للمقدس و بالفضیل القدوس و النور قائم و الفتح المتعالی و رب عثمال برزبال و خطبطال سریع عجل عجل عجالج ربین

وَبَیْنَ زَوْجِكَ وَطَهِّرْ فِعْلَكَ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَمِنْ مِثْلِهٖ
شمهزلا و هبا من اسرائیل بحق غائب وحاضر اللهم فقطبطو
مبد هلا بنفش خام سلیمان بن داود ع وزرع ملك وعزیمة کل
نمهول ملك عقد شان عقد بکم وجلسکم بحق سلیمان بن داود
یَا اَیُّهَا الْاَرْوَاحُ الطَّاهِرَةُ دَخَلْتُمْ اِذْ دَخَلُوا فِیْ هٰذِهِ الدَّائِرَةِ عجلوا
عجلوا العجلوا ما فیه الاجابة فمخان شهط بش مهط فرقف وبشلف
منطنوء و یا بحق وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ
وَلَا یَزِیْدُ الظّٰلِمِیْنَ اِلَّا خَسَارًا باب چهارم در بکر بے پریه سشتم
پروزان باید دانست که روز دوشنبه و پنجشنبه و ادینه از
پری مسلمانان و پادشاه ایشان عبد الرحمن ملك است و ایشان بر
دو اسب سفید نشینند و جامه سفید و بر تخت سفید نشینند و
وچون بجای حرب آیند و منزل کنند همه جا خوش و خرم کنند
چون بد بخانه کسی را برهنه ببینند و بی طهارت و بی نام خدا بخسپد
ببینند بزنند و درد مند گردانند چون خلعرا نظر افکنند و خشم
ودل او و الیجزها هولناك نمایند و درد حلق و معده و درد سر
و جگر و زیر ناف و کاه کمر کمر دود ندانها هم آید و همه اعضا او درد
کند و سست شود از سر تا بقدم بند کرده باشند چون ابتلا
ظاهر گردد باید دانست که از پری مسلمانست چون عزیمت عبد الرحمن
پادشاه را نویسید و ابریشم سرخ و سفید از اکره مبند دو د و عزیمت

ببند داز بازوی او عقد نماید عهد کرده با سلیمان علیه السلام عون بن
عمل را بجا آورند من بعد باو زحمت نه رسانند و عزیمة اینست
علیکم یا عبد الرحمن ملك الواحد العابد العاکف البیت المشرف
والمجاور الکعبة والرکن والمقام اه اه دو واذونی احادث هببر یا
هیے حرش و وزوفش فرزوش دخل کان امنا و بحق انا انزلناه و
بحق نزل والقواپل لا ثونی ولا نونبیه قلا فنفدا الحرمة بحرمة ان مع
انفو والذینهم محنونون عزیمة علیکم یا ابا الرحمن یا ابا جمال و یا جام
و یا فاهول یا مسلم بن یزید الصاحب اصلاح السنوم یا میر الجن
و یا مالك صاحب الفلاح المذهب بالله الذی استوی الی السماء وهی
دُخَانٌ مُّبِیْنٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْاَرْضِ ائْتِیَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا قَالَتَا اَتَیْنَا طَائِعِیْنَ
تعلوا الا فاتمونی طائعلوا بحق الله و بحق سلیمان بن داود ع و قرآن
العظیم و بحق آیات والذکر الحکیم و یا رب الذی سجد فریقه من فی
السموات والارض وانه لقسم لو تعلمون عظیم اجیبوا داعی الله و
اسمعوا واطیعوا فانی اعظم علیکم با فلیص قالوا اما احمر نے حا موا وا
شهیلثا سامو وافش اسرحی بسبارحی ولقد علمت الجنة انهم لمحضرون
عجلوا ثم الذی دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی فاوحی الی عبده
ما اوحی فاین کنز وعاندیم وحریم عن الجن والقدیم عن کلام الله و
اسمائه فانی اعظم علیکم بسم الله فقد اذوبه فلیصه مسوبه وقسم علیکم
بسم نعبنا ثلون الا عجلة بالاجابة الساعة اضنا دشان فقضبطو

شطان هطش حاطبوش فاطبوش فطرش جاعنوش شماکطشع
طمشفا طمه شاکفشال طبفشل اواه عجل یا ضطفوش بحق هذا الاعجل عجل
الساعة یا ابا بدالرحمن الملک شمس طش ددحفوش وانطلسم
رام باخود دارد ۷۱۲۸۱۱۱۲۹۶۹۲۱۳۲۲۱۱۱۹۹ باب
ضرب دیگر در بیان زیر بے موق و بچه غوشک ضرر او هر کس را که نظر کند
آورده باشد اینها چون حاضر کرده شد بلباسهای سبز و بر تخت سبز نشسته
بعد است شوخ و بیفرمان باشند و منزل کنند بجائیکه درختان بلند
باشد و جای بلند و هر روز باد سخت و زندان دوز بفوف باشند
چونکس را پا برهنه پای طومار پا بی نام خدا بجمع ببینند بزنند و اورا
دردمند کرده باشند چون خلق را نظر انداز کنند خصوصا کودکان را
حبض خشک شود و مرد مانرا از چشم کبر دو از کوش و چشم و شکم و کتفرا
کبر کند ملک نیم اندام انکس را کر فته شود و بکند سنب و بکیا بلرزه در آید
و دلش بسوزد و درد شکم کبرد چون این علامتها ظاهر گردد باید دانست
که زحمت از بر بے موق و بر بے غوشک رسیده است و چون عزیمت این پادشا
هان بنویسند با بریشم سبز انگره و هر اینه دو در عزیمت بند بو بیمار عقد
نمایند عهد کردند با سلیمان پیغمبر که چون بجا آورده شد بعد کو
ری نکردند و بوی زحمت نه هند بیمار صحت یابد عزیمت اینست
علیکم علی اعوان الشیخ واحضروا منهم واعوانه ستبد ولیهذا الغراد
وفا البتق بحق علیہ عزیمة لا لفوم طها الارض ولا هوا الماء اجبتم علیہ عن

ناحین ولا دبیب نت یا سلیمان وانت یا شالخ وانت یا هاشم وانت
هانف یا عترة صاحب العرب وانت یا غفور صاحب الهوی وانت
یا عبید سلکم صاحب الساکن والغفران السحاب وانتا النجوم الا
ضبن السبعة وانت یا شرجبیل وانت یا افنابل صاحب البحر الاخضر
الماء اجبتم فی خلیکم وقبائلکم عنی برافدا سرع من حرب لو تاج ونفخ النار
ولی معان البرهون وبحق هذه الاسماء من سمعها منکم ولا یجیب
حرمه فنا بنات فبحق الله الملک الذی احد یا جبیل بن بدی سلیمان
بن داود ع سرفیون مش هبوش عجلوا عجلوا وانت یا ایها الارواح
الشیخ من قبل ان فظمن وحرها فند دهان سحا ادرهنا یا فتلعنهم کما
لعنا اصحاب السبت وکان امر الله مفعولا حلشان حلتکم بکیلازن
مبکان هبکان هند وش بند وش کبکورش خصاصر دائم بلا
بعزة الله جرع ابند ون وجح مناش مشهوط وهبط یا سبد و ک
بو غوشک وغوشک رلی ورلی ملکان اواه اهیا شر اهیا ادونی
اصا و مثال شدی لبلوه بوه هوه دوه اهوا اهو الی هوا نغر دشو
بلخ هملوخ جم یثم همغود وش همی اظهار شان اللهم بلا زماز
شاخ برشا همفی نوشایکی خوشاطی نوشا مشطوا طاطا عطوف مسطر
اطر اطیش اهیا شر اهیا ادونی اصاوث غائبا حضرا وحاضرا
بحق الحمد لله رب العالمین

باب چهارم در بے جهود از

کتاب بفوه زیرة بدانکه بری جهود هر کس را نظر انداز دد

در خوابهای کهنه وسوراخهارا پنجه بدبن مانند و پادشاه ایشان از
جملهٔ پادشاهان بزرگتر باشد و هر روز چهارصد هزار پادشاه
باشند چون فرود آیند و بر اسب سیاه نشینند و جامهٔ سیاه پوشند و بر تخت
سیاه نشینند چون کسی را برهنه ببینند و بی طومار و بی نام خدایتعالی
باشد او را بزنند و درد مند گردانند و چون بخلق نظر اندازند
در چشم دل چیزهای هولناک نمایند سوزشها بهم رسانند که اگر باشند و
نکون و پیشت واز تنهٔ سر و اندرون بگیرند و هم اندامهای ایشان در
کند واز خوابی رنجه چون نعلامتها ظاهر گردد باید دانستکه
زحمت از جهود پری رسیده این عزیمه را در روز شنبه باید نوشت
بر ابریشم هفت رنگ با هفتاد گره بندد دوازده بازوی او عقد نمایند
عهد کردند با سلیمان که من بعد بگرد او نکردند و زحمت بوی
ندهند **عزیمت جهود اینست بسم الله الرحمن الرحیم**
الحمد لله رب العالمین خلق السموات والارض وجعل
الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون عزیمه علیکم بالحرمان
ملک باطیان ملک وعلی معاشر الاعوان من جبقون باسم خاتم
سلیمان بن داود وما فیه العظمة الاسم عنه بالاجابة عجلته دخلیم
فی هذه خاتم علی خال فرا کول شر اهم برفیاء بنوس طوش طرفلکا
مر بهال ثالر فا وانزله علی هذه الخاتم بیم الضیب فی کسم الجنة والا
نبیاء الوجا الوجا الرجا الرجا باطیان ملک هبطوا اشبطلا اشبطوا

دفع العسر

بسم الله الرحمن الرحیم

دشمنان

شرجن والنس والنکروبات

بسیار مفید است بادئوف
قرس کفتن بادئوف
را از دل زایل کند واز
سختی امین گردد و هر کس
هر خوف بادئوف
لیسا بگوید باحلیم
باشان نزد ظالم رود بوی
وی ذلیل شود و اسم
در میان خوف

یا هارش طلش طلاش وهوش شهبطاش طوطاش ماطش شطر
هوش خطوطامه مه طومه منظر منطبشه جفور جهورش کفودش
مع لوازم سلطنتک ره وافیت خظرانک واطباعک واشیاعک وبحق
نقش خاتم سلیمان بن داود ع وبحق الجن والشیاطین الوجا الوجا و
العجل العجل تبارک الله یا طیان الملک بحق نقش خاتم سلیمان وما
فیه وعهد وشفاقه الذین وانفکم بر وبحق هذه العزیمة اضمار شان
بحق مجلهیش جمیش نجش کوش کموکش هفش الزوا الزوکیش والزوا
کیثور کال نکال هماش عزیمه علیکم بکواکب السبعة والافلاک والامطار
السحاب المسخر بین السماء والارض والشعاع الشمس ونور القمر
والحفظ والبرق اللهب للسیول والظلمات والنور والحرور وازر الجذد
داق دوازر وازر الکشت وازر الکبراک واصهابهم ابیض واشغر وعمر
وعمر دوی بجاه ابراهیم وهشت ززوش وشمروش وبطوش در
طبوش وزعزعن وهش وفاحشر اخضر وعنک وافعلوا ما شئتم
الوجاء الوجا الوجاء العجل العجل الساعة الساعة اجیبونی واطیعونی
سوکند شان یا ایها الارواح المحبوسة وبحق ددشش وصفی وبحق
النوریة والناریة وبحق النار والنور والظل والحرور وازر بی الکة
وازر الناررک وبحق السماء والارض والشمس والقمر والنجوم
مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین وتبارک
الله احسن الخالقین **واین نکو آنکه از برای هر کس که عزیمت**

دفع

الثالث

دفع

که نویسند هر که
هر روز صبح پیش از زدن
آفتاب باید غار ها هفت
مرتبه بخواند و باد بر اطراف
خود دمد از شر جمیع اعدا
در امان باشد و هر

امر بادشاه نوشته شود و قسم این چها کتاب میباید نوشت و بر سر فه
دارد بسم الله الرحمن الرحیم علیکم عهد الله بعهد و بحق
الکتب المنزل لسان موسی بن عمران فلکفلک یا بعون بعزة الله و بعز
الرحمن و بعزة الرحمن و بعلاء الرحمن و بحق بسون و بحق جبرائیل و
میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و بحق حملة العرش و الروحانیین
و بحق الکروبیین و بحق القانتین برحمتک عهد الله قسم بضر انبیا علیکم
و عهد الله و عهده و میثاقه و بالله و بحق الجبل عیسی و مریم خاج
و صلیب کنش مستطعه لا بعرض بن فلان بن فلان من دنیاک و لا
توامنکم لا تخلف المیعاد و النصرانیه و قبلتک شواظ من نار و نحاس
فلا تنتصران و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم باب دیگر دو
افسون جن یا بوشیم مفقد ذلک بخواند و گره زند تا تمام شود
دا انگر جهود هفت و کنش سرخ نصرانی ابریشم سبز مسلمان و
با سیاهی چون عزیمه بکنو بیز نویسد اگر اجابت نماید چهار عزیمت را تمام
باید نوشتا اجابت میکنند افسون افسنب بسم الله الرحمن الرحیم بسم
در اسمان و بحق زمین آتشی و بادی و خاکی و آبی را بستم رنگ خاک و
باد را و هوا را بستم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله و علیا ولی الله و
بحق صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که اول ایشان آدم و آخر ایشان
محمد رسول الله ص و بحق نقش خاتم سلیمان یا باد یا باسح یا پری از
جن مسلمان هفتاد و دو ملت و سه هزار علت غالب و بدان را

و بدان دار قدح اینکه وه فلان بن فلان رنج مرسانید بادهبوا او
... ان یرسل علیکم شواظ من نار و نحاس فلا تنتصران فبای آلاء
ربکما تکذبان اخرج بدخان مبین الله و بالله علی محمد رسول الله ص
بر بال جبرئیل و قفل داود و مهر سلیمان و نبوت سید آخر الزمان تمام
بلاها و آفت جنیان و پریان را بخر بدین مانند عقد کردم و بند کردم
بکلام الله و اخسئوا الخاسئین انا لا اغلال فی اعناقهم و السلاسل یسحبون
باب دیگر اگر کسی را بسته باشند در روز چهار شنبه نوشته
و هفت پارچه کاغذ روزی یکی در آب اندازد انبت فصد ده
ده و السطکسر لسلا کالنکان فلان بنت فلان باب دیگر مهر کاه
کسی را دیگر اگر بسته باشند این اسم را بر هشت پارچه نانخک
بنویسند آخر ماه روز چهار شنبه البته کشاده گردد انشاء الله بسم الله الرحمن
الرحیم ۷ طس اموس واه للر هب کا لا لا کاف کا عاد
باب دیگر شرح وزن قرآن مجید است اب کشد
اول ابریسن کند و طهارت بگیرد باب دیگر اگر کسی را
بسته باشند و خواهند بگشاید این مهر را دادان اب بجویان در
و بر طاس کند و بر سر هو بزند کشاده گردد انشاء الله یا سطیع النور یا
ملون یا مبتداه یا مولاه یا دیاه هو الحی القیوم یا الله فی سماوات
هیبا العظیم لم السلطان الله لا اله الا هو الرفیع جلاله باب
دیگر اگر کسی را بسته باشند خواهیکه بگشاید آیة الکرسی

وقل یا ایها الکافرون واذا جاء نصر الله وقل هو الله احد وقل
هو الله احد وقل اعوذ برب الناس با مشک وزعفران بنویسد
و باب بشوید واز ان هر دو خورند در حال کشاده گردد و بسیار مجرب
مجربست دیگر ابستن زن یکے مرد نگاه دارد یکے زن بمقاربت کنند
البته ابستن گردد بفرمان حق تعالی اگر خواهد امتحان نماید چهار روز
بر درخت که خشک شود او بزد بفرمان خدا ایتعم سبز گردد علی علی
علی علی علی مر مر مر مر مر مر مر مر مر مر مر الا الا الا رسے رسے رسے رسے
رسے رسے رسے اهیا اهیا اهیا اهیا اهیا شراهیا شراهیا شراهیا شرا
هیا شراهیا بهذا الدعوة من الله القدوس القدوس القدوس
القدوس القدوس القدس مر مر مر مر مر مر مر مر الا الا الا الا الا
الا الا دعا جن پری بسم الله الرحمن الرحیم قل اوحی
الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا یهدی الی
الرشد فامنا به ولن نشرک بربنا احدا یا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون
الا بسلطان اللهم انی اعوذ بک من همزات الشیاطین ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم روایت است که روزے حضرت
سلیمان ع حکیمان جنیان را طلبید سوال کرد چگونه باشد که
مرد جوان باشد و زن جوان ایشان را فرزند نمے باشد یکی از
حکیمان جنیان که فاضلترین تمام جنیان بود برخواست و شرایط

ادب را بجا آورد و گفت زنرا هفت علت است که ابستن نمیشود اول
زنے بود که گوشت زیاد در خزانه دارد دوم زنے بود که آب زرد
در خزانه دارد سوم باد است چهارم زنے بود که او را پریان
جادو کرده باشند پنجم زنے باشد که آب بگوشت آن رسیده
باشد ششم حیض وے زیاد باشد هفتم آنکه از جای بلند افتاده
باشد حضرت سلیمان فرمودند چه علاج دانستن که کدام
علت دارد گفت بامر الله با هر زنیکه مرد مجامعت کند زهار شر درد
کند که باد در خزانه دارد چون مجامعت کند نا منی بجای خود رود سرد
شود چونکه سرد شود از ماست روغن حاصل نشود و آنکه آب سرد
در خزانه دارد منی را سرد هم چنین شیر تازه شود از و هیچ حاصل نشود
آنکه پریان او را جادو کرده باشند چو مرد با او نزدیکی کرده دلش درد
کند و آنکه باد دارد نشست زن درد کند و آنکه آب بگوشت او رسیده
باشد پهلو چپ زن درد کند و آنکه از جای بلند افتاده باشند
کمر زن درد کند حیض وے بسیار باشد تن زن درد کند سلیمان
فرمود که درمان اینها چیست عرض کرد آنکه در خزانه گوشت دارد
زهره کرک زهره خروس و روغن زیتون و پشم شتر چهار روز با خود
دارد بعد از آن غسل کند با مرد صحبت کند ابستن گردد بفرمان حق
تعالی و آنکه آب در خزانه دارد یک دانگ افتیمون زرد و
روغن کرد کان و آب شراب در پشم شتر نهد سه روز با خود

تعویذ

امام ضامن
تعویذ

دفع شر دشمن

کیرد بعد ازان مرد باوے صحبت کند آبستن گردد و انکس که باد دارد ز
هره روباه با روغن بنخود و مشک و زعفران در منّا پشم شتر شسته درد
باخود دارد و بعد ازان مرد باو صحبت کند ابستن گردد و انکه
از جا بلند افتاده باشد شیر خشن بایکدرم مصطگی و پشم
شتر بطریق مذکور رفتار کند و انکه فرزند مرده اورد
زهره گنجشک و زهره مرغ سیاه و روغن بزرک باهم بجود کیرد
و غسل کند مرد باوے صحبت کند البته ابستن گردد و این طلسم را
باخود دارد و دیگر فرزند مرده نیاورد

نوع دیگر انکه درخرامه ۸۴۳۲۷ ... کوشت رسته چون شوهر نزدیک کند هیبش بدرد اید علاجش ان
اسنکه مرده سنک با پشم شتر در وقت حیض باخود کیرد و مرد
باو صحبت کند ابستن گردد انشاء الله

نوع دیگر انکه باد در شت
دارد در رحم او چون شوهر نزدیک کند دهن زن تلخ شود
زهره روباه بازده تخم مرغ بادانه سپند باپشم شتر و شیر بجوشانند
دارد در وقت حیض پاک گردد و باشوهر نزدیک کند ابستن گردد
دیگر انکه زرد اب در رحم دارد چون شوهر نزدیک کند
او بدرد اید علاج انسنکه سپند با دانه با زهره تازه روباه با پشم
باخود کیرد در وقت حیض پاک شود و باشوهر صحبت کند ابستن
گردد انکه زهارش و بازوهایش درد علاج ان روغن جوز ...

باب کندم بجوشانند باپشم شتر شسته باخود کیرد ابستن گردد انشاء الله
و انکس که باوی جادو کرده باشند در وقت صحبت
سر زن بدرد اید او را زهره خروس با روغن بادام حل کند باپشم
شسته و بوقت حیض باخود کیرد با شوهر صحبت کند ابستن گردد انشاء الله
و انکس که حیض او رسته باشند وقت مجامعت پستان زن
زن درد اید باید که زهره روباه و کرک با روغن پاک بهم حل کند با
پشم شتر شسته در وقت حیض باخود کیرد ابستن گردد و باب
دعا برای انکه طفل سقط کند در بازو بادر دل
کیرد بسم الله الرحمن الرحیم خالوس لعس سرابوس او
لوس لوس سرطوس جهول سروس سبنوانی لبان رطا دراوطا
احسنون و الا رحلا با ام ه ... برحمتک یا ارحم الراحمین

در باب از کرفتن جن آسیب فداینکه

هرگاه کسے را از جن آسیب باشد باید دعا برابر روے او بدا
رند مدعیان خود را بروے ننبیند از انکه دعوت کننده
بپرسد که چند کس است خواهد گفت که ملک باد و با سر باز باده
بعد ازان دعا را دعوت کننده از نظر صاحب ازار پنهان نماید از او
بپرسد که انها را مے بینے حالا کجا اند و چون با طراف نظر کنند ...

طرف ببند و در پیش خود طلب نماید تا نزدیک بیایند بعد از آن
دعوت کنند بعد از انها بپرسد که اشقفیر بر شما حصر کرده اسفکه
او را آزار میکند خواهد گفت آدم ما را کشته یا سوزانیده یا آزار
رسانیده پس بیاید دعوت کننده اظهار التماس دعا نماید که جرم
تقصیر او را ببخشید عفو نماید و ببخشید و مبالغه نمایید تا آن
ما را گویند بخشیدیم و بعد از آن انها را بجها کتاب و صد و بیست
چهار هزار پیغمبر قسم دهند که دیگر او را اذیت نکنند تا سه روز
نعره دعا را بر صاحب آزار دهد با این نوع صلح و قسم دهد بعد
همین دعا را بنویسد و با خود دارد صحت یابد بسم الله الرحمن الرحیم
طبوطا الرحمن بطلسوطا الرحیم حسبنا الله و نعم الوکیل و نعم المولی و نعم
النصیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین تملیخا مسکینا مسکینا مرنوش
دبرنوش وسنا ولوش کشطبوش امیر سخرهم إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ
الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ
يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ
بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ نوع دیگر

اگر کسی را جن گرفته و بیهوش کرده است این دعا را

بگوش او بخواند ایمن گردد انتم علی امیر المؤمنین علی
ابن ابی طالب یقول لک مشاشا مخاخا اخرج باذن الله تعالی ومنه

بگوش چپ و بخوانند علی امیر المؤمنین ابن ابیطالب یقول لک مخاخا
مشاشا اخرج باذن الله تعالی دیگر اگر بیهوش باشد این

عزیمت را بخوانند بر آب بگوش بریزد هر گاه باشد بهوش آید

عزیمت یاموشطشا فاذوا وسا الباسا دنبا و بنا سوما برحمتک
یا ارحم الراحمین اگر از پریها بر شخص جن گرفته را این
٢٩٥١٣٧٤
طلسم را بنویسد این احضار را بخواند حاضر شود بدون
نام او ان طلسم ابنیت حرحرحر الخط ع ٣ ٤ یا و سر طلسما ما ما ال اخ
هر گاه جن اطاعت نکند این نام را نوشته بابدانهاز دما فوق ماو
ما فوق لا فوق فا فوق سا فوق خا فوق دیگر این عزیمت را بخوانند
حاضر شوند فوف فوف طلطیش مریش ازلو ابجی طر بش هریش
اخضروا بحق هذا البوح ملک مذهب بحق مهوش هو الله الذی
لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو
الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر
سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له
الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز
الحکیم بجلجس بجلجس بجلجس هلیعا سلیعا افیعا رفیعا الهوط
الهوط بکبکره کنکره بجحروق الوحا الوحا الوحا یا ابا یعقوب

شیم دلیا و بحق هذه الاسماء یا میمون فرخ ان نابینا باکور کردکن درست است بِل لخضوع ین بلک بحج عجم الارعاد یا غالم طیموا یا طبطغرد و لا لاطف ولا یعرفک یا بخ بخ یا هابود یا ازو یا اصاوث یا ال یا ابیل یا شدایے بدفغ الباطل خذ ما الیک یا مبصطرون عزمت علیکم ما ارواح المقدسه الموکلین الروحانیین باسماء الله العظیم ایمن کرد

طریقهٔ دیگر از جهت احضار دیو خانه کہ روشن بینا شده روند

بیاورند طاس سفید پاک کہ بران نقش نکنده باشند و بر آب بجنبر بروی طاس این مربع اندازند مصروع بکوید درمیان طاس آب بر مربع نظر کنند هرگاه جن حاضر شوند التماس کنند کہ دست از وے بدارند اگر راضی شدند فبها ایشان را قسم داده رخصت فرمایند اگر در طاس حاضر نشوند این احضار را بخوانند و هر مرتبه کہ عزیمه میخوانند از مصروع بپرسد کہ حاضر شدند یا نه اگر حاضر شدند بپرسند کہ چند نفرند و هفت مرتبه این عزیمت را جن حاضر نشوند علت نیست و این مکرر بتجربه شده است بخور صندل وکندر و تخم کشنیز بسوزانند و عزیمه اینست بسم الله الرحمن

عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ یَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنْ کُنْتُمْ یهوداً یا بحق تورات مُوسٰی بن عمران وتسع آیات بینات والطور وکتاب مسطور اهیا شراهیا اذونی اصباوث ال شدایے وان کنتم نصاری فبحق الانجیل الاعظم وبحق عیسی بن مریم وان کنتم مجوسیاً فبحق من الله صحف الکریم وبحق ابراهیم وبحق الشمس والقمر والنجوم الماء والنور المنیر والسقف الکبیر و بین النصرانیه وسوم القدر الاقدس والبیت المقدس وان کنتم مسلماً فبحق القرآن العظیم تا فتیله طلسم کہ مصروع نگاه کند اینست

بسم الله الرحمن الرحیم
طبوما الرحمن
طلسوما الرحیم
حسبنا الله ونعم الوکیل
نعم المولیٰ ونعم النصیر
وصلی الله علی محمد وآله

والطیف ۸	طهف ۱۱	حنطا ۱۴	طلیف ۱
سیف ۱۳	تلیف ۲	همغ ۷	لف ۱۲
اسیف ۳	هیف	دهو ۹	دلف
حمف	حمعا ۵	عف ۴	دلف ۱
۷۵۹۲۰	۱۵۴	۱۹۲	۱۳۳

اجمعین بملیخا مشکیبا مثلبنا مرنوش دبرنوش شادنوش طبوکنز وقطمیر حلوس اروس ماروس مطروس ملوتاس جموداه وشاه ودشاه وبنیلیاه جناه سلوس خلوق وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین

بمع ه // ٤٤٤٤٤٤٤ و بمع ص م شمه طلسم در پشته صحیفه ملا

نظر کند ۲ ۳ ۴ ۷ ۲ ۳۰۰۰ ۵۹ ٤ ٤ ۷ ۹ ۹ ۲ ۱ ۱ ۷ // ۱ ۱ ۲ ۳

عقد نامه

عقدت عقدت شد بنا و عقدت بین بد بك وجلبنا فا
حسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون ایضًا
این عقد نامه را بخواند و در پیمان را گره زنند مطیع شوند
عقدتکم عقدا صریحا صحیحا محکما منکشر کنا کنها واوفی بعهد الله
وعهد رسوله وبحق نقش سلیمان بن داود ع العجل العجل العجل بعد
ازان این عبارا بخواند انصرفوه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه یا ایها النمل
ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان وجنوده وهم لا یشعرون
افتح لسانك ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فا
التقی الماء علی امر قد قدر واگر مهره نقش را حجر کنند به
گوید وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم
علی اعقابکم بعد ازان که علاج شد عزیمت چهاکیش را نا

چهار قل بنویسد و بر بازو بندد از دیگران نقل شده که
اگر خواهد دیو از مصروع کند تا جن را بر غند باد رشیشه کند که
مصروع را آزار نکند و از ایشان بر هر خطی در برابر مصروع بر زمین
بکشد طاسی را با آب پر کرده و شیشه را در میان آب گذارد و مصروع
را گوید که در ینك نگاه کند سه مرتبه این دعا را بخواند چنانکه دیو
در شیشه رود و عقد که ذکر شد بخواند و سر شیشه را محکم موم
کند و در جای دفن کند که هرگز نرهد تا رها نکند نیست
بسم الله الرحمن الرحیم اخذتك
وحبستك وربطتك بما ربط سلیمان بن داود ع الجن والشیاطین
بالعذاب والعقول اعزم علیك بحق محمد ص ان لا تبرح من هذا
المقام دوده الا باذنی اعلم ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط
بکل شیء علما واحصی کل شیء عددا ایضا چون جن از تن
مصروع بیرون نرود این را سه مرتبه بخواند بر آب و بر صاحب
علت بپاشد البته جن آتش سوخته شود یوم یحمی علیها فی نار جهنم
فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما کنزتم لانفسکم
فذوقوا ما کنتم تکنزون فلن نزیدکم الا عذابا ایضا این
عزیمت را اگر تا فرا خر کند بخواند از سر قهر عزمت علیکم
شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران چون مصروع بیهوش گردد
این اسما را در پاره کتان نوشته در دماغ مصروع دود کند بهوش

دفع ظالم

ایضاً اگر کسے خبر دار نیست موسے در وسواس لا دهوانی مسلمین

سرداشته باشد انبد واذده اسم را بنویسد و بر کرباس کهنه

بے پیچد وابن در هر دو پرده دود کند بهوش اید انشاء الله تعالی

ا طیبج اطیبج اطیبج اطیبج اطیبج اطیبج اطیبج

اطیبج اطیبج اطیبج

برای سوختن جن این اسم‌ها

برفدك ابت فذ یده بنویسد و بسوزاند تا تمام

ما فوق ثا فوق ما فوق سا فوق لا فوق ف فوق صا فوق

تا فوق در وقت سوزانیدن این عزیمه‌ها بخواند شهتیا هشا عزمت

علیکم باسم من نعلم انك تحرق الابدان ابك للك باذن الله تعالی ایضاً

اگر کسے این طلسم را با سرکه و زعفران بنویسد دردی فارغ

مصروع بچکانند بهوش اید مجرب ست ٣٣۴٧٩٨١٣٢١۴٢٨۴

دعا گرفتن جن و پری بچوب انار یا کل بخواند و بر اندام ١۴٧٩٨

گرفته زند هر چند که اندام او بوده باشد بجز و نزند

علبتو ملبوا انت نعلم ما فی قلوبهم ملبق ایقم بر سر چوب بنویسد

دفع شر دشمن

و چوب انار یا کل بوده باشد بهتر است و بر بدن جن گرفته بزند

که جن سوخته شود و این از مجربات است و ذا النون اذ ذهب مغاضباً

فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک

انی کنت من الظالمین و بعد از آن سوره اذا زلزلت را بنویسد برای

چشم مصروع را بکبرد صد مرتبه بخواند اذهبوا بقمیصی هذا

فالقوه علی وجه ابی یأت بصیرا جنیان زبان مصروع را بگیرند

صد بار بخوانند انطقنا الله الذی انطق کل شیء و هو خلقکم اول

مرة و الیه ترجعون و باید مار بخواند با طراف

انداز دایمینت حسبی الله و کفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله

منتهی از جهت دفع باد بدن سنگ دیو و پری این عزیمه را در میان

فتیله کرده در چراغ بسوزانند و چراغ را بر آن طرف روشن کنند

که سنگ می‌اندازند و در بچراغ نظر بدان طرف باشد

ایضاً				
٣	١١	٨	١	۴
٢	١٣	١	٢	۶
١	۶	٣	۶	٩
٥	١٠	١	٥	۴

ایضاً اگر خواهی حاضر جن بخوانند این عزیمت را حاضر کرده باشند

عزمت علیکم بالذی عزم بها علی بن ابی طالب علی جن وادی البصرة فاجابوا و اطاعوا

لما اجیب واطعت وخرجت عن باشمهورش اجیب با دنهش بجی
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم وانبطلسم دایش از ریب بنوبه
درانش فدان ...

اکر زنان مصروع بسته باشد بشوید بخورد

عزمت علیکم بالواحد الاحد الصمد لما اجللت انطقتک بالله الذی
انطق کل شیء وهو علی کل شیء قدیر اکر خواهد کردیو را پاره کند ابند عادو
بخواند و بمصروع دمد دیو پاره پاره کردد انما جزاء الذین یحار
بون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا
او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی
فی الحیوة الدنیا وفی الاخرة عذاب الیم السارق والسارقة فاقطعوا
ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله والله عزیز حکیم این فامها را جهت

جنیان بنویس تا پری کرفته را رها کند

هر جیمکا سلککفنطوا صا الواحنا مسلمینا انفق کل شیء وهو خلقکم اول
مرة والیه ترجعون اکر خواهی زنان جن کرفته را بکشاید بنویس
بر دهان جن کرفته کنار ماسود نکم ما سبیل الکریم انظر فی علی جمیع الا
عطاء بحق نام خدا بعز وجل بسم الله یا هو یا من هو الا هو ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ... اکر کسیرا
جن بلا کرده باشد بنویسد وبشوید بخورد ...

لا ... دد ... | ... رمایی | ... کبا

یا سیدی ... ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

دفع بلا ال جن بنویسد بشوید بشوید بخورد ... المبتا

شراهیا اذونی اصناوث ایل سل ادابلوهم

لا لا ... ع ع

ع ع ع ... بحق لا اله الا هو ع ۷ ۹ م

ابضا دفع بلا کر جنیان بطلسم

بنویسد بر دردمصروع دود کند بیرون بالمجرب سبنا ینبغ

... الا ... لا ... لا ... الا ... الا ... لا ...

الا ع ع ع الا ... دربند کرده جنیان خوز خاضر

شوند ابند عادا بخوانند و بر مصروع دود کند

أفحسبتم أنما خلقناكم عبثا وأنكم إلينا لا ترجعون حسبکم
یا وما بی بعهد سلیمان بن داود حسبکم یا الادو بیدو
وحسبکم بحق تورات موسی وانجیل عیسی ع وزبور داود ع
وصحف ابراهیم ع وفرقان محمد المصطفی صلعم عقدت البیر

والرجلين والعنوق والمساكين والجوارح كلهم اعوذ بالغفور ا لغفور من الشيطان الغرور وحسبنا كلهم تقشعر البدن وبحق كهيعص وبحق حمعسق وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون اللهم صل على محمد وآل محمد ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم بسم الله الرحمن الرحيم اذا زلزلت الارض زلزالها تا آخر بخواند ايمن گردد انشاء الله تعالی

دعا بجهت کشودن زبان کسانیکه معطل شده باشند

بخواند وسوره حمد ومعوذتین را بخواند وبگوید فتحت اللبنة والرجلين والعنوق والمساكين والجوارح كلهم فسبح انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما وينصرك الله نصرا عزيزا بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله تا آخر

بجهت خاصیت جن یا پری یا آنکه پادشاه بر تو بسته برطاس آب کند وشروع در خواندن کند

باسنے نابنل با محفے کنوارا جکاڑے ولگے نما کیا کالا باکے ادجلہ مالاہے فرلے ارجعنا لاکہے مروامکو جاہے املو انزاہے جنہاہے بخواند عزسلیمان وامر بسم الله الرحمن الرحیم اگر خواهیکه جنیان را

حاضر نمائی هفتم بنبر سوره قل اوحی را بخوان وبعد از آن این عزیمت را بخواند که ذکر شد اگر خواهیکه بلائی که در دو خشکی وبیگی وجوع یا جنون یا سرسام یا طالع یا سوزاک یا مرضی با علامت معلوم کرده دختر نابالغ انگشت بزرک او را با مرکب سیاه چرم کنند وچادر شب در سر او اندازد وبو بخوش در آتش اندازد بسوزد وپاره نبات پیش خود ونقره در طاس بنهد از دو آب پاک بطاس استعمال کنند ودستمال آب ندیده بر روی طاس اندازد وعزائم بخوان حاضر کرده از طفل بپرسند که بیمار چه خواهد شد هر چه انشاء گوید عمل نماید عزائم کبیر اینست بسم الله الرحمن الرحیم او عمرة فی یا بنه لبشر ابشر یا بنه هلکه شما کریا کائید وبنگا وشما افزید کار خدا بنعم صبیا اشنید وحاضر بشوید ومسخر من بشوید واطاعت کنند وفرمان بردار من بشوید بعزة وقدرة وحکم الله وبحق سلیمان وخاتم سلیمان وبحق عظمت سلیمان وحشمت سلیمان ومملکت سلیمان بحق عهد نامه سلیمان بن داود بحق آنانیکه در توریت موسی است بحق آنانیکه در زبور داود است بحق آنانیکه در فرقان محمد صلعم که یکساله راه بیاید وازده ساله راه بیاید واز یانصد ساله راه بیاید واز یکروزه راه بیاید وبگوید که این بنده کنهکار پریشان روزگار چه گناه دارد واز گناه او در گذرید بحق خاتم سلیمان بن داود علیه السلام یا نمنشا یا مطلنا یا ملیحا یا

یا فالق الرقاب والامم بحق یا فاطشا منطوشا وبحق یا مرییر دا
عیبا یونس مشطوشا یا مشطها یا عنوان الجن والانس یا مبمنا
یا مطلعا یا ماسح الله وما یعلم السر والخفیات وما یحمل کل امری
وعلی امسك تغیض الارحام وتزداد کل شیء وعنده بمقدار الکا
جبی سریع اسرع من لمح البرق والخاطف اسرعوا بحق هذه الا
سماء تمار بش سانوش سبطلح تخطوش عبکر وش کنفات اسرعوا
واطیعوا عزمت علیکم بعلم القران بسورة الرحمن یا الغرق وطوفان
بغده والعطش بحکم النفس ابن الکرسی بعلو السماء بتضرع الی
الله بتتابع اللیل والنهار بوح الرسل بلیلة القدر بفرابض الکتاب
بایام الجمعة بکثرة اسمائك بعدد نعمائك بنهر وض الکتاب بمکنون
عیبك بوفا رعهد لک ارکو عزمت علیکم
بجواد الکریم
بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا وأتونی
مسلمین وانه منکم یا مذهب جب واعوانك وانت یا صاحب
الصلوح المذهب لك الجبال بحق هذه الاسماء علیکم
یا عبد الرحمن و یا عبد الرحیم یا معشر الظم ولزم بقلبه و
سورها سعة اعضائها بکل زمان وساعة بکل ارض وبکل
افق واظهر وعلیها عظمت علیکم یا اصحاب السحر والوسواس
واعتصمت بك یا الله وبحق حرمت حضرت الیاس وبحرمة

خصوصاً بجهت محبت جلنغر
قلوب خلایق اگر بخواند بایا
خود دارد در نزد ایشان
عزیز و مکرم باشد و

الیاس وبحرمة حضرت آدم ونوح وبحق اعتصمت بك من شر الجن
والانس والاهرمنی والشیاطین والاجنات من کل افر وبعا هر و
عصمت بك یا الله بحرمة الح وما الح وبحرمة دانیال نور تقوی یا اهیا
شراهیا اصاغوث وبحرمة اعتصمت بك یا الله احفظنی من کل
بلاء وآفة وبحرمة موسی وعیسی وبحرمة ذکریا واسماعیل و
یحیی وبحرمة ادریس وشیث ع وبحرمة محمد ص توکلت علی الحی
الذی لا یموت واعتصمت بك من شر الجن والانس بقرائة التقی
واستجب لدعاء یا غیاث المستغیثین یا من لیس کمثله شیء و
السمیع العلیم حسبنا الله نعم المولی ونعم النصیر وصلی الله
علی محمد واله اجمعین عزمت علیکم یا معشر الجن والانس والابر
والمجوس والمجوسیة والیهود والیهودیة والنصرانی والنصرانیة والمسلم
والمسلمیة عزمت بعزیز الله وسلیمان بن داود ع بسم الله الرحمن
الرحیم یا معشر الجن والانس والشیاطین والطیور والوحوش
وبحق اسماء الله التامات من شر ما خلق او زد علیهم وبحق آدم ابو
البشر وبحق شیث وهابیل وادریس ولوط وابراهیم واسحق و
یعقوب کلا هدینا ونوحا هدینا من قبل ومن ذریته داود
وسلیمان وایوب ویعقوب وموسی وهرون وکذلك نجزی
المحسنین وبحق زکریا ویوسف ویحیی وعیسی وخضر والیاس و
بحق کل من الصالحین ومن عبادة وسبع وذو الکفل وذو القرنین

یا کافی الموسع
عطا یا فضلکم

و طالوت بحق عزرائیل و میکائیل و اسرافیل و جبرائیل و بحق محمد صلعم و علی نوح فی العالمین عزمت علیکم یا معشر الجن والانس فی نوادیه و بحق کشورة وایه و حرف و کلمة فی نوادیه و بحق کل امر هی فی نوادیه احضروا باذن الله تعالی الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ارواح الجن والشیاطین والمؤمنین والکافرین والکبرا والوشا والامرا والسلاطین والاتباع والشیخ والثاقب باذن الله تعالی القدیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

هذا کتاب قرعه بجهة مهمات و مشکلات مردم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین **اما بعد بدانکه** اینقرعه ایستکه ساخته‌اند بجهة مهمات مسلمانان که از خیر و شر آگاه باشند که چگونه بوده اما باید که پاک بوده و چوبی چهار پهلو بتراشد و بر پهلوی اول بنویسد **الف** و بر پهلوی دوم بنویسد **ب** و بر پهلوی سیم بنویسد **ج** و بر پهلوی چهارم بنویسد **د** و بر هر راس دو دفعه بپیچد بیندازد بعد از آن نظر کند که سر دفعه چه حرف آمده است آنرا ضبط کند

دفع سحر

مثلا اسم الف استکه نگاه در سر الف کند که از خیر و شر او بچه معلوم شود ااا انا فتحنا لك فتحا مبینا لیغفر لك الله ما تقدم ابجد او ند فال بدان و آگاه باش که در هر کار خیر و خوبی و دولت و شادی بر تو گشاده بود و هر مرادیکه در دل داری خدا تعالی روزی کند و جمعیت تو زیاده شود و ازد و ستان و فا و سعادت یابی و دشمنان خود را مقهور بینی و از ظالم بسلامت باشی و از نیکان راحت یابی و خبر خوش در اینچند روز بتو میرسد و از جائی شاد مان گردی و از غمها فرج یابی و توکل بر خدا تعالی کن تا کارهای تو راست شد و صد فریبه تا بزودی مرادت حاصل گردد

و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که در این نیت که کرده بمراد برسی و بر دشمنان ظفر یابی در اقبال پیغمبر صبغرها باید که از خود را بجهی نکوئی و در دل خود نگهدار و از بدیها پرهیز کن بپند عاقلان بشنو تا عاقبت بخیر شود و آنچه طلب میکنی بزودی بیابی انشاء الله تعالی **آب** قوله تعالی یبشرهم ربهم برحمة منه ابجد او ند فال بدان و آگاه باش بشارت باد ترا ابند رسنی و صحت و از زن و فرزندان خوشنودی و موافقت پیدا شود و از خرید و فروخت منفعت ببینی و بمراد دل و مقصود برسی اما شخصی مبادا شد که ترا و بنیکی میکند و او با تو نیکی میکند اما غم تو راست و از خود دشمنان مپسو اگر سفر داری برو که ترا امید کسب اگر غایب داری رسید بسلامت

شفای بیمار

بانا باید و ایچه از دست رفته باز بدست اید واگر بیمار دارے
شفا یابد واگر کسے در بند دارد خلاصے یابد وانچه در دل داری
بزودی برسد باید که شکر خدا کنے واز کارها باید با حذر باشی و
بکار خیر مشغول شو تا روز بروز کارت نیکو شود واسایش یابی
دانیال پیغمبر صلعم میفرماید بر دشمنان ظفر یابی واز جائے
که خبر نداری روزی حلال بتو برسد حضرت امام جعفر
صادق عم میفرماید کار خیر از دست تو براید که مشهور گردی
واز رنج ایمن یابی انشاء الله تعم وجزاهم بما صبروا جنة وحریرا الخ
وقد فال بدان واگاه باش از این نیت که کرده باز گرد و کارها نا موافق
شرع باشد مکن واز خصومت دست باز دار و پند عاقلان بشنو
واز شخص سرخ رنگ وکبود چشم خود را نگاه دار تا دروغ نگوید
وشخصی را دلش از رده است باید که خاطر جوئی او کنے هیچ از قبل
رانو نجاتی و بکر دایکار مگر تا رنج تو ضایع نگردد باید که ده روز
صبر کنے تا بمراد برسے و پیوسته باید که بخیرات وطاعات بکوشی که
بلا از تو بگرداند حضرت امام جعفر صادق میفرماید
که سر خود را نگاه دار وبکسے نگوئے که در بلا بیفتی دانیال پیغمبر
میفرماید که از همه کارها باید که جانب خود را نگاه دارے و توکل بر خدا کن
واز کارها بحرام پرهیز کن که ترا نقصان زند واگر یک دینار حرام بدست
ارے ده دینار از مال حلال تو برود ولیکن بعد از ده روز دیگر

کارت بمراد رسد وبمراد دل برسے انشاء الله تعم الک قوله تعم تقبل ولا
تخف من الامنین الخ وقد فال بدان واگاه باش که این نیت که
کرده بجهت درد و تشویش است توانگر میکردے اگر بجهت بنده آزاد
شوی اگر بجهت خانه است بزودی بیایی و هر مقصودیکه در دل
داری بزودی براید وقومی هستند که بزبان ترا دوست و در
دل دشمن اما غم مخور که محتاج تواند واگر عزم سفر داری بروی غنیمت
ورے واگر ایشان بی خواهی کنی مبارکست حضرت امام
جعفر صادق عم میفرماید که دلت را با خدا مشغول

دار کن تا کار تو راست اید انشاء الله تعم

الف قوله تعم قل یا عبادی
الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله الخ وقد فال
بدانکه واگاه باش که فالت نیکو امد باید تا امید نباشے از رحمت
خدا تعم بخواه توکل کن واز کسے یاری مخواه که هیچ کس یار نیست
کنون نیت را صاف کن واعتقاد درست کن تا خدا تعم همه کار
تو راست و درد و بمراد دل برسے انشاء الله تعم و دشمنان تو نابود بود وشفا
بتو روے او دهد کشایش بکارت اید حضرت امام جعفر
صادق میفرماید الخ وقد فال هر امید یکه دارے حاصل
شود وانچه میسر است ایمن باشے دانیال پیغمبر صلعم میفرماید که از همنشین
بد خود را نگاه دار وغیبت مردمان مکن کار خود بکن تا مرادت

صل شود انشاء الله تعالی **اج قوله تعالی فاصبر کما صبر** الخ
فال بدان واگاه باش که نیت که کرده صبر کن شتاب مکن که شتاب
مکن شتاب کردن فعل شیطان است که خدای تعالی صابران را
دوست میدارد و حق تعالی میفرماید اِنَّ اللهَ مَعَ الصَّابِرِینَ و هر کار
که میکنی باز پشیمان میشوی نیست هیچکس را قبول مکن ازاین نیت
و با هیچ افریده جنگ و نزاع مکن و راز خود را در دل نگاه دار
و از شخص بلند بالا و گندم گون که بر روی او نشان نیست با خدا

دانیال پیغمبر میفرماید که خواستهٔ
دیده باید که بکسی ابراز نکنی و در دل نگه داری

داری تا ایمن گردی حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید
که تو میبر از کارها بحرام و بحلال قناعت کن تا از غم ایمن گردی
انشاء **اذا** یا عباد لاخوف علیکم الیوم ولا انتم تحزنون الخ
و قد فال بدان واگاه باش بشارت باد ترا از این نیت که داری
دانیال تو روشن گردد و از تاریکی بیرون آئی و سعادت روی
بر تو نمود و در هر چه دست زنی فایده بینی و از خرید و فروش
راحت بینی و بمقام برسی و لیکن دلت مشغولست و بسبب
مشغولست و رنجوری اگر غایب داری بسلامت بیاید و رنجور
صحت یابد حضرت امام جعفر صادق ع که میفرماید بپیوندد

دل داری بکن که مبارک است و بمقصود برسی انشاء الله تعالی **اب ج قوله**
تعالی فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین الخ
ند فال بدانکه خدای تعالی ترا از غم برهاند و هر مقصود یکه داری
برآورده خواهد شد و شکر خدای تعالی بجا آور و از مردم بد پرهیز
کن و قومی هستند که در برابر تو دوستی کنند و در عقب تو
دشمنی کنند از ایشان خود را نگه دار تا که عاقبت کار تو بخیر
بکند و دشمنان تو مقهور گردد و این نیت که کرده بنیاد
مبارک است باید که جد و جهد نمائی تا حاجت دنیا و آخرت
تو حاصل گردد و باید که هر کار را بجا بنده باشی خواطر جوئی کن

دانیال پیغمبر ص میفرماید که در کار خیر مردانه
و از هیچکس مترس و توکل بر خدا

کن تا نور امیر شود و آنچه طلب کنی بیابی و بمراد دل برسی انشاء الله تعالی
اج ب قوله تعالی ذو قوا فتنتکم هذا الذی کنتم به تستعجلون
الخ او قد فال بدان واگاه باش از این نیت که کرده باز گرد و تو
این اندیشه کن و صبر پیش گیر که پیغمبر ع فرمود که من صبر ظفر هر که
صبر کرد بکام دل رسید و هر که تعجیل کرد در بلا افتاد در نیتها
خود را از قبل و قال نگاه دار و از هم نشین بد خود را نگاه دار و هر
رضا بخدا ده او باشد در کوشش کن و از دروغ و بهتان بر حذر باش

کہ قومی هستند کہ میخواهند زبان بد بتو رسانند و بجهت
بدے تو میکوشند دانیال پیغمبر میفرماید کہ دوازده
روز صبر کن تا کارت نیکو گردد و صد فریده تا بلا از تو دور
گردد حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید کہ بر خدا
شکر کن از بدے و سختی و دروغی بمراد دل برسی انشاء اللہ اب د
قولہ تعالی سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ابجد او ند
فال بدان و آگاه باش بشارت باد ترا کہ در سعادت بتو روی
داد و از بزرگان تو منفعت و راحت ببینی و از دوستان وفا ببینی
و اگر عزم سفر داری برو مبارک است و اگر از جهت پیوند است مکن کہ
مبارک نیست خدا ترا از آن پیوند فرزند خواهد داد کہ قدمش مبارک

دانیال پیغمبر میفرماید کہ کار خود را
بدست خود بیاد مده هیچ زنهار کہ در کار خود
کاهلی مکن کہ آنچہ مراد تست خدا تعالی حاصل گرداند حضرت امام
جعفر صادق ع میفرماید کہ حرام نسازد و از حرام پرهیز کن تا
عاقبت کارت بخیر گردد و بمراد دل برسی انشاء اللہ ا د ب
قولہ تعالی وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ابجد او ند فال بدان و آگاه باش
کہ فالت بغایت پسندیده است سرانجام کارت چنان باشد
کہ دلت خواهد و از بیع و شراکت فایده بدست تو آید و از غم

خلاص گردی و ترا حلال موافق حقتعالی روز بکند روز
بروز ماه بماه کارت نیکو گردد و از غیب فتوح بتو رسد و خوش
از یکانه بشناسی کہ نزد هیچ افریده بجنت نداری و با هر کہ نیکی کردی
عوض بدی دیدی اما غم مخور کہ نتوانند ضرری بتو رسانند د ا

دانیال پیغمبر میفرماید کہ عزم سفر داری برو
کہ میگوید اگر غایب داری بسلامت بتو برسد و هر بد بکہ
در طالع تو بود گذشت و در سعادت حقتعالی بر روی تو گشود
بمراد دل برسی انشاء اللہ ا ب ج د قولہ تعالی اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا
ابجد او ند بدان و آگاه باش کہ تاریکی از طالعت بدر رفت و
روشنی پدید آمد کہ خواطرت خوش داری و هر حاجتی کہ داری
از دنیویہ و اخرویہ میسر گردد و همہ بتو رسیده است فتها و
الامیر شد و مفاتیح بدست تو آمد خصمی در پی تست کہ میخواهد
در حق تو مکر کند اما غم مخور کہ نتوانند ضرری بتو رسانند و از
بزرگان منفعت ببینی و هر چیز از دست تو رفتہ باز آید انشاء اللہ تعالی

دانیال پیغمبر میفرماید اگر کار را خواهی
کہ بهتر بکنی دو دل مباش کہ آنچہ در دلت میخواهد بیابی
و عاقبت کارت بخیر باشد و بمراد دل برسی انشاء اللہ قولہ تعالی وَلِيُّ

صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَیْرٌ لِلصّابِرِین   ابجد او ند فال بدان و آگاه باش
که فالت نیکو آمده از این نیت که کرده باز گرد و پند عاقلان را
بشنو و در کار خود مردانه باش فاما روزی چند صبر کن تا کارت
نیکو گردد و از همه بد بپرهیز کن و با مردم مدعی صحبت مکن و
خود را نگاه دار و راز دل خود را با همه کس مگو دانیال پیغمبر

میفرماید که از خود با خبر باش و از همنشین بد خود را

نگاه دار که شخصی هست که نان و نمک تو را میخورد و دعوی
دوستی میکند اما دشمن است و لیکن ضرری بتو نتوانند رسانید
و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که حسد فر
ید تا بلا از تو دور گردد و در نماز کاهلی مکن تا کار بسته ات گشاده
گردد و مرادت حاصل گردد انشاء الله تعالی **اب ت** قوله تعالی و ینصرک
الله نصراً عزیزاً ابجد او ند فال بدان و آگاه باش بادا تو را بشا
رت که در این نیت بسیار راحت ببینی و بجمله مرادها برسی انشاء الله
و خدا تعالی تو را از غمها نجات داد و بر دشمن ظفر یابی و فال و نعمت
بسیار یابی و اما کسی هست که با تو غم بسیار دارد غم مخور که از او شاد
گردی و مرادت حاصل گردد انشاء الله **دانیال پیغمبر ع می**
فرماید که مراد بکر در دل داری میسر گردد و حضرت
امام جعفر صادق ع میفرماید که بنماز و طاعت مشغول شو و کاهلی

مکن تا کارت نیکو گردد و بمراد دل برسی انشاء الله **اج ج** قوله
تعالی یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبنا ابجد او ند فال بدان و آگاه باش که
چیزی حلال بتو خواهد رسید و روزی تمام در کار پدید آید اما
کسی از تو رنجیده باشد باید که دلش را بدست آوری تا کارت نیکو
گردد و از غایب فتوحی خواهد رسید و از تنگ دستی خلاصی یابی
و تو را هستند که تو را نمیتوانند دید و بطریق دوستی دشمنی
میکنند و لیکن حق تعالی شر او را از تو باز دارد **و دانیال پیغمبر ع**
میفرماید که در این اندیشه که کرده مردانه باش و بر خدا
توکل کن و آنچه که مطلب یابی و حضرت امام جعفر صادق میفرماید
البته مراد تو حاصل گردد انشاء الله تعالی **ا د د** قوله تعالی یوم یرون ما یو
عدون ابجد او ند فال بدان و آگاه باش که فالت نیکو آمده
اگر راحت خود مطلبی از این نیت باز گرد و از این کار با حذر باش
که اگر این کار کنی پشیمان گردی و از هیچ کس طالع نداری با هر که
نیکی کنی در عوض بدی بینی و در کارها صبر نداری و شتاب
میکنی از آن جهة کارت بر نمی آید شخصی هست که تو را دشمنی میکند از
مکر او ایمن مباش و زنی کوتاه بالا و سفید اندام ترک اندک بد میکند
از او ایمن مباش مبادا که تو را در فتنه اندازد و دانیال پیغمبر میفرماید
که چند گاه صبر کن تو خود فایده ها ببینی از غرض [illegible] مشغول
باید که کار این کار رها نکردی و حضرت امام جعفر صادق ع

می فرماید که عزم سفر داری مرو تا یازده روز دیگر صبر کن
که سفر بد در رود و از غمها ایمن گردی ان‌شاء الله تعالی ق ب ب
قوله تعالی لهم ما یشاؤن فیها و لدینا مزید ابجد او فند فال
بدان و آگاه باش بشارت باد ترا که از بلا نه بشر کرده خبر خرم
بتو خواهد رسید و طالع از نحوست بد راید و روی در
در جمعیت نهاد باید کرد در هر وقت شکر بجا آوری تا کار
گردد و از خرید و فروخت خیر و منفعت بینی اگر دلت در بند
محبوس است تو موافق باشد و مرادت حاصل گردد و دا
بنال پیغمبر علیه السلام میفرماید اگر این نیت را بجهت کرده

نیکو نیست و اگر انبازی میکنی مبارک

بکن مبارک است و اگر با کسی دعوی داری مکن که شکست
و خاصی یابی توکل حاصل گردد و حضرت امام جعفر صادق
میفرماید که روشنی در طالع تو پدید آید هیچ اندوه بخاطر
نکذرانی و از غم ایمن گردی ب ب ف قوله تعالی انه من سلیمان
و انه بسم الله الرحمن الرحیم ابجد او ند فال بدان و آگاه باش بشارت
باد ترا که نفس تو در صحت است و خواهر حالت در حرکت است و
فکر دیگر در دل داری ایمن گردد و از بزرگان راحت یابی و الخیر که مراد
تو باشد میسر گردد و جمله غمها نیست میشود و بشادی گردد و سر انجام

کار تو بخیر گردد را بنال پیغمبر علیه السلام میفرماید در این نیت کرده روزی
حلال بتو رسد و از چهار پایان دلت شاد گردد اگر داری مفرق
اگر نداری بخیر که طالع تو نیست و از جانب غایب چیزی بتو رسد
که از آن خبر شاد گردی و کارهای دنیوی و اخروی بر چنانکه در دل
دل تو میخواهد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که در
هیچ چیز خاطر خود را مشوش مدار و توکل بر خدا کن تا مرادت
حاصل گردد ب ب ج قوله تعالی انما الخمر و المیسر و الانصاب
و الازلام رجس من عمل الشیطان ابجد او فند فال بدان و آگاه باش
از این نیت که کرده اندیشه باز کن که خیر نیست و ترک این بهتر است که
اگر این کار کنی عاقبت پشیمان گردی و پشیمانی سود ندارد و حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که

تو بر کن از کار بد و از حرام بحلال قناعت تا کارت نیکو گردد ان‌شاء
و بمراد دل برسی ان‌شاء و امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید ابجد وند
فال از این نیت که کرده دست باز دار و بنماز مشغول باش تا
بلا از تو دور گردد و راز خود را بکسی مگوی و صبر کن تا بمراد دل
برسی ان‌شاء الله تعالی ب ب ی قوله تعالی الحمد لله الذی اذهب عنا
الحزن ابجد او ند فال بدان و آگاه باش بشارت باد ترا که فال
بغایت نیکو آمد و شکر کن خدا را که از غمها رهایی یابی و مراد برآید

سعادت از برای تو و عاقبت کارت بخیر باشد و در کارها
چندانکه میکوشی نیکی خواهی یافت اما مردم با تو حیله میکنند
غم مخور که بر تو ظفر نیابند **دانیال پیغمبر ع** میفرماید که با
شخصی سوگند خواهد بود دوران دو دل مباش و توکل بر خدا
کن تا کارت نیکو گردد و **حضرت امام جعفر صادق ع**
میفرماید که از خود را یکی مکوی و در نماز کاهلی مکن تا به
مراد دل برسی انشاء الله تعالی **ب ا ب** قوله تعالی نَصْرٌ مِنَ اللهِ وَ فَتْحٌ قَرِیبٌ
الخداوند فال بشارت باد ترا که شد رستی و شادکامی میسر
گردید و شکر خدا که در سعادت بروی تو گشاده گردید و
از بیمار بصحت یابی و از جوانان بهره مند گردی و دا

نیال پیغمبر ع میفرماید که قوت عظیم

در کار تو پیدا شد و سعادت یار تو شد عاقبت کارت به
خیر گردد و بمراد دل برسی انشاء الله تعالی **ب ا د** قوله تعالی وَ جَزَاهُمْ
بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِیرًا الخداوند فال بدان و آگاه باش که فال تو
نیکو نیست و از این نیت که کرده باز گرد و از این اندیشه کن که
اگر این کار کنی پشیمان گردی و بر تو غم خواهد بارید و درد غم
و اندوه گرفتار خواهی شد زنهار بگرد این کار مگرد اما از
شخصی سیاه رو و دراز بالا با حذر باش دانیال پیغمبر ع میفرماید

بخوانند النصر من الله سعد اکبر
از برای فتح ملک
سعد اکبر
از برای دفع دشمن
و قبول اسلاطین
سعد و دو
از برای اقبال

ای صاحب طالع از هیچ آفریده کار بخت ندارد با هر که نیکوئی
کنی او با تو دشمنی کند امام جعفر صادق ع میفرماید که حاجت
دوستان کارت خوب نیست با بد صبر کنی تا طالع سعید تو
شود انشاء الله تعالی **ب ا ه** قوله تعالی وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
الخداوند فال بدانکه نیکوئی یابی و بمراد دل برسی انشاء الله که اقبال
دولت روی بتو نمود و از جانب بزرگان و اهل قلم فایده بسیار
ببینی و از کار خود بهره مند گردی و از دوستان وفا شادکامی
بینی **و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که**
در این نیت که کرده مردانه باش تا کارت نیکو گردد و اگر
بنا بعمارت داری بکن که بمراد دل برسی انشاء الله تعالی **ب ا ج**
قوله تعالی وَ اُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِینَ غَیْرَ بَعِیدٍ الخداوند فال
بدان و آگاه باش که خدا در روزی بروی تو گشاده کرده
و ترا از خویشان تو چیزی روزی گردد و خویشتن را باید
تواضع کنی تا کارت بالا گیرد و سرکشی و خودنمائی را ترک کن

دانیال ع میفرماید که این نیت که

کرده خوب نیست و از این کار بر خوردار نیابی و در این چند روز
چیزی خبر بتو رسد غم مخور که این کار که طلب میکنی حاصل نمیشود
گر دلخواه تو باشد امام جعفر صادق ع میفرماید که اگر عزم

ده بار بخوانند
از برای انتقال
البته دشمن
از برای دفع
و عداوت میان
از برای عقیم
سعد و هفتم

داری بروکه نیکست واز برای خیری دل مشغول داری باید که فارغ
شوی وهیچ اندیشه نکنی که کار تو چنانشود که مراد دل تو خواهد
ب د د قوله تع حتی فرحوا بما توعدون الجد او ند فال
بدان واگاه باش که این نیت تو که ره دوست ودشمن بسیار داری
وطالع تو چنانست که اگر عسل بدهان ایشان ریزی تلخ میکردد
واو تورا بفتنه اندازد وتورا از ایشان روزی نیست اگر کسی
نصیحت کند باید که قبول نمائی **دانیال پیغمبر ع میفرماید**
که بگو دانیکار مکرر از دشمنان پرهیز کن تا زحمتی بتو نرسد وشخصی
تورا چنان تورا فریب دهد که ابلیس لعین ادم ع را داد واز بهشت
بدر کرد زینهار که قول او را عمل نکنی وزیان میکنی وحضرت امام
جعفر صادق ع میفرماید که چند روز صبر کن و بگو دانیکار
مکرر تا کارت ضایع نکردد ومراد دل برسی انشا **ب ج ج د**
قوله تع فان ذلک فی الجنة الجد او ند فال بدان واگاه باش که وعده
خلاف نکنی اگر کسی را وعده کرده باشی بجا بیاور واگر بکسی وعده کرده
باشی دران دو دل مباش توکل بر خدا کن ویکدل باش اینچه طلب
میکنی میابی ودانیال ع میفرماید که در راحت رسانیدن مردم
تقصیر مکن که بسبب ان بسیار زحمات تو بکذرد **حضرت امام**
جعفر صادق ع میفرماید که از این اندیشه مترس ودل فارغ
دار که سعادت بتو رو اورد زینهار که بسخن مردم فریب مخور ودر

نماز و عبادت کاهلی مکن تا بمراد دل برسی انشا **ب د ب** قوله
تع یبشرهم ربهم الجد او ند فال بدان واگاه باش بشارت باد
تورا از غمها برهانید ی وچیزی از دست تو رفته باز خواهی یافت
وبسیار کس از تو راحت ببینند وتورا از هیچ کس طالع نباشد

دانیال پیغمبر ع میفرماید که چند روز صبر کن تا کار بسته تو کشاده کردد

خوشدار مترس که کارت بالا کبر دارم ومراد دل برسی انشا تع
ب ج د قوله تع واخری تحبونها الجد او ند فال بشارت
باد تورا که در این روز خرم شوی و رزق و روزی بتو رسید
وبر دشمن ظفر یابی که کارها مشکل بتو اسان کردد ودانیال پیغمبر ع
میفرماید که عاقبت کار تو چنان کردد که دل تو میخواهد انشا حاجت
در دل داری بزودی برآید واز بزرگان راحت بتو رسد حضرت

امام جعفر صادق ع میفرماید که عاقبت کار نیکو باشد ودولت وسعادت

روی بتو اورد باید که دل را شاد داری وخوشدل باش و
اندیشه مکن وکار تو نیکو کردد وطالع تو سعد است و فرزند
بسیار در طالع داری همه بدولت حضرت محمد مصطفی است

ب ج قوله تعالی مثلهم کمثل الذی استوقد نارا الخ خداوند فال
بدان وآگاه باش که این نیت که کرده نور اندیشش مبدل شد و تورا
سر گردان میکند این اندیشه را از دل بدر کن وانچه مطلبی از دنیا
واگذار که مردم بسیار بد تو میخواهند و از ایشان بسیار دلتنگی
و تو نیز خاموش باش که ایشان با تو مکر کنند و تو خود را نگاه دار تا
بدی همه ایشان باز گردد و کار تو نیکو شود و دانیال

پیغمبر ص میفرماید که اگر غایب
بسلامت باز آید و مراد دل بر آید ان شاء الله و حضرت
زینهار در طاعت و عبادت کاهلی مکن که حق تعالی ناصر و حافظ
تست و مراد دل حاصل گردد ان شاء الله ب ج د قوله تعالی و بشر المؤ
منین الخ خداوند فال بدان وآگاه باش بشارت باد ترا که همه
کارها بعد از این راست و در خیر بروی تو گشاده گردد ان شاء الله
که این نیت با خدا راست باید و در نماز کاهلی مکن تا شر حسود
از تو دور گردد دانیال پیغمبر ص میفرماید که این قرعه
[illegible]
ذلیل میکند که دشمن میخواهد کار تو تبه گردد اما غم مخور که
تو بر ایشان ظفر یابی و ایشان ذلیل و خوار تو گردد حضرت

امام جعفر صادق ع میفرماید که کار خود با کسی مگو تا کار تو
نیکو گردد ان شاء الله تعالی ب ب ج ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا
الخ خداوند فال بدان وآگاه باش بشارت باد ترا که دولت و
سعادت روی بتو آورد منزلی که از آنجا خبر خوش بشنوی که از آن
از آن شاد گردی و دانیال پیغمبر ص میفرماید که
اگر با کسی دوستی خواهی کرد بکن که بسیار خوبست و توکل بر خدا
کن تا مراد دل بر آید ان شاء الله و حضرت امام جعفر صادق
میفرماید اگر کسی تورا نصیحت کند بشنو تا زیانی نرسد و امسال
از همه سالها بهتر خواهد بود خدا را شکر کن که راحت بتو رسد و کار
تو نیکو گردد ان شاء الله تعالی ج ج ج ففتحنا ابواب السماء بماء
منهمر الخ خداوند فال بدان وآگاه باش که حق تعالی نعمت بتو داده
و مراد دل برسی و کار تو نیکو گردد و دانیال ع میفرماید که
دشمن تو مقهور گردد و حضرت امام جعفر صادق ع
میفرماید که اگر حاجت بکسی داری روا گردد و مراد دل بر آید ان شاء الله
ج ج ا ه قوله تعالی هو الذی انزل من السماء ماء الخ خداوند
فال بدان وآگاه باش که انچه مطلبی بیابی و عاقبت کار تو بالا گیرد
و در دل هرچه که داری تورا میسر گردد غم مخور و بمراد بگیرد
داری برسی خدا را شکر کنی و روزی تو زیاده گردد قدم
مولود بر تو مبارک است امام جعفر صادق میفرماید که

ج ج ب بابد سخن همه کس را بشنوی تا بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی قوله تعالی ابجداوند فال بدان و آگاه باش که خدا تعالی ترا از دشمن ظفر دهد و چیزیکه از دست تو رفته باز آید دانیال پیغمبر فرماید که کسی ترا طعنه زند دل را خوش دار و هیچ غم مخور دیگر هیچ بدی با تو نتوانند کرد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که رو بخدا کن که کار بسته تو گشاده گردد و بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی

ج ج د قوله تعالی سبحان ربک رب العزة عما یصفون الآیة خداوند فال بدان و آگاه باش که ابر دنیا در رزق و روزی بر تو گشاده گردد و از جائیکه امید نداری چیزی بتو رسد دانیال پیغمبر میفرماید که طالع تو روشن و بسعادت دارد و بمراد دل برسی و این نیت که کردهٔ بصلاح باز آید و در رنج بدرو فرحت منفعت بینی و حضرت امام جعفر صادق که کار تو

نیکو گردد و بر دشمنان ظفر یابی و باید که در همه

کارها خدا را شکر کنی تا نعمت ترا زیاده گرداند و این نیت که کردی بمراد دل خواهی رسید ان شاء الله تعالی

ج د ا قوله تعالی اعلموا ان الله یعلم ما فی انفسکم و ابجداوند فال بدان و آگاه باش که ترا دشمن بسیار است و خواهند بر تو مکر کنند و زبان اندازند خدا ترا از شر ایشان ایمن و خلاص یابی باید که دشمن خود را بشناسی و از ایشان در حذر باشی

دانیال پیغمبر فرماید که از جهة چیزی دل تو مشغول است از آن تشویش داری و نمیدانی که اگر چه میکنی سر خود را بکسی مگو دل خوش دار و چند روزی صبر کن تا کار تو نیکو گردد ان شاء الله

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که طالع از نحوست بیرون آمد و دری از سعادت بر تو گشاده گردد ان شاء الله تعالی

ج ب ب قوله تعالی فلما ذهب عن ابراهیم الروع وجاءته البشری یجادلنا ابجداوند فال بدان و آگاه باش بشارت باد ترا که دل تو ایمن گردد و برکت یابی و از غم و اندوه بیرون آیی دانیال پیغمبر فرماید که اندیشه در دل داری و معلوم است که غایب چون خواهد بود بشارت باد ترا که غایب کار تو بخیر است و بمراد دل برسی و در دل خلق شیرین شوی و در پیش بزرگان حرمت یابی و از ایشان بتو راحت رسد امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که در حوالی تو کسی است که غیبت تو میکند تو کوشش مکن و بکار خود باش تا کار تو نیکو گردد ان شاء الله

د خ ج قوله تعالی الیوم اکملت لکم دینکم ابجداوند فال بدان و آگاه باش که حق تعالی نعمت و شوکت ترا زیاده نمود و در سعادت بر روی تو گشاده گردید و دانیال ع

میبفر ماید کہ کامرانی بتو روی آورد و چند روزی باید کہ
صبر کنی تا کارت نیکو گردد و بمراد دل برسی انشاء اللہ و داند بشر
زبانی مبکنی توکل بر خدا کن کہ کار دشوار بتو آسان گردد امام جعفر
صادق ع میفرماید کہ اگر کسی از تو غایب شدہ است با چیزی گم
کردہ باز بیابی باید کہ صبر کنی تا بمراد دل برسی ا د قولہ

لیبین لکم ویھدیکم سنن الذین من قبلکم

الحمد و ند فال بدان و آگاہ باش کہ بمراد دل برسی و کار خیر
بروی تو کشادہ گردد اما باید کہ چند روز صبر کنی از اینکار خو
بداری دانبال ع میفرماید کہ از دشمن حذر کن کہ دشمن در میان
خانہ نشست و میخواہد کہ ترا بر طرف کند و سر گردان سازد باید
کہ خود را از وی نگاہ داری و توکل بر خدا کن تا بمراد دل برسی انشاء اللہ
ج د قولہ تعالی یقبل منہا شفاعۃ ولا یؤخذ منہا عدل
ولا ہم ینصرون الحمد و ند فال بدان و آگاہ باش کہ ترا چیزی
مبہم کہ خصومت میکنی و فتنہ می انگیزی زنہار گوش بحرف
فتنہ و شر مکن و با کسی گفتگو مکنی تا رنج بتو نرسد دانیال ع

میفرماید کہ توکل بر خدا کنی

و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید کہ در طاعت جہد کن تا

تا خدایتعالی دولت و سعادت بتو ارزانی دارد در پی شکر نعمت
باش و در اینچند روز از جانب یار از غایبی خبر خوش بتو رسد
کہ از آنخبر خوشحال گردی و در پیش بزرگان عزیز شوی و بمراد
دل برسی انشاء اللہ د ا ج قولہ تعالی و لا تمدن عینیک الی

خداوند فال بدان

و آگاہ باش کہ این نیت کہ کردہ رنج کراہت رسد و کروہی بر
تو حسد برند و شب و روز در پی آن تواند تو از ایشان خبر
نداری باید کہ غافل نباشی دانیال ع میفرماید در صدقہ دادن
و نماز گذاردن کاہلی مکن تا کارت نیکو گردد و حضرت امام

جعفر صادق ع میفرماید کہ

توکل بر خدا کن و دوست و دشمن را بشناس اما کار تو بموجب
دلخواہ تو شود انشاء اللہ تعالی ج د ی قولہ تعالی سبحانہ انما یکون کن
الحمد و ند فال بدان و آگاہ این اندیشہ در دل داری خوب نیست
و باید از این اندیشہ دور باشی و بگرد اینکار مگرد تا سلامت باشی
و اگر نشنوی زیان بتو رسد دانیال ع میفرماید کہ کسی در کار تو طعن
میزند و او را از خود دور کن و نصیحت قبول کن و اگر بروی او دشمنی
ظفر یابی و مراد باز یابی و حضرت امام جعفر صادق میفرماید

کہ راز خود را بکسے نگوے و در ہمہ حال توکل با خدا کن تا بمراد
دل برسی انشاء اللہ ج ا ب قولہ تعالیٰ تستغفر لہم او لا تستغفر لہم
ابجد اوند فال بدان و آگاہ باش کہ این نیت کہ کردہ مگو کہ اگر
کنے پشیمان میشوی و ترا در اینکار خیر نیست دانیال عم
پیغمبر فرماید کہ اگر دوستے کہ بے آخر دشمن تو شوند با تو راست
نگویند ہمان بہتر کہ از این نیت باز کردے و حضرت امام جعفر
صادق عم میفرماید کہ در ہمہ عمر از خدا بترس تا کارت نکو
گردد انشاء اللہ تعالیٰ ج ا ب ابجد اوند فال بدان و آگاہ
باش نا امید مباش کہ فضل خدا تعالیٰ بسیار است و از اینجہت
کار دل خود را مشغول مبدار بے و اندیشہ میکنے کہ باین چون
باشد باید کہ راز خود را بکسے نگوئی و چند روز صبر کنے تا کار
اسان گردد و دانیال پیغمبر عم میفرماید کہ از
براے زبانے اندیشہ میکنے توکل بر خدا کن تا کارت نیکو گردد انشاء
و حضرت امام جعفر صادق میفرماید کہ اگر غائب دارے یا چیزے
گم کردہ باز یابی و خورسند گردے باید کہ چند روزے صبر
کنے تا بمراد دل برسے ج ب د قولہ تعالیٰ ففتحنا ابواب السماء
بماءٍ منہمر ابجد اوند فال بدان و آگاہ باش کہ خدا تعالیٰ

تو را اگر اینہا و شادیہا روزی کردہ و در نعمت بر روی تو کشادہ
شود و خدا را شکر کن دانیال پیغمبر عم میفرماید کہ این نیت
کہ کردۂ بغایت خوب است و کار امسال تو نیکو تر از ہمہ سالہا
و دولت رو بتو آوردہ و حضرت امام جعفر صادق میفرماید
کہ این نیت کہ کردۂ نیک است و از جائے خبر خوش بتو رسد و کار
ہاے دو جہانے تو ساختہ شود انشاء اللہ تعالیٰ ج د ب قولہ
ان اللہ مع الذین اتقوا والذین ہم محسنون ابجد اوند فال
بدان و آگاہ باش کہ گروہی از مردمان بر تو حسد میبرند و مکر
و حیلہ مینمایند و با تو دشمنے میکنند اندیشہ مکن کہ خدا تعالیٰ
شر ایشان را از تو بگرداند و ترا نصرت دہد و بمراد دل برسی انشاء
و دانیال عم میفرماید کہ کار تو نیکو گردد و دولت بتو رو دہد
و شادی و خرمی بتو میرسد و کار تو بالا گیرد و رزق و
روزے بتو فراخ گردد ہر کار کہ کنے نیکو گردد و حضرت امام

جعفر صادق میفرماید کہ

تو با ہر کہ نیکے کنے او با تو بدی بکند و از او ہیچ مضرت بتو رسد
و اگر ترا نصیحت کنند و تو قبول نکنے باز پشیمانے و ہر کار کہ میکنے
بد بحال تو شود و کارت نیکو گردد و خدا را شکر کن کہ کار
ساختہ شود انشاء اللہ ج ج ا قولہ تعالیٰ فاصبر کما صبر اولوا

العزم من الرسل الخ دار ند فال بدان واکاه باش که این اندیشه
که کرده صبر کن تا در همه کارها فرج یابی و در هر کار که هست
صبر باید کرد چنانکه ایوب ع از ان محنت صبر کرد تا خدا تعالی او را
از بلا نجات داد دانیال ع میفرماید که کار تو پیدا ای ... [illegible]
دشمن را نمیشناسی و هرچه بید میبد هند و اندیشه میکنی که
عاقبت کار من چه خواهد بود اگر صبر کنی نیکو گردد و حضرت امام

جعفر صادق میفرماید که از خویشان کسی مکو

اگر هوس کاری داری بکن که بمراد دل میرسی انشاء الله ج ج
قوله تعالی انزل من السماء ماء الخداوند فال بدان واکاه باش
که این اندیشه که کرده خرم شوی و دانیال ع میفرماید که اگر
معامله یا نکاح داری و در دل داری بکن که سعادت روی نمود
اوود باید که دل خوش داری و همه بمراد تو خواهد بود امام

جعفر صادق ع میفرماید که خدا را شکر کن تا

نعمت بر تو زیاده گردد انشاء الله د د د قوله تعالی مخلصین له الدین
الخداوند فال بدان واکاه باش بنقر عمر که نیت کرده ... [illegible]
و در دولت و سعادت بود و در و دانیال ع میفرماید که
خدا تعالی رزق و روزی تو خواهد داد و کار تو کشاده گردد

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که میفرماید باید این طلسم را
با مشک و زعفران بنویسد و با خود نگاه
دارد تا کارت

جبرئیل	ا	الله	محمد	علی	[illegible]
فا	طه	حسن	و	حسین	
١٧	٣	٩٩	٤ع	٩	[illegible]
[illegible]	٥	٩	ه	ك	[illegible]
	١	١	١		

نیکو گردد انشاء الله

وقال الصادق ع

واز همه اندوه بیرون آیی وشکر کنی نعمت خدا را و مراد تو حاصل
کردد و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که اگر نیت
سفر داری و معامله و ابنازی داری برو و بکن چنانچه
کار تو بمراد خواهد بود دد ان ینصرکم الله فلا غالب لکم ای
خداوند فال بدان واگاه باش که خدا تعالی ترا نصرت داده
و بر دشمن ظفر یابی و دانیال پیغمبر ع میفرماید که دولت و
سعادت روی بتو آورد و کسب را خدا تعالی برکت دهد واز
هر مطلبی بیابی و مراد تو حاصل کردد و حضرت امام جعفر
صادق میفرماید که خبر خوش بتو رسد که بدان خبر خوشحال
کردی باید که در خیرات تقصیر نکنی
وعقد و معامله ترا نیکو بود اما ترا با زنان کفتکوئی در میان
هست اما تو بروی ظفر یابی و بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی ددب
قوله تعالی لئن شکرتم لازیدنکم ولئن کفرتم ای خداوند فال
بدان واگاه باش وشکر نعمت بکن اگر در این نیت صبر کنی بمراد دل برسی ان شاء الله
و دانیال میفرماید که تو دشمن بسیار داری همه چشم در کار تو اند میخواهند که
ترا در عقوبت اندازند اما حضرت امام جعفر صادق میفرماید
که اگر نیت سفر داری برو خوب نیست باید که خیرات کنی تقصیر نکنی ناکاه

آداب دعا

نیکو کردد ان شاء الله تعالی دبج قوله تعالی وعلمتنی من تأویل الاحادیث
ای خداوند فال بدان واگاه باش حاجتی که در دل داری بزودی
بر آید و دانیال میفرماید که مال و دولت بسیار یابی هر مرادیکه
در دل داری بزودی بر آید و هر کاری که شروع کنی مراد یابی امام
جعفر صادق میفرماید که در امر خدا تعالی
تقصیر مکن تا کارت نیکو کردد و بمراد دل برسی ان شاء الله دبج
قوله تعالی یومئذ یفرح المؤمنون ای خداوند فال بدان واگاه باش
که این نیت که کرده نیکست و کارهایت بمراد دلت شود و
دانیال ع میفرماید که تا چهل روز دیگر کارت بالا کردد و دو
لت بروی تو کشاده کردد و حضرت امام جعفر
صادق ع میفرماید که بمراد دل برسی و از غمها نجات
یابی و کار دنیوی و آخرت و خیرات نیکو کردد و بمراد دل برسی ان شاء الله
دب قوله تعالی ولا تمدن عینیک ای خداوند فال بدان و
اگاه باش که از رنج و مضرت هرچه بتو رسیده است از چشم
زخم است و این نیت که کرده صواب نیست خیر نمی بینی و دانیال
پیغمبر میفرماید که رنج بسیار بری و فایده نخواهی دید

واند دانبکار صبر کردنا کارت نیکو کردد و بمراد دل برسے انشا
وحضرت امام جعفر صادق ع میفرمایند که هر غمیرا شاکے خواهد
بود ما صبر باید کردن تا میسر کردد و زنهار نباید که باهیچ کس
مشورت نکنے که مدعیان نمیخواهند که کار تو بالا کیرد و از خصو
ایشان حذر کن تا بمراد دل برسے انشاء د ا ج الجدا وند فال بدان
واکاه باش که ابر دو غم تو را از غم نجات داده کارت بکام دوستان
خواهد بود و دانیال ع میفرمایند که درین نیت که نشسته
اکر غایبداری خبر خوش بشنوے وحضرت امام
جعفر صادق ع میفرمایند که
از جهے دست و زبان تو مشغول است خاطر را جمع دار که
تا کارت بالا کیرد اما اگر کسے دل در کار تو بسته باشد نباید
که نکاه دارے کرد دوست نست و راحت تو میجویند و بمراد دل
برسے انشاء د ج ا قوله تع الجدا وند فال بدان واکاه باش که
این نیت که کرده مبلک نسبت زنده کانے تو تلخ خواهد کشت و
دانیال پیغمبر ص میفرمایند که تو سر کردان
میشوے در دل خود اندیشه میکنے کاه میکویے که اینکار را بکنم
کاه میکویم نکنم تو کار بر خدا کن و چند روزے صبر کن تا کا

نیکو کردد انشا وحضرت امام جعفر صادق میفرمایند که از خود را
بکسے نکویے تا کار تو آسان کردد و کار دو جهان تو ساخته شود انشاء تع
د ب ج ونجیناهما وقومهما من الکرب العظیم الجدا وند
فال بدان واکاه باش که دولت رو بتو آورد و تو نمیدانے که آخر
آنکار چه خواهد شد و دل تشویش مدار که کارهاے تو بمراد
تو خواهد شد اکر چیزے مبطلے بدست تو آید معامله کنے نیکو
و اکر نیت سفر دارے برو وحضرت امام جعفر صادق ع میفرمایند
که دولت و سعادت بتو رو آورد باید که در عبادت کاهلی نکنے
تا کارت نیکو کردد انشاء تع
د ج ب تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل الجدا وند
فال بدان واکاه باش که کار مرده را زنده خواهی کرد و از خلا
خبر خوش بتو رسد خدا را شکر کن و دانیال ع میفرمایند که در
اینچند روزه از غمها نجات یابے وحضرت امام جعفر صادق ع
میفرمایند که دل خوش دار که کارت بالا کیرد و بمراد دل برسے انشاء تع
د ا د الذین یحشرون علی ربهم الجدا وند فال بدان واکاه باش
که این نیت که کرده نشسته روزے و منفعت بتو رسد دانیال
میفرمایند که از مردم مبتر سے منش ایمن باش در همه حال دشمنا
حقند بیش که هر کار که میکنے با دوستان مشورت تا کارت
نیکو کردد وحضرت امام جعفر صادق ع میفرمایند که از ضا

حتی نعم بیرون مرونا کارت نیکو کرد اثر **د ب ی**
الجنه الذی کنتم مر نو عدون ابجد او فد فال بدان واکاه باش
بشارت باد ترا ہر مراد بکر دار ے باسانی بیابی دانیال علیہ السلام
میفرماید کہ از ہمہ جا روز بحلال بتو رسد باید کہ قدر شر اید با
از چشم بد و زبان بد با حذر باش **و حضرت امام جعفر**

صادق میفرماید کہ طالع تو چنانکہ

اکر یک درم باکسے خیانت کنے عوض ان زحمت و زیان بتو
رسد باید کہ سفر دراز نکنے زنہار زحمت بتو رسد معاملہ کن
ناسود یابی اثر **د ج د** ابجد او فد فال بدان واکاه باش کہ
این نیت کہ کردۂ خوست دولت و سعادت بتو رواوردہ باید
کہ ہیچ غم مخورے تا ہمہ کار تو بکام دل تو باشد **و دانیال**

پیغمبر میفرماید کہ اکر چیزے از تو

بازیابے از ہر سودا و زبان او میکنے دل خوش دار کہ راحت و منفعت
یابے و خبر خوش بتو میرسد کہ بدان خورسند کردے امام

جعفر صادق ع میفرماید کہ در طاعت و نماز

و عبادت کاہلی مکن تا کارت نیکو کردد و مراد دلت بیابی اثر نعم

(ہذا ہو اللہ)

بہ نستعین ہذا کتاب تسہیل الدعاء والدوا

بسم اللہ الرحمن الرحیم الحمد للہ رب العالمین والصلواۃ والسلام
علی خیر خلقہ محمد والہ اجمعین **اما بعد** بدانکہ این رسالہ
ایست کہ مداوا ے جمیع علل و امراض و اوجاع ودرا و چند
فصل است **فصل اول** در دفع علتہا ے مشہور
مستکرہ و دفع ان و مشتمل بر چند باست **باب**

اول و کو ہم در دفع شرور

و بلیات باب سیم در دفع اقسام است باب چہارم
در دفع درد ہای اعضا **باب پنجم** در دفع ضرر
و نوسہا **باب ششم** در دفع ہموم و غموم **باب ہفتم**

در دفع ضرر ہوام و دواب **باب ہشتم** در دفع امراض
اطفال و زنان **خاتمہ** در ذکر تجارت بعضے از حکماء در

معرفت دانستن احوال مریض **مقدمه در دانستن**
مداوا بجمیع امراض و اوجاع و علل و درد این مقدمه چند
فصل است **فصل اول در بیان ادعیه و تعویذ**
در دفع هر علت و مرض در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر
صادق منقولست که چون بر سر بیمار روی هفت مرتبه بگو
أُعِيذُكَ بِاللهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ
وَمِنْ كُلِّ حَرِّ النَّارِ **و در حدیث وارد است که**
بعضی که از فرزندان حضرت بیمار شدند بایشان فرمودند که این را
بخوانند اللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ
بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ
و از ائمه روایت کرده اند بوسایط علما تا بحضرت پیغمبر صلی
که هر که را مرضی یا زحمتی واقع شده باشد باید عا مخصوص
شفا دانسته اند و بعضی بترتیب مقدس کتاب میکرده اند و مجرب کرده
مینوشته اند و امراض شفا یافته اند وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ
بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلْ لِلّٰهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
إِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ منقولست که

ابتدا تمام این ترتیب مقدس نوشته در ظرف چینی ششم پاک کرده
بمریض دهند بیاشامد شفا یابد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ
الشَّافِي بِسْمِ اللّٰهِ الْكَافِي بِسْمِ اللّٰهِ الْمُعَافِي وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ **و از حضرت امام**
محمد باقر روایت کرده اند که هر که درد در نفس
خود علتی یابد سوره انعام را بر آن بخوانند تا از آن شفا یابد
و مکرر بتجربه رسیده **فصل دوم در بیان مداوا**
امراض با ادعیه مجربه درد یکه در عضوی از اعضا بهم
رسد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که هر که درد داشته باشد دست در موضع
درد بگذارد و سه مرتبه بگوید اللّٰه اللّٰه اللّٰه ربی حقا و لا اشرک
به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی و
بروایت دیگر فرموده که دست بموضع درد
بگذارد و بگوید بسم اللّٰه و باللّٰه محمد رسول اللّٰه ص و لا قوة الا باللّٰه العلی
العظیم و در کتاب فردوس شیخ شهید ره آورده اند که
اگر کسی را درد داشته باشد بر قدح آبی سوره حمد را بخواند
و آن آب را بر مریض بپاشند و سنبلی پر از گندم بمستحق دهد بدست
خود و امر کند تا دعا کند عافیت یابد **نوع دیگر این**

اسید غار ابوس ... نام مریض بنید و بروا بی بر قدح چینی بنویسد
و بشوید و بخورد مریض دهد شفا یابد انشاء الله تعالی بنزول و لا
یزال برحمتک یا ارحم الراحمین **فصل سیم در مداوا**
امراض بترتیب واب نیسان مشهور است که اسید غار ابو ترتیب ...
بخوانند بیمار ازان بعد رکعت از نخود بخورد شفا یابد انشاء الله تعالی
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بحق هذه الزبیر المبارکة الطاهرة
المطهر و بحق الملک الذی هو خازنها والملئکة المعرفین علیها
و بحق الوصی الذی وارثها اجعل فی هذه الزبیر لی رزقا واسعا و
علما نافعا و عقلا کاملا و فهما وادراکا و ذهنا فی العلم
و شفاء من کل داء و اماناً من کل خوف و خصم و اماناً من کل ظالم
و حفظا من کل سوء برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین

اما طریقه استشفا با آب نیسان

با آب نیسان باران ... از رسیدن بزمین گرفته باشند هر یک
از فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و اخلاص و معوذتین را هفتاد بار
بخوانند و بروایتی بکر سوره قدر را و تکبیر و تهلیل و صلوات بر پیغمبر
و آل او نیز همان عدد بخوانند و هفت روز متوالی صبح و شام
ازان آب بیاشامد شفا یابد و هر درد که در بدن او باشد و هر
بدی که در او باشد اگر عنین باشد عنینت او زایل گردد و اگر

و اگر فرزند خواهد تولد نماید و همچنین اگر پسر خواهد با او عطا
شود و درد چشم و سر را نافع بود و بیخ دندانها را محکم کند و
دهن را خوشبو کند لعاب دهن و بلغم و بادها و فالج و زکام
و درد پشت و شکم و فساد معده و کرم امعا و قولنج و ناسور و
حکه و ابله و جنون و جذام و برص و رعاف و قی و کوری و کری
و کبکی و آب چشم فرو آمدن و دردها و فساد صوم و صلوات و
وسوسه جن و شیاطین و خیانت و غش و غیبت و خسران
و بخل و کبر و حرص و عداوت و افتادن بر زبان مردمان و
غیر آنها نافع بود **نوع دیگر** آب باران بگیرد و حمد و توحید
و معوذتین هر یک را هفتاد مرتبه بخوانند و هر صبح و شام قدحی

ازان آب بیاشامد و خضر رسول

فرمود بحق آن خدائی که مرا مبعوث کرده است بنبوت بر اهل عالم و هر شخص
که بیاشامد ازان آب نگذارد از بدن و عروق و استخوان او بیرون
فصل چهارم در بیان امراض و علل و تصدق دادن و
قربانی کردن و غیر آن بدانکه صدقه دادن بلاها را دفع میکند
و علتها و مرضها را زایل کرداند و در عمر و روزی میافزاید و دعا
سایل در حق عطا کننده مستجاب میگرداند و احادیث بر طبق این امر
زیاده از حد و احصا است ... در کتاب دعوات گفته اند

گاه اتفاق افتد حضور هفت نفر بر سر بیمار بخوانند سورهٔ
انعام را و چون برسند بمابین الجلالتین یعنی قوله تعالی اَرسل الله
اعلم بر لفظ جلالهٔ اول باز ایستند و آن بیمار دعا بخوانند خدا تعالی
آن مریض را شفا کرامت فرماید و اگر هفت نفر میسر نشود یکی
تا هفت سوره را مکرر بخواند تا هفت مرتبه شود و چون بموضع
مذکور برسند این دعا را بخوانند اَللّٰهم ارحم جلدی الرقیق و عظمی
الدقیق من شدة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله الاعظم فلا تاکل
اللحم ولا تشربی الدم ولا تصدعی الراس و تحولی عنه الی من اتخذ
مع الله الٰهاً آخر و کفی بالله
اینعمل بسیار مجرب است و آماس شود دعا کردن در حین
تصدق و از برای بیماری بسیار چنانکه اول این دعا را بخواند
و بعد از آن مقدار یک بنا از شرعی که چهار دانگ و نیم مثقال
از طلا تصدق نماید بر پنج نفر که علوی باشند مگر آنکه
علوی باشد که در این صورت ضروری ندارد و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم
اللّٰهم انی اسئلک باسمک الذی اذا ذکرت به سجدت له الملئکة و
سبحت و بالاسم القدوس السلم الحکیم و بالاسم المخزون
المکنون و بالاسم الذی سمیت به نفسک و بالاسم الذی
هو المکتوب علی سرادق البهاء و بالاسم الذی هو مکتوب علی

سرادق البهاء و بالاسم الذی هو مکتوب علی سرادق
الجلال و بالاسم الاکبر الاکبر الاعظم الاعظم المحیط
بملکوت السموات و الارض و بالاسم الذی مشی به الخضر
علی الماء فلم تبتل قدماه و بالاسم الذی کشفت به الضر
و در بعضی از کتب است که از برای شفای بیمار چهل یک پول
سیاه که هر یک عبارت از یک غاز است از اسم بیمار بچینند تا با
چهل بار چهل و یک بار سوره اقرا را بخوانند و در هر بار که خوانند
یک پول سیاه از روی بیمار بردارند و بعد از آن پولها را به چهل نفر
مسکین دهند که مجرب است انشاء الله تعالی مرض بکند و در
حدیث معتبر از داود رقی روایت شده که گفت بیمار شدم
در مدینه بیمار شدید بدی و چون این خبر بحضرت صادق ع
رسید بمن نوشت که یک صاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن
گندم را بر سینه خود بریز و نثار کن و بگو اللّٰهم انی اسئلک
باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر و
مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک ان تصلی علی محمد و علی
اهل بیته و عن تعافینی من علتی پس درست بنشین و
گندم را جمع کن و باز این دعا را بخوان و از او چهار قسمت
کن و هر قسمتی را بفقیری بده و باز این دعا را بخوان داود
مذکور گوید چنان کردم گویا از بند خلاص شدم و بسیار

کسانکرد ند شفا یابند **واما طریقهٔ قربانی کردن** بگیرد گوسفند برابر نیت قربانی فدای بیمار و سه نوبت این دعا را بخواند و بر دهان گوسفند بدمد و در حین ذبح بخواند اِنَّ هٰذِهِ الشَّاةَ لَكَ وَمِنْ فَضْلِكَ وَكَرَمِكَ وَصِلَةٌ اِلَيَّ وَاَنَا فَدَيْتُهَا بِعَبْدِكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بعد از آن سه مرتبه بگوید الله اکبر بسم الله الرحمن الرحیم گفته و ذبح نماید در مکانی که مسقف باشد و خون او را در کودالی کنند در موضعیکه مردم پا بر او ننهند و در خاک کنند سر گبن او را و دست و پای او را جدا ننمایند چنانکه پوست و دست یکپارچه باشد و از هم جدا نشده باشد و گوشت او را پنجاه هفت پاره کنند و در میان پوست نهند و هر پارچه را به نیت یکی از فقرا و مساکین بیرون آورده و بهمان کس دهد که نیت او بیرون آورده تا تمام شود **بدانکه در اخبار** احادیث تاکید و تحریص شدید وارد شده بجهت تصدق کردن در دفع بیماریها و منقولست که تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند و قضاهای محکم را بر طرف میکند و حضرت امام رضا ع فرمود که نمیرد بیمار بر لب چیزی مگر تصدق و دعا و آب سرد ... دیگر منتهای حمیه یعنی پرهیز و امساک چهارده روز است و پرهیز نه آنستکه چیزی نخورد و از حضرت رسول ص منقولستکه بیماران خود را دوا کنید بتصدق و منقولستکه

شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم عرض کرد که من ده نفر بیمار هم فرمود که ایشانرا دوا کنید بتصدق دادن که هیچ چیز زودتر دفع نمیکند **واما توسل بحضرت امام موسی کاظم** بجهة شفا بجمیع دردهای اعضا خصوصا درد چشم و بجهة مرسیده و آن بدینطریقست که بگوید اللهم بحق ولیک موسی بن جعفر الکاظم ان سلمنی فی جمیع جوارحی ما ظهر منها و ما بطن یا جواد یا کریم **اما دعا بجهة فرزند بیمار** روایت شده و طریقش آنچنانستکه مادر دو رکعت نماز بگذارد و در سجود بگوید اللهم انک وهبته لی و لم یک شیئا فهبه لی هبة جدیدة **راوی گوید که** بیمار صبیی داشتم حضرت امام جعفر صادق ع بعیادت من می آمد چون ببالین مادرم را دید بمکه با اینطریق تعلیم او فرمودند چون صباح شد صحت یافته بودم که هر سه که بیخته بودند من با ایشان شراکت کردم **نوع دیگر آنستکه** مادر بیمار بر بام خوانه رود و مقنعه از سر بردارد و موی سر باسمان گشاده بگوید اللهم انت اعطیتنیه و انت وهبته لی فاجعل الیوم جدیدة انک قادر مقتدر هنوز سر بزیر نکرده باشد که فرزندش شفا یابد **فصل پنجم در اد** عیه درد مفاصل جهة ضربان از درد و درد مفاصل

ابن اشکال او بر پارچہ کاغذے نوشتہ و بر موضع درد ھند
ھر گاہ درد بعضوے دیگر نقل کند نوشتہ را بآن موضع ھند
فورا درد زائل گردد وان این است بطریق ق ث ث ن ث
در کتاب بحر المنافع آوردہ کہ از تالیف بندہ خواجگی ھندیست
آوردہ کہ اگر کسیرا درد کند دیگرے را گوید کہ موضع درد را دست
بگیرد و با کارد بر زمین خط کشد بگو گرد د
و بگوید بسم اللہ الرحمن الرحیم اسکن یا ریح بحق
البارے و ھم چنین گفتہ است کہ در زمین ھفت
خط بکشد بدین طریق

و در وقت کشیدن بگوید
بگوید اسکن یا ریح بحق البارے **و بعد از ان کارد** را
بجانب چپ خط فرو برد و محل درد محکم بگیرد و ھفت بار
بکند فقیر بخواند اسکن یا ریح بحق الباری و بعد از فراغ
مریض را بگوید برو دیر شود **باب ششم در علاج شو**

وسنگرہ و دفع آن و در آن ابیاب چند

فصل فصل اول در دفع ابلہ در کتاب مکارم الاخلاق
ابن اشکال را برائے دفع ابلہ و سر بچہ طفلان و کم برون و ...
نقل کردہ است کہ بنا نسکہ بر منت نویسد **و در نسخہ دیگر**
بجہت دفع ابلہ این شکل را موم گیرد و در گردن طفل بندد

نوع دیگر آوردہ اند کہ اسم بعرابین ترتیب
نوشتہ در گردن طفل بندد از ھفت ابلہ
ببیند بیرون نیاید
و در وان اشکال
اینست

اینست

ب	ح	ج	اسو	نو
ذ	د	بب	و	ط
٩	بهہ	ا	ند	د
و	ما	ح	ے	ھ
ن	ا	ق	ف	ں

١	٣	٢	٣	١٤
٢	٨	١١	١٠	٥
١	٢	٧	٦	٤
١	٤	١	٥	٤

و دیگر آنکہ در خواص آیات

قرآنی مذکور است کہ چون ابلہ چشم مجرب است بگیرد در بستانے کہ
کودک رستہ باشد کہ ھنوز دندان او نشگفتہ باشد ھفت لا
کند و سورۂ الم نشرح را بخواند و ھر کاف کہ رسد یک گرہ
بزند تا ھفت گرہ بعد از ان ھفت بار سورۂ مذکورہ را بر
واز چشم کسیکہ ابلہ داشتہ باشد از پیش چشم بیاویزد ابلہ
زائل گردد و **گفتہ اند** کہ اگر با ماء مجد و در لحنا بندند
ابلہ در چشم او بر نیاید **ابن عمیے در خواص خود آوردہ**
کہ ابن ترخان را و ولد با مز و شربت کا وے کہ کاوے اسم ھندیست
و بعربے کدج نامند و او درختے است کہ در حوالی عمان و کثیر
الفوائد است و شربت کاوے الشکر او را کوبیدہ و بجوشانند
و با شکر بقوام آورند منع ابلہ و حصبہ میکند **منتر** اما اگر
ابلہ در چشم افتد این افسون و آیات را بر گندم پا نمک خواندہ بر
اندازد نحن وغمتہ و وارھی و وارھبتہ فانما ھے زجرۃ واحدۃ

فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید اولی لک فاولی
ثم اولی لک فاولی ایحسب الانسان ان یترک سدی الم یک
نطفة من منی یمنی بقدرت حق تعالی برطرف گردد **فصل**
دویم در مداوای دفع دمل و قرحه و جراحت

وشور و خراج و ناسور از حضرت امام جعفر صادق در
حدیث صحیح منقول است که هیچ کس از بنی آدم نیست مگر اورا
دو رگ میباشد یک رگ در سر که خوره را در حرکت می‌آورد و
و دیگری در بدنش که پیسی را در حرکت می‌آورد و خود زکام
مسلط میگرداند که درد های سر را میکشد و اگر رگ بدن بحرکت
میآید حق تعالی دمل را بر آن میگمارد پس چون زکام بهم رساند
خدا را شکر کنند **و در روایت** دیگر فرمود که این دملها
و شورها اکثر آن از خون فاسد است که در وقت طغیان آن از بدن
بیرون میکند میباید پس اگر کسی از اینها خاص گردد بر خت خواب رود
بگوید اعوذ بوجه الله العظیم و کلمات الله التامات التی لا یجاوزهن
بر و لا فاجر من شر کل ذی شر تا از اینها و سایر انبیاء در دها قبت
عافیت یابد **ایضاً جهت دفع خیارک و خنازیر**
و جراح و غیره که از بدن انسان بیرون میآید که را از لخط

بکشد و آن شکل را بقلم خشک بنویسد یا بر کاغذ بنویسد آن شکل را
و بر آن بچسباند و آن ایضاً **جهت دفع لکنه**

لا اله الا الله محمد رسول الله	یا ملیخا یا ملیخا بسم الله الرحمن الرحیم

در بدن پیدا شود و بهم میرسد مانند خشکی و جوشش و ورم
کرزدار از آن ترا و رخط بر دور آن بکشد و در وسطان بنویسد
یوم یا یوم ما مر نا نار عل اصوانا و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن
کل شیء انه خبیر بما تفعلون **ایضاً** بتجربه رسیده که بر سر قطعه
چوب بید ترا این شکل را بنویسد و بجای بنا و بزد چون چوب خشک شود
اثر ایشم برطرف شود **اول** خلقه بلقمه خلق خالق بالغ بر جواز الله دوم
ثلث بلعنه خلق خالق بالغ **سیم** کشته ار دیو باسم فلان بن فلان
ودر خواصیات فرایی اوورد او رده اند که هر که ابر و بسیلوند
عرالیجیا اقفل بنسفهار بی تا اخر بر طرف
سیاه بنویسد و بروغن بنفشه محو نماید و بر دمل و جراحت
ها یکه در بدن باشد بمالد شفا یابد انشاء الله **اما معالجه عرق**
مدنی که آنرا رشته گویند بفارسی و در هندوی نیز نامند و از
اهویه کثیفه و از میاه غلیظ بهم میرسد خصوص در بلاد فارس
و اکثر از مفاصل مانند خیاطه بیرون میآید باید بهیچ وجه
آن هر روز بر پیچد بر وفق تا تمام شود و بیرون آید و پاره نشود

هرگاه قطع شود از جای بکر بوزه میکند و در کتاب مکارم الاخلاق مذکور است که بجهت عرق مدنی پشم شتر را بدست بگیرد و بکارد و مقراض و مباید هفتگره بر آن زند و بر هر گرهی سه مرتبه سوره حمد را بخواند پس سه مرتبه دیگر بر آن شخص ابند خارا بخواند بسم الله الابد الابد المحصی العدد العزیز لما بعد الطاهر من ولد العالی عن بولد المنجز لما وعده العزیز بلا عدد بلا قعد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ابضا هنوز هم فرق

بیرون نیامده باشد چو کند بخار بد بر آن بنویسد

ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا **ابضا بجهت عرق** مدنی ابن معجون را اطبا نافع دانسته اند و خوراک دو مثقال فرموده اند پوست هلیله و پوست بلیله و املهٔ مقشر و تربد سفید و زنجبیل و فلفل و اسطوخودوس با عسل بوزن ادویه سرشند و هم چنین بوزانرال اسنان کرده اند هرگاه عرق پاره شده باشد موضع بطول بشکافند و اینمرهم را باید استعمال نمایند موم مرداسنگ خاکستر اهلیلج مومیا روغن کدا ... و تیر را مخلوط کنند و مرهم النهاب بزر قطونا با روغن بنفشه مخلوط کرده استعمال نماید نسبتا مجرب است و بتجربه رسیده است

اما معالجه ناسور که آن دندانها است که بعد در نخود بزرگتر و کوچکتر بر حوالی مقعد و گوشه چشم بیرون میباید و بینی و بنا بر جا ها بیرون میباید و بسیار خارش کند و چون شکافته گردد زرد آب و کف بیرون آید و شاید که استخوان دمبر اسوخته بالعاب صبر سحق و طلا کنند اگر چه کهنه شده باشد دفع شود و در کتاب **تحفة المؤمنین** اینمرهم را بجهت ناسور و ناصور ضربانی و غیر ضربانی ذکر کرده اند زرد چوبه و مرداسنگ از هر یک ده درم نرم سائیده الکل با چهار مثقال روغن گل و دو درم موم و آب خالص جوشید بگذارد و تیر را بپوشید با آتش نرم چندانکه بجوشانند تا مرهم شود ضماد نماید که استماع شده و تجربه نموده اند **بجهت ناسور** تریاق یک دانگ و زعفران یک دانگ و جوهر یک مثقال کوبیده با مخ البیض یعنی زردهٔ تخم مرغ با روغن گل یا روغن کنجد منضم نموده طلا نمایند **فصل بستم**

دفع ثالول و سلعه و خراز و مدا انها از عدة تعمات

منقول است که بخدمت امام رضا ع عرض کردم که ثالول بسیاری کرده او را اذیت رسیده کند که گویند که در بدن بهم رسد و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالول هفت جو بر گیرد و بر هر جوی هفت بار ایه اولا اذا وقعت الواقعه تا هباء منبثا و هفت بار و یسئلونک عن الجبال

تا امتناس هر چوبی را یکبار بر ثالولی بمال مجموع را بر پارچه‌ ئی ببندد وسنکی دران بستہ در چاه کسف ببنداز و چاه انجا نتر خواهند و بهتر انستکہ استعمال ادر بحث لشعاع بکند داو ویکو میکو چناد کردم بیک هفته بتمام بر طرف شد ایضًا سوره توحید را بعدد ثالول بر کندم بخواند و بران بمالد و در زمین نمناک دفن کند دفع شود در بحر المنافع اورده اند که بعدی ثالول در شب یکشنبه دانه ماش شماره کند و در لته ببندد و در بامداد وشبانگاه هر ماشه را هفتبار بر ثالول بمالد و هیچکس سلام نکند وجواب ندهد و سخن نگوید در مبرز یا چاه انداز و چون ماش کنده شود ثالول زایل کردد ودر بعضی از نسخ اطبا وارد شده که اگر روز غرا در وقتی که از اب بیرون می اید کرفته بر ثالول مسح نماید و بعد ازان از ابخره ببندد و در زیر سنکی نهد ثالول بر طرف و زایل کردد اما معالجه سلعه که انگوشت زاید است که در زیر بدن ادم حادث میشود مانند غده و حرکت در گوشت بدن و از علاقی باشد که از عضو خارج میشود و مقدار او از نخودی تا بطیخی میباشد ودر حدیث مذکور است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که کنده و ماده در بدنم پیدا شده انحضرت فرمود که سه روز روزه بدار و در روز چهارم در وقت زوال غسل کن و بصحرا یا بلندی برو

و چهار رکعت نماز بگذار و هر سوره که خواهی بخوان و تا توانی سعی کن در تضرع و زاری و باید با حضور قلب باشی و چون از نماز فارغ شوی جامها خود را بکند و جامه کهنه پاکیزه بطریق لنک بر خود ببند و بر خاک بسجده برو و پهلوی راستخود را بر زمین بگذار و بزاری این دعا را بخوان و در اخر فرمود و فتیکه تاثیر میکند خواطر مطمئن باشد و برو بصحرا یقین باشی الشخص چنین کرد و عافیت یافت دعا یا واحد یا احد یا احد یا کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین ایضًا معالجه کلی ثبتا معقد اسرار اشید یا روغن کنجد چوب کتند خشک سوخته و پشم سوخته و جو سوخته را بالسویه بیاشند ایضًا از مجرباتست زرد چوبه و برک حنا و هلیله زرد و عفص و تغره تازه و مردار سنج و امله مقشر و سرکه هر یک جزوی و غن کل سرخ چهار جزوی و ضماد نمایند تا ممتنت فصل چهارم در دفع خنازیر و سرطان و حمره و ثالیل و فالج و لقوه و کلف و جذام و داء الثعلب و غیران اما دفع خنازیر باید در زوال تار یک چهل کره بزنند و بر هر کره که زنند این دعا را بخواند و بر گلوی او ببندد شفا یابد انشاء الله

بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بعزة الله اعوذ بقدرة الله

وعظمة الله وبرهان الله وسلطان الله وكنف الله وجود الله
وَأَمانِ اللهِ وَحِرزِ اللهِ وَبَطشِ اللهِ وَبَهاءِ اللهِ وَجلالِ اللهِ وَكمالِ
اللهِ وَبلا اِلٰهَ الا اللهُ محمدٌ رسولُ اللهِ مِن شرِّ ما اَجِدُ بِرَحمَتِكَ
يا ارحمَ الراحمين **ايضاً** **اين شكل را بنويسند بر موضع**
خنزير بندد نيك شود مجرب است بجهو والويح اعظم
اطبا تجربه نموده اند كه چون سر بر اباب كاسنے بسايند
تا غليظ گردد دو روغن گل با روغن بادام بالسويه بر سرطان
منفرح وجرب خارا وحكه خارا واورام حاره ضماد كنند
نافع گردد اگر عاب كشنيز با آب بارهنگ بسايند بد سنو رسابق
نافع باشد **ايضاً معالجه باد سرخ** وساير ورام حاره
مر با مداد بلعاب دهن بخوانند و بدمند وانرا بموضع درد طلا
نمايند دفع گردد بسم الله الرحمن الرحيم الحمد
وفو والمنار فوانم با قيا بحرمة لعاب دهن مصطفى صلى الله
ايضاً باد سرخ و انشك بخوانند بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
رفتن نوفل هو الله رفتنے بر كوه شد اے اب دم خشك
شد بے پرواے درد خوش شو بحق لا اله الا الله از ابجلة
بر كوزه سفال بے نقش بنويسند ومحو نموده بخورانند جهت
جميع بادها خصوصاً حمره را نافعست بسم الله الرحمن الرحيم

عليقاً طبقاً انت تعلم ما في قلوبهم **ايضاً باد سرخ** واورام
حاره مجرب است كه را انگافته بچشد با اب خنزير بسيار قبول بريز شد
نقد از كه بسبكى كه بر طرف شود و مكرر طلا نمايند **و در كتاب**
خزانة الاسرار از حضرت صادق عم روايت كرده كه سوره غاشيه را
بيست و يكبار بخوانند جهت باد ها پنكه در اقدام باشد خاصة براے
باد سرخ بخوانند زايل گردد **اما معالجه فالج** وان درد يست كه
دست و پا را سست ميكند بعضى ميگويند بجنبيكه صاحب
ان تصور كند كه ان عضو از ان افتاده است بن بار را بنويسد و
با خود دارد و بران بخواند كه نافعست بسم الله الرحمن الرحيم يمحو الله
ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب الحمد لله فاطر السموات
والارض جاعل الملئكة رسلا اولى اجنحة مثنى وثلاث
ورباع باسم فلان بن فلان **اما معالجه لقوه هر وقت**
كه شخصے خدمت امام جعفر صادق عم عرض كرد كه باد بر سر ما
مرا فرو گرفته فرمود كه عنبر و روغن زنبق بهم بسايند ودماغ
بچكانند و در روايت ديگر كه سوره اذا زلزلت را بنويسد و
ان نظر كند شفا يابد **و در نسخه ديگر** بنظر رسيده
كه اين سوره را بر اسپ بولاد بنويسد و در خانه بد ارد و نظر
كند و مرويست كه اگر سه نوبت بنويسد اين سوره وصباح بشويد
بياشامد شفا يابد و در روايت ديگر مرويست كه صباح بن

خارث بحضرت امام موسے کاظم ع عرضکرد کہ شخصے را لغوہ
ہم رسیدہ وہر دو چشمش را فرو گرفتہ فرمود کہ پنج مثقال
قرنفل بگیرد در شیشہ کند وسر شرا محکم کند وگل مالد
ودر آب ندازد و بقدر یکروز در تابستان ودو روز در زمستان
در آب بگذارد پس آن شیشہ را بیرون آورد وبزم بکوبد ودر آب
اب باران مخلوط کند وبر پشت بخوابد وبہ بدنش مالد بر
طرفیکہ کژ شدہ وبدانحال خوابیدہ باشد تا انکہ قرنفل
خشک شود چون چنین کند مرض از او برطرف شود اما معالجہ
جذرہ شدن اعضا در خبر استکہ چونکسے را دوست
نداردنام بر زبان راند جذرہ برطرف شود اما معالجہ
کلف وبہق وداء الثعلب کلف لکہ ایستکہ بروی وہم رسد
ورنکش مایل بسرخ وسیاہی است وشبیہ
بکنجد است در بحر المنافع آوردہ اند کہ خون خرگوش
تازہ وگرم بر کلف مالیدن کلف را زایل کردانند
جہت دفع ورم ایضا وکلف بنویسد وبرو یکلف تا
لد زایل گردد. واما باید آب بر زمین بنوید
بسم اللہ الرحمن الرحیم قل اوحی الی انہ استمع نفر
من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا اما معالجہ داء
الثعلب در بحر المنافع آوردہ اند کہ در ریختن موی

سبل است بروغن بخواند بمالد و برسل الصواعق فیصیب
بہا من یشاء وہم یجادلون فی اللہ وہو شدید المحال
واطبا گفتہ اند کہ پیاز را با نمک صلایہ کنے ودر ابجا کہ داء
موی برآورد وجہت ریختن موی ریش بدستور بنا بنو
معمول دارد بسم اللہ الرحمن الرحیم فاستغفروا لذنوبہم
ومن یغفر الذنوب الا اللہ ولم یصروا علی ما فعلوا و
ہم یعلمون اطبا بجہت کلف نمودہ اند کہ انذروت
در ہرہ گاو حل کنند بمالد وبدستور مذکور بجہت کلف
وبہق وامثال ان بتجربہ رسیدہ کہ بیخ سوسن وسیر
کنجشک وقطرہ آب سرکہ طلا کنند وروز دیگر باب
سبوس گندم بشوید وبجہت داء الثعلب کندش وشیطرج
ہر یک جزوے وزرنیخ سرخ دو جزوے با روغن زیتون
طلا کنند کہ بعد ملیشنا تا آدو مہر رضوبہ کرد در طب
الائمہ استاران حضرت روایت کردہ اند کہ بجہت فالج
ولقوہ وغیرہ ازکوفتہا را استعمال باید نمود وفرمودند
کہ بجہت فالج ولقوہ یکحب ترا باب مرزنجوش در بینے بچکا
نبیا منقبد اوقر ننوکہ اکر بجہت سبز یکحب انرا
باب سرد وسرکہ بخورد بنکو گردد وار حضرت امام علی

النبی عم مرویست که یک حب ترایاب جلیشت بر کسی بخوانند کرا و را
عقرب و مار گزیده باشد و بیم هلاکت داشته باشد در ساعت
ساعت شفا یابد وان ابنست سنبل و زعفران و عاقرقرحا و
عاقرقرحا و خربق سفید و بذر النبج و فلفل سفید همه مساوی
یک یک وزن بود و چندان هر یک را اجزاء نرم کوبند و از حریر گذرا
بعده با عسل کفاف و اگر قند باشد خمیر کرده حب سازند و در
وقت احتیاج بکار برند و از امام محمد تقی عم مرویست که ابتدا
بجهت سردی معده و خفقان قلب یک حب تریاک تبره پخته بخورد
شفا یابد و فرمودند که بجهت رفع جمیع امراض و دمی با باد نیست که
در پرده ضلع و عضو پیدا میشود یک حب اینرا باز عفران بر حوالی
او بمالند شفا یابد و اگر حب ترایاب برسد بخورد بجهت سهال نافع
است و از حضرت امام رضا عم منقولست که یک حب را با آب مورد
پخته کرده بخورد نافع است از برای درد پهلو و است با آب جشیر
با آب زیره که پخته باشند از برای درد پهلو یجیب با آب بیشه کر نموکر
پخته باشند بخورد و خواص دوا را در احادیث معتبر مفصل باشد
بنابر اغتصای مکان اختصار شد والله اعلم ذکر معالجه بهق
در بحر المنافع آورده اند که ابو علی ابو طوق مالند دفع شود و امتیاد
دفع جذام و اکلها این اعمار بخوانند و بنویسند و با خود دارد بسم الله
الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب الحمد لله

فاطر السموات والارض جاعل الملئکة رسلا اولی اجنحة مثنی
و ثلاث و رباع باسم فلان بن فلان و از حضرت امام جعفر صادق
مرویست که خوردن شلغم خوره را میگذارد خواه پخته خواه خام
و از حضرت امیر المؤمنین عم مرویست که شارب گرفتن دره رجمعه
امان است از خوره اطبا از جهت اکله و تجفیف قروح آن گفته اند
مجربست موی سوخته دو جزو پوست پیاز سوخته یک جزو تخم
بادنجان بو داده نیم جزو کافور قیصوری زرور نمایند از انجمله این
زرور بجهت قروح و اکله ساخته و بواسیر الانف و بواسیر مجرب
استخوان سوخته رحم یا سوخته صبر زرد بالسویه زرور نمایند و هم
چنین برای عذاب خشک از زرور نمایند بجهت اکله بی حد بل است و
ضماد برای زرد اینها صبنت طرد ایضا اشامیدن سلاحه کر
بول بز کوهیست که در سنگلاخها بهم میشود هر روز با سکنجبین
تا چهل روز شفا بجذام نیکوز است اند اگر چه بجد ریختن اطراف
رسیده باشد اما معالجه جرب و حکه و قوبا و نفرس فاما قوبا علینت که
پوستش انقشعر نماید و قشع شود و بهم برزانند و مجروح دارد و اما
نفرس علیتست که سوراخهای خورد در اندام پیدا شود و اگر گوشت
بران بندد بخورد و در فصل دمل دطای ان گذشت و در ذکر معالجه
سرطان نیز بعضی از آن دو تبرمذکور شد و اطبا ضماد شبر الجبر را علاج
جو بجاجرب و قبنفرح و قوبا و کلف و بجو دانسته اند و گفته اند جعل را با

خواص

هر که با خود دارد در دنیا و آخرت سعید باشد

... ان اصحاب الجنة الیوم فی شغل فاکهون ...

هر که با خود دارد از جن و انس ایمن باشد ...

... علی الارائک متکئون ...

سلام قولا من رب رحیم

سوره یس

... الیوم ایها المجرمون ... هر که درد چشم داشته باشد بنویسد و با خود دارد ... الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین ...

بابا سنابید بر ثالول و فوبا بمالند در داو زایل کردد و طلای
کتیرا با بوره و کوکرد جهت جرب و حکه و با سرکه جهت بهق و برص العا با بمالند
جهت شو شدن مو مجرب دانسته اند و طلا نمودن مغز تخم کدو و هندوانه
وانیز با شیر دختران جهت حکه که با حرارت باشد از مجربات است و وبلا
از این کتر شتکه صبر مولا با آب کاسنی با آب کشنیز با آب بار نتنا سنابید
تا غلیظ کردد با روغن کل و با دام بالسویه بر سرطان منفرج و جرب
خارو حکه و اورام ضمادا نمایند نافع و نیکو دانسته اند و بدستور خشخاش
مسحوق با سرکه و هم چنین صبر زرد و نشاسته و آب کاسنی جهت دفع حکه
که با حرارت باشد موثر است واز حضرت امام علی النقی ع مروی
و بستکه هر که خرمای برنیرا بخورد کند دهانش بر طرف شود و از حضرت
امام رضا ع مرویست که بخور بعد انجیر را اکر برای دفع قولنج نافعست و
و نمود کند دهان را بر طرف میکند و استخوان را محکم میکند و بخور دادن
بدن می رویاند و درد دهان را می برد و مضمضه کردن جزو با سرکه
جهت بدبوی زیر بغل دهان واستحکام لثه و اسنان و قلاع موثر
دانسته اند و بجهت بدبوی زیر بغل اطبا گفته اند که اول موی زیر ابط
تیغ خدشها نموده ایند و اولا البته نا قدری خون دفع شود و بعد
از یکشبانه روز موضع را بشویند و نصبر بح نموده اند که دیگر ... منکنند
و مجربست راس خسک محرق و زراوند طویل محرق و زجاج فرعونی
و زعفران از هر یک جزوی با آب مورد تازه بسرشند و قرص بسازند و بجهة

باب خواص

... انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون ...

... الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون ...

جهت ذات الجنب

... ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون ...

یس

... ولو نشاء لمسخناهم علی مکانتهم فما استطاعوا مضیا ولا یرجعون ...

بجهت دفع ...

بدبوی عرق بغایت مجربست مرزنجوش و بوئیدن مغفول خاکستر
سوسن و صبر زرد کل سرخ بالسویه با کلاب و امثال آن طلا کنند
بجهة بدبوی انکشتان پای بستن برک تازهٔ سوسن از مجربات است و
بجهة بدبوی زیر بغل کنجدان سلیخه صندل سنبل الطیب مرصافی
مثلا از هر یک سه جزو کافور نیم جزو با کلاب حل ساز د و استعمال
نماید بجهة ورم از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که
هر ورمیکه در بدن بهم رسد و نترسیکه بجای بد برسد در آن وقت
وضو بساز د از برای نماز واجب پیش از نماز بر آن ورم لو انزلنا تا آخر
سوره حشر بخوان و بر آن بدم چون چنین کنی بزودی نیکو کردد
و در خواص آیات قرآن آورده اند که سه روز متوالی هر روز
هفت مرتبه این آیه را بخوان و بعد از روز سیم بر جام آبکینه زعفران
بنویسید و با آب باران بشوید و بخورد زایل کردد و از خواص ابو
حروف بنویسید و بر صاحب ورم بندد یا بورم بنویسید فرونشیند
وج ادوه ی طح ورم حد شد بکو از حضرت امام محمد
باقر ع مرویست که بر ورم دو سه بار آیات آخر سوره حشر بر آن
بخوان و در هر مرتبه آب دهان را بر آن موضع بینداز ساکن کردد و
در فصل دفع دمل و فرح نیز افسونی بجهة ورم نیز مذکور شد
فصل نهم در معالجه صنتو سرفه و ... از حضرت امام جعفر
صادق ع وارد شده که در معالجه زکام بینی را بروغن بنفشه

الوده کند در وقت خواب بر مقعد نهد زکام دفع شود و در
چند روایت وارد شده که زکام را معالجه نکنید و در روایت دیگر
فرموده اند که یک دانگ سیاه دانه و نیم دانگ کندش را نرم بکوبند
و در دماغ بدمند زکام برطرف گردد و اطبا بجهة زکام سیاه دانه
را برو بسنک تافته ریختن و دود انرا استشمام کنند نافعست
وایضا سیاه دانه را نیم کوفته کرده قطره اب نمک پاشند نیم کرم بو
بستن بدون کوبیدن بطریق مذکور استعمال نمودن بسیار
نافعست واگر زکام بسته شده باشد وخواهد کشوده شود
اما معالجه ضیق النفس در روایت امده که مفضل بخدمت
حضرت صادق عرض کرد که تنگی نفس دارم کاه کاهی بمرتبه
نفسم تنگ میشود که میترسم فرمود که بول شتر بخور تا ساکن شود
ایضا معالجه سرفه در حدیث حسن مرویست که شخصی بخدمت
امام حسن عرض کرد از سرفه فرمود که قدری ابخدان رومی را با شکر
قدر بنات سفوف کن و یکی دو روز بخور الشخص که گفت یک
دفعه خوردم برطرف شد و بروایت دیگر مرویست که شخصی بخدمت
حضرت امام رضا عرض کرد از سرفه و چه بد هر روش شکایت
کرد حضرت فرمود که بگیر از فلفل سفید و خربق سفید و سنبل
و فلفل از هر یک جزوی و از فرفیون دو جزو بکوب و با زنجبیل
کن با عسل کف گرفته سرشته کن و از برای سرفه تازه و کهنه

بکحبد از ان با اب نیم گرم در وقت خواب بخورد در خزائن الاسرار مذ
کور است که حضرت صادق فرمود که هر که سوره زخرف را بنویسد و
باب باران بشوید و کسیکه سرفه کند از ان بیاشامد شفا یابد
در بحر المنافع اورده اند که هر که سوره طارق را بر چیزی بنویسد
و بخورد دیگر اورا سرفه عارض نشود فصل نهم در دفع شقاق
و ترکیدن دست و پا دفع ثولات و بادها تضمید ضماد فرعون
الثعلب بر شقاق دست و پا بسیار مفید است و طلای کثیرا بجهة
شقاق لب مجربست و بجهة شقاق ازموده است که زاج و صبر را
بالسویه با نفت سیاه بمالد و دست از دنبه انش بدارد بجهة شقاق
پاشنه پا و کف پا پنج مثقال مرداسنگ با بیست مثقال روغن زیتون
بجوشانند تا بقوام رسد بعد از ان پا را در اب گرم کذاشته پاک
شود ضماد نمایند و قدری از اطبا اکرم نموده در شقاق بچکانند
و سنو پیه بز یکدانه و پنج مثقال عفص سائیده مانند غبار
نمایند و با پیه مخلوط کرده در شقاق بریزند نافعست اما دفع
ثولول و بادها بسر دو عنره بسیار تجربه نموده اند که هر گاه سوره
قدر را بر رشته که تا بالغ رشته باشد هفت لا کرده هفت مرتبه
بر ان بخوانند و بر ان بدمد و گره زده بگویند عقدت ثولول فلان
بن فلان بقوله و ننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين و
ثاتولها ان رشته را با خود دارد دفع شود انشاء الله و در نسخه دیگر بنظر

بسبد که مبد سنور مذکور بران رشته هفت گره بسته این آیات را بر
خوانند و در هر نوبت گرهی بزنند و بران دمند و چون تمام شود آن رشته
بر انگشت وسطی و خنصر ببندد و بعد از شفا یافتن از آن باز کند
که مجربست بسم الله الرحمن الرحيم كهيعص ذكر رحمت ربك عبده
زكريا اذ نادى ربه نداء خفيا قال رب اني وهن العظم مني واشتعل
الرأس شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا فمن كان منكم مريضا
او به اذى من رأسه ففدية من صيام او صدقة او نسك وننزل
من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين و بجهت زایل شدن ناخنه
روبینه و منع آن در چشم بهم زنند و اگر زایل نشود در چشم فی ف
والا در چشم طا و الا در چشم جیم تا زایل گردد و هم بجهت المنا
فع آورده اند که از جهت نزله و سایر بادها که در بدن بهم میرسد
سنگدان خروس را بیاورد و همراه خود نگاه دارد هر باد فاسد که
در بدن او باشد تحلیل یابد باذن الله تعالی بجهت باد نزله و درد
دندان این کلمه را بنویسد و منع آن کوچکی در میان حروف اول بود و اد
رو بنویسد بگوید و اگر برطرف نشود در میان حروف دوم و هم چنین تا آخر
برطرف شود بلطف الله تعالی در معالجه درد ضربه و کوفته شدن
اعضا مجرب است که موم را با شاخ بز داغ کرده و پخته در موضع
درد ببندد و در مجرب المنافع آورده اند که اگر کسی را زخم و ضربه
با چوب رسیده شده باشد سنگ باز روید چوب با ها بلیله و درد و غن انداز بر مو

کر کبر السیب مانندان اسفرنگ زده باشد و از دردان سفرا و تابله
جا صبر را در آب ترکند بر موضع درد ببندد و از اول افتاب زود زود
بر بالای موضع بر بزرد درد ساکن گردد **فصل یازدهم** در دد
نع خیالات فاسد و وسواس و آرزوها در خواص قرآنی مذ
کور است که چون کسی را خیالات فاسد و تشویش روی دهد این
آیات را او بخواند زایل گردد و اگر بر قطعه صوف کبود با ورق آهو
نویسد و بر کسیکه او را از جن و پری زحمت رسیده باشد ببندد ایمن
گردد واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة
حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي آذانهم
وقرا واذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على ادبارهم
نفورا فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم در ترجمه بحث دیگر وارد شده که شخصی با آنحضرت
عرض کرد که از آرزوهای بسیار کردن و وسواسهای سینه از آن
[illegible] آنحضرت فرمودند که دست بر سینه بکش و بگو بسم الله الرحمن
الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم امح عني ما اجد
پس دست بر شکم بمال و سه مرتبه این دعا را بخوان [illegible]
[illegible] زایل گردد بمعالجه جبر اشکستن و افتادن در کتاب
مکارم الاخلاق آورده اند که هرگاه را عضوی از آنها بجای افکند
یکی ابهر را بخوان و [illegible] انگشتان خود را بشکند که با وارا [illegible]

تحفة الغرائب

باسم فلان بن فلان نیکو کردد الم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی
افلا یؤمنون **در معالجه درد ضربت و کوفتگی**
اعضا بتجربه رسیده کره سوسن را با شاخ و برگ کرفته و بچند
بر موضع درد ببندد دایم آورده اند که اگر کسیرا زخم و ضرب
خشت یا چوب رسیده باشد زرد چوبه را با اهلیله سیاه
و در روغن اندازد و باتش گرم کرده طلا نماید نیکو کردد
ایضا در دفع زیاد بول کردن و سلسل بول و
تقطیر البول و سیلان مذی و ودی
5 از عبد الله عباس مرویست که هر کرا بول بسیار آید دو اوقیه صبا
ابراهیم را بنا شتا هفت هفته بخوران تا شفا یابی در حدیث دیگر
منقولست که شخصی در خدمت امام محمد باقر عرض کرد از انکه بولش
قطع نمیشد همیشه قطره بول از او می آمد فرمود که اسپند را
بکیر و شش حصه با بسر دو یک حصه با بکرم بشوی و در
سایه خشک کن پس با روغن کاو چرب کن و سفوف نموده بخورد
و در کتاب مکارم الاخلاق آورده که بجهه بول
کردن اطفال در شب و دفع ان اینشکل ابو دفاهو نوشته
و بر انکس آویزد هف هف هد هد هف هات هات بالرکف

جواهر القرآن

کف هف هف فهم معز لهم قل هو الله احد الغالب من حدیث
بسخر العدا ملیس شیخ لبنی ادم کالتی سجد لادم الملائکة باذن الله
ابر کره بهر بیت و ولد فلان بن فلان ه ههه ه سد دث سد دث
بسورة صفر صفر ختمت بخاتم سلیمان بن داود عم لله رب العالمین
جهة قطع سیلان منی و ودی انیسفو فرا اطبا مجرب
دانسته اند تخم کاهو و تخم کاسنی و تخم بیخ انکشت سه درم سعد
و شاه دانج و دو درم کلنار یکدرم که هر شب از ان دو درم با اب
سرد نوشیدن و هم چنین خوردن یوسف تا بی کردکان را هر روز
دو مثقال بخورد جهة تقطیر البول نافعست و هم چنین زهره خفد را
با خاکستر چوب کرز با عسل آمیخته بخورد بجهة سلسل بول نافع آ
و هم چنین خوردن تخم کاهو را جهة نزله و زکام و تقطیر البول و
سیلان منی نافع یافته اند معجون فاسل البول و تقطیر البول و
سلسل البول نافعست بلوط مقشر صمغ عربی و سداب هر یک یک
درم کندر و حب الاس جوز بوا بسباسه قرنفل هلیله از هر یک
دو درم سعد شونیز از هر یک سه درم انجیر خشک پنج درم با
عسل بسرشند و قدر شربت از سه مثقال تا پنجمثقال در بحر المنافع
آورده اند که یوشیعه مرغابریان کرده خوردن بجهة تقطیر
البول نافعست از خواص این ابراست که بنویسد و بخورد و دیگر
بنویسد بر کربند بول و مذی و ودی زایل میشود و الله اعلم

جواهر القرآن

قدره والارض جمیعا قبضته والسموات مطویات بیمینه سبحانه
وتعالی عما یشرکون فصل دوازدهم در دفع بیخوابی و
غلبهٔ خواب و احتلام و دیدن مطالب در خواب در جواهر القرآن
آورده اند که هر که در خواب بیند این آیه را بخواند و از حد ابتغ درجه
که هر وقت معین بخواهد از شب بیدار گردد قل انما انا بشر مثلکم
یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا
صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا ایضا آورده اند که هر که آیه
وذا النون ... انی کنت من الظالمین بر پوست آهو بنویسد در میان بندد
و بخواب رود بیدار شود تا ابند غاجدا نشود و اینه عابیما و ان
و بیخوابانرا مناسب است و در روایت دیگر از ان حضرت مروی است
هر که خواهد که در آخر شب بیدار شود برخیزد چون خواهد بخواب
رود این دعا را بخواند اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا
تجعلنی من الغافلین اقوم ساعة کذا و کذا حق تعالی موکل کرداند برای او
ملکی که او را از خواب بیدار کند و اگر خواهد که در شب بیدار باشد
این حروف را بنویسد و با خود نگاه دارد و بر بازو بندد خواب نیاید با مر حکیم
دارد و حروف اینست کطاع ک ٥٥٥ مماره خواید بک
از مشایخ ما منقول است که اگر خواهد کسی که یکی از انبیا را در خواب
بیند با سایر مردم این دعا را بخواند تا اینجا که این نصلی علیهم
وآل محمد است پس بگوید آن ترینی فلانا و بعد از ان سورهٔ والشمس

و واللیل و قدر و اخلاص را بخواند و بعد از ان صد مرتبه
سوره توحید را بخواند هر کس را که خواهد در خواب ببیند و سؤال
و جواب دین مبانی ایشان میشود در روایت دیگر آمده که این
حرز را هفت شب عمل باید کرد و در کتاب بلد الامین کفعمی
و از مشایخ دیگر که در کتب خود ذکر کرده اند که اگر کسی را حاجتی باشد
مهمی داشته باشد و مشکلی پیش آید و راه نبرد باید با طهارت در وقت
و لحاف پاکی بخوابد و زیر سر خواب او نباشد در وقت خواب
هر یک از سورهٔ والشمس و واللیل را بخواند و بعد از ان بگوید
اللهم اجعل لی من امری فرجا و مخرجا دو شب قول یا علیم یا
مفهم یا منجم شخصی در خواب او آید و بر شد آن مهم را بیان
نماید و از حضرت امام جعفر صادق ع وارد شده که اگر کسی را دزد
بطرف نگران باشد و خواهد که از اینجا بخبر دارد باشد و این
حروف را بر کف دست نویسد و بخوابد یکی از ارواح نزد او آید هر چه
از او سؤال کند جواب گوید بسم الله هبت هش هنت ٥ هه هه

هه ے ﷻ ٥ ٥ ٥ ٥ ٥ ٥ هه صم هت لا ⊠ ١١١١ ٯ
٥ م و و و مه ٥ ١١١ ٥ م ⊠ ١١١ هه ٯ و و و و و
ٯ ٩ ٥ ٥ ٥ ٥ ٥ ٥ ٥ ٥ ١١١ - ث ٥ ح ح ع ⊠ ١١١١١
لا ٥ ١١١١١ ٥ لا ٥ ١١١١ الا ٧ لماه طل ١١ سه ٥ ٥ ٧
و و و و و ٧ لا ٥ ٥ ٥ ٠ ٠ ع ٠ ٠ ـ ١١١ ٢١٩ ١٧٢٣

ایطم بنجم بر رسیده که هر که پیش آید و دران سحر
باشد با مرادی داشته باشد و خواهد که
بران مطلع باشد که مراد او روا میشود یا نه سوره
اذا زلزلت را در وقت خواب هفت بار بخواند و
بعد ازان بگوید یا ملائکة ربی بحق هذه السورة
انزلها و بحق من انزلت علیه و بحق اسم الله علیکم وانا فی النار فانبئونی
کلمها الی ان اخبر بمونی بخبر کذا وکذا و ذکر حاجت ذکر نماید بدرستیکه
ایشان طلب نماید باو در خواب بنماید ایضا گفته اند که اگر
کسی خواهد که بداند مهم و حاجتی که دارد روا میشود یا نه اینکه
بر ناخنها بد سنبچ بنویسد بخواباند اگر شیرینی در خواب بیند حاجت
برآید اگر ترش بیند نیاید افیست بر انگشت بزرگ هو انگشت
سبابه هوه انگشت وسطی ببیوه هو انگشت خنصر وو انگشت
انگشت بنصر افتادن جهت دفع احتلام هر کس که ترسد
در خواب محتلم شود چون بر تخت خواب رود این دعا را بخواند دفع
شود اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان
یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام ودر خواص سوره
والطارق مذکور است که در وقت خواب بخواند ایمن باشد باب
دوم در دفع شرور و بلیات و دران چند فصل است ف ۱
بجهت هر بلیه که در شب و روز واقع شود ان نیز اگر وقف موافق عدد

بسمله است بر ترتیب عدد و مطرح بعضی از ارباب علوم گفته اند با اشکال
که در حوالی ان نوشته شده و مظهر او مظهر اسما الله سبحانه و برهان
که در این باب بیان نموده اند آنست که بسمله نوزده حروفست بعدد
زبانیه دوزخ هر که ملازم او شود از ایشان ایمن باشد از شر روی
که نتایج قولی او باشد از نوزده کافر شمر میشود نجات یابد
و مراد از قوای حواس خمسه ظاهر اگر ان باصره و سامعه و ذائقه
ولامسه است و حواس خمسه باطنی که ان حس مشترک متخیله و
متوهمه و حافظه و خیالست پنج باطنی بنام شد و قوه شهویه
و غضبیه و هفت دیگر که طبیعیه است که غاذیه و نامیه و مولده
و محرکه و مدرکه و عاقله و علمیه است و گفته اند که از نتیجه الله تعالی
زبانیه دوزخ را نوزده کانه مقرر فرموده از برای هر قوه خزنه میباید
انکه این قواها منع شرور و سبله صدور باشد قوله تعالی ما اصابکم
من مصیبة فبما کسبت ایدیکم اشارة این قواها است همچنین هر
شبانه روزی بیست و چهار ساعت است پنج ساعت از ان پنج وقت
نماز است و نوزده ساعت دیگر باقی می ماند بسمله از منت و مواظبت
بسمله از شر و آفات و بلیات که در این ساعات میشود نجات خاص
شود زیرا که حروفات بعدد ساعات میشود و فی هذا یکفیه العاقل
یکفیه الاشارة و از برای این نوع خواص بسیار است اکتفا نشد

۸۱	۲۲	۹۹۱	۹۱
جی	۹۰۵	۱۰۹	۱۰۲
۴۹	۲۹۷	۱۹۳	۱۹۷

الرحمن الرحیم جهة درد دهان و قلاع

از قلاع و جوشش و درد کام و گلو وغیره مرویست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد و شکایت کرد از درد دهان آنجناب فرمود که دست بر دهان بگذارد و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء و اعوذ بکلمات الله الذی لا یضر معها شیء قدوس اللهم اسالک باسمک الطاهر المقدس المبارک الذی من سألک به اعطیته و من دعاک به اجبته اسئلک یا الله یا الله ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعافینی مما اجد فی فمی و فی راسی و فی سمعی و فی بصری و فی بطنی و فی ظهری و فی رجلی و فی جوارحی و در بحر المنافع آورده اند که بجهة درد دهان از اول سوره طه تا قوله العرش استوی مذکور ساخته اگر بنویسند و بجهة سفیدی و جوشش که در دهان بهم رسد اینکلمات را سه روز بنا شتا بخواند هر روز سه بار و پنبه در دهان صاحب علت نهد و بخواند تا تمام شود و بعد پنبه را بر زمین نهد

پنبه دیگر بردارد و باز دعا را بخواند هم چنین سه بار پس پنبه روز اول و دوم را در آب اندازد و پنبه روز سیم را در آتش اندازد و بسوزاند یا بعوض آب بلبشوئی یا از پشا ریشا بیرون رود از دهان او بنده خدا بنام جبرائیل و بنام میکائیل و بنام اسرافیل و بنام عزرائیل من تربیتو کرد نکنم بگیر هفت پنبه سفید اگر نمیرد بنام خدا هذا شافی هذا کافی هذا معافی و ننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا جهة اماس لب که از ترکیدن بهم رسد بر روغن خواند و بر آن مالد بسم الله الرحمن الرحیم قل الله شهید بینی و بینکم انه کان بعباده خبیرا بصیرا فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم و حسبی الله و نعم الوکیل و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم جهة کلیه و هر زخمیکه در بدن باشد بعد از زخم پنبه بردارد و بر زخم گذارد و این دعا را بخواند سه مرتبه و بعد از آن این سه پنبه را در آب نداز د و روز دوم نیز با این طریق بخواند و در آب نداز د و روز سیم نیز سه مرتبه این دعا را بخواند بطریق سابق و در آتش اندازد بسم الله الرحمن الرحیم بنام انخدائی که نوح این او دنیا خواند او زبور شرا هیا و بنام صد بیست و چهار هزار پیغمبر اول آدم و آخر محمد ص علیهم این درد نوچه دردی بود این کوچکی و بفعل این ورم بزرگی کوشش مجوز دربی و استخوان بکذا خبی انا الراقی و الله الشافی اخرج ایملعون اگر یکی و اگر دوئی و اگر

تحفة الغرائب

نزمے واگر فادہ خواہم کہ بدبن پلینبر بعوذ باللہ محمد رسول اللہ علیا
ولی اللہ **اطبا گفتہ اند** کہ لب ترکیدن بلعاب کیترا و بدانہ
بنکو طلا کنند و اطبا روغن بنفشہ و پیہ بر طلا کنند و شاخ
گاو کوہی سوختہ بدان بیامیزند طلا کنند و پوست تنکی کہ بر
بیضہ کشیدہ بران نہند نافع است وہم چنین شبیہ چینہ خرزہ
کہ در میانہ مینا شد تر دبلہا میا میز بران چسبید نافع است

علاج درد کام در بحر المنافع آوردہ اند کہ ابن آیات را
بنویسد و بشوید و بآبان مضمضہ کنند قال من یحی العظام
وہی رمیم الی قولہ وہو الخلاق العلیم ولہ ما سکن فی اللیل وا
لنہار وہو السمیع العلیم **و اطبا گفتہ اند** کہ غرغرہ کردن بطبیخ
برگ آجاس و بیخ آو جہۃ ورم از لہات و منع نزلات دماغ و
ورم نور بین و تقویت بن دندان مجرب دانستہ اند کہ خوردن انجیر
درد دہان را مبرد و مضمضہ جلنار با سرکہ لثہ و اسنان و قلاع
نافع است و ذرود نوت سبا عشک جہۃ جوشش دہان و
اسنان زاج ہندیہ ازرق شفاف ظاہر نو میا بہند عبارت
ازان باشد و مانو فل جہۃ درد دندان و حرکتان و تقویت لثہ
و خاکستر بیخ کرپت جہۃ قلاع و غرغرہ جہۃ لثہ و دم و لہات
نافع است و ہم چنین ذرد و ابل ظہور و قلا مضمضہ باب برگ
علیق کہ دیلے نبوش کوبند و برگے بکو رسکان کوبند یا بید

تحفة الغرائب

تنک و انبجہ و سر کہ در او عدس و خبازیہ و شاخہا تازہ
تاک وارد جوشانیدہ باشند و مضمضہ کردن و بدستور کزمازج
و گلنار و کشنیز خشک و پوست انار و عفص جوشانیدہ مضمضہ
نمایند و بجہۃ قلاع بلغم نو بجا سف یعنی بو مادران و برگ زیتون
و پوست انار و عفص را بالسویہ جوشانیدہ نمایند نافعست
و زرد و برگ عناب نیز بجد بل امد معما **جہۃ درد گلو**
نوکرد بہما اول سورہ بنی اسرائیل تا بہ و از سورہ الرحمن بنویسد
نیا خود دارد بسم اللہ الرحمن الرحیم سبحان الذی اسری
بعبدہ لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا
حولہ لنریہ من آیاتنا انہ ہو السمیع البصیر بسم اللہ الرحمن الرحیم
الرحمن علم القرآن اما بجہۃ دفع درد گلو و نائے و کرفتن کام
بنویسد و باخود دارد فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون
ایضاً بجہۃ گلو و آماس کردن و درد دندان بخواند الم
تر انا ارسلنا الشیاطین علی الکافرین **معالجہ زالو کہ**
بگلو چسبیدہ باشد اینکلمات را بآب نان خواند بخود زالو
بیرون آید فتحا فتحا نصراً نصراً یا ذا الجلال والاکرام اے زالو از
گلوے فلان بیرون آے بافرو شو بحق النبی علیہ السلام **اطبا**
مجرب دانستہ اند بجہۃ اخراج زالو کہ بحلق چسبیدہ باشد بلع
طحلب یعنی جامہ وزغ در دہنا عذاب کرم ازپے انشا مید کہ

تحفة الغرائب

باعث فی میشود و اورا بیرون میاورد و مغز فلوس را شکر
هر کرز الو بجلق رفته باشد آب کشنیز را مضمضه کند شفا یابد
و اگر زالو بجلق فاغ کسے برود خاک نبنا کورا استنشاق کند فرود
آید **معالجه درد دندان** از حضرت امیر المومنین ع
میجهد در فی دندان دست بر موضع سجود نمال و بر موضع مکرر
میکند بمال و بگو بسم الله الشافی ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم و دیگر شخصے بخدمت حضرت صادق ع شکایت
کرد از درد دندان و گفت از بیداری درد دندان شبها نتیج
و نمود هر گاه اثرش ظاهر گردد دست بر آن موضع نهد و سوره
حمد و توحید را بخواند و بعد از آن این آیه را بخوان و ترے
الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء
انه خبیر بما تفعلون **طریقه دیگر** از حضرت امام موسی کاظم
مرویست که برای درد دندان سعد را بران بکنان و نمود که شرکه
از شراب بعمل آمده باشد بن دندان را محکم کند **جهت دندان**
طفل که آسان بر آید مغز کوسفند بر دهن و بر دندان طفل بما
باسانی بر آید و درد نه بیند **معالجه صبر الاسنان** یعنی دندان
بهم زدن طفل این شکل را او بند بسم الله الرحمن الرحیم معموم
همیج ادمون و اطیّنا معالجه صبر الاسنان و امتحان کرده اند
مشایخ کهنه اندی که اگر عارض شود علاج آن چوب کرده تشبیر

تحفة الغرائب

زنبق و چیزے تناول نمودن کلفند و از بابخ و شراب بالنگو و
بنفشه بجبا بارج و فوفا بانزنا فع است و علاج شمرده اند و
از جمله اسرار است که بجهت صبر الاسنان اطفال تعلیق میکنی که
درچینه دان خروس است و استخوان کون **دیر معالجه کرم**
دندان و خون بن دندان مرویست که جبرئیل ع این تعویذ را برای
امام حسین ع آورد بجهت درد دندان کرم خورده چوبے با هنے بران دندان
گذارد و هفت مرتبه این آیه را بخواند العجب کل العجب دوده تکون
فی الفم تاکل العظم و تذر اللحم انا الراقی والله الشافی الکافی لا اله
الا الله والحمد لله رب العالمین و اذ قتلتم نفسا فادارأتم والله مخرج
ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم
آیاته لعلکم تعقلون و بدستور دیگر میخ بگیرد و سوره حمد را و توحید
هر یک سه بار بخواند و بگوید من یحیی العظام و هی رمیم با ضرس
فلان بن فلان کشته باشد فورا یک حنظل که تازه رسیده باشد و
زرد شده باشد بگیرد بکارد نامش و سر شرا سوراخ کند و کارد بے
او را خکند و مغز شرا بر اشند همواریکه سوراخ نشود پس سر که
نند بکر از شراب بعمل آمده باشد در سوراخ بریزند و بروے آتش گذارد
که بسیار بجوشد پس بردارد و هر وقت که محتاج گردد بقدر دو ناخنے
بگیرد و بر دندانها و دهان بمالد بعد از آن بسر که مضمضه کند و اگر
خواهد بخورد در مبادا خطر است بر چشمه با طرف دیگر خالے کند

ابش خالے شود و بر طرف شود سر کہ برد و بش بر زند و ہر چند بخشد
شود و نقش بشبر شود **معالجہ دفع لکنت زبان و**
حصول فصاحت و دفع سلاطت این آیات نوشتہ بہچہ کود کے کہ
سخن نکند و یا دیر بسخن آید و برا و برد بسخن آید انشاء اللہ ما لکم لا تنطقون
اقرا باسم ربک الذی خلق خلق الانسان من علق اقرا و ربک الاکرم
الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم لا یتکلمون الا من اذن لہ الرحمن
و قال صوابا **نوع دیگر** در خزائن الاسرار وارد شدہ کہ اگر طفلے دیر
بسخن آید یا در سخن گفتن زبان او گرفتہ شود سورہ بنی اسرائیل را
بمشک و زعفران بنویسد و بشوید و بیاشامد زبان وے کشادہ
گردد باذن اللہ تعالیٰ **معالجہ حدت زبان** در خزائن الاسرار
آوردہ کہ ہر کہ این آیہ لا یحب اللہ الجہر بالسوء من القول الا من ظلم و
کان اللہ سمیعا بصیرا را بنویسد و بر کسے بندد کہ بسیار گو و معجب
باشد خاموش و کم سخن گردد و اگر زن سلیطہ و بد زبان باشد
این آیہ را بر قطعہ جامہ سفید نویسد کہ از کرباس پیراہن کردہ باشند
و آن پیراہن را در روز جمعہ بریدہ باشند در استان سرش او دفن
کنند زبان او کوتاہ گردد و ہم چنین از حضرت صادق روایت کردہ
اند کہ ہر کہ سورہ زخرف را بنویسد و بآب باران حل کردہ بزن سلیطہ
بخوراند خوش زبان گردد **لقطع الرعاف** یعنے خون دماغ
منقول است کہ بر پیشانی او بنویسد یا ارض ابلعی تا آخر آیہ و در کتاب

مکارم الاخلاق آوردہ کہ از لہان خون یا زعفران آیہ مذکور
بر پیشانی نویسد و اما نوشتن آیہ کہ بعمد بخون میجرمنے و نامشروع
و ناواضح باشد و ہمچنین آوردہ اند کہ بنویسد و بر بینے انکس کہ بر
بجہہ قطع خون یا من حل الفیل من بیتک الحرام اسکن دم فلان
بن فلان **معالجہ حبس خون** از ہر جا کہ باشد چہ
رعاف و چہ غیر آن بخواند و بر آن موضع دست بسم اللہ
الرحمن الرحیم ما قطعتم من لینۃ او ترکتموہا قائمۃ علی اصولہا
فباذن اللہ و لیخزی **نوع دیگر** از کتاب بحر بجات بجہت
دفع رعاف و احتباس خون آن ذکر کردہ اند کہ از آن خون خود
منشکل را از خون حنا بر پیشانی نویسد بسم کردد طب طب
مطب مطب طب طب مطب ابلم فنبلہ کہ بسفیدے تخم مرغ
آلودہ و با آہک مغسول اغشتہ در بینے گذاشتن مجرب دانستہ
اند ابلم سرگین کاو را سوختہ و خاکستر او را در بینے ریزند و
اگر تار عنکبوت را بجراحت تازہ کہ در بدن باشد بگذارند
بدون ورم خونش بند گردد **دفع درد شانہ** در
بحر المنافع آوردہ کہ از جہۃ درد بازو بنویسد و بر بازو بندد
و قیل یا ارض ابلعی تا آخر کہ در سابق ذکر شد سنشد عضدک
باخیک و نجعل لکما سلطانا درد بازوے راست ان الذین یبا
یعونک انما یبایعون اللہ ید اللہ فوق ایدیہم فمن نکث فانما ینکث

على نفسه ومن اوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما جهة
باذو بچپ بسمله واصحاب الشمال تا على الحنث العظيم وسوره واقعه
دردم رفيق چپ وما لنا الا نتوكل على الله وقد هدينا سبلنا و
لنصبرن على ما اذيتمونا وعلى الله فليتوكل المومنون اينجا
باخرمش وحاشيه آيت اونيز بنويسد بکر محاذي پستان باشد الى

بجهة ورم پستان و درد دندان و باد شدن شير پستان

زنان ارد باقلا ده مثقال تخم بادروج پنج مثقال با آب باد
روج و آب بيجان سرشته ضماد نمايد نافع دانسته اند ابطم
ضماد کردن ارد باقلا با سکنجبين بر پستان جهة ورم و درد
دندان مجربست اگر بجهة بسته شدن شير باشد علامت
انتفاخ و صلابت و درد ان پستان خرقه را با سرکه تر کنند
و بران نهند و اگر حرارت ان عظيم باشد ارد باقلا و جو و ماش
با آب کشنيز و آب خرفه و سفيده تخم مرغ طلا نمايند و ضماد ارد
عدس با آب برگ کرفس جهة ورم پستان و انجماد شير بين نيز
نافع است **دفع درد طپيدن دل** و فزع و دلتنگي
ان در کتاب مکارم الاخلاق آورده درد دل ابتر و اذا قرأت
القران فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم را با معوذتين هم
خوانند و بنويسد و بوي بخورانند نيکو گردد نوع ديگر
اين آيات را بر آب خوانند و بيا شامد بنويسد و بو کردن و نيز بسم الله الرحمن
ربنا لا تزغ قلوبنا وحسن الخ از سوره آل عمران و امير فلئن انجيتنا
من هذه لنكونن من الشاكرين **دفع درد معده** و رفع بلغم و سودا
و رطوبت و صفرا و بيش مزاج در خزانة الاسرار آورده که ابر

از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که هفت خرماي عجوه را
در وقت خواب بخورد کرمهاي معده را ميکشد و از حضرت امام
جعفر صادق عم وارد است که بخورد سرکه را که از شراب ساخته
باشند کرمهاي معده را ميکشد و اطبا خوردن دو مثقال
تخم امرود را جهة کشتن کرم معده مجربست و همچنين قشر
بيخ شهد انج و گذاشتن ضماد از خارج کشنده کرم معده
اند از حب الفرح ميگويند و همچنين ضماد برگ الو را با سرکه جهة
کرم معده مجرب دانسته اند جهة **درد شکم** آية الکرسي را به
مشک و زعفران بر طبقي بنويسد و بشويد و بخورد در ساعت
شفا يابد و اگر اين آيه را هفت بار بخواند و دست بر شکم ماله
شفا يابد وله ما سکن في الليل والنهار وهو السميع العليم وله
من في السموات والارض طوعا وکرها واليه ترجعون در
بحر المنافع آورده اند که جهة قراقر شکم و درد ناف و کرم
حب الفرح بسم بار چهل بخواند هر روز بر ان بخورد تا
روز بکذرد درد و زهر هيچ چيزي تلخ بخورد و صحت يابد نوع
ينفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب سليم علاج بلغم و صفرا
و سودا و رطوبت در خزانة الاسرار آورده که براي دفع صفرا
سوره قدر را بر روغن گل خواند قدري شير زنان ايران اضافه
و بدن را بان چرب کنند تا فصست و از براي ازاله بلغم و دفع رطوبت

معلم درد

جهة بلغم

از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای برنی را بنا شتا بخورد بعد
اب بخور چنانکرد مزاج او مستقیم شد تو صد بکرد درد مکنون
اورده که هر که بسیار انشکم را بعکوید حدث رطوبا از جمله ای که در
وقت خواب از دهان سیلان میکند جذب کرده شود و بعد نزا
قوه دهد و فوایظ ظاهری و باطنی را تقویت دهد و اطبا جوانند
سفر بجهت جذب بلغم دماغی و تحصیل طوبت معده و تنقیه حلق
از اخلاط لزجه نیکو دانسته اند **دفع درد پشت و کمر**
در خواص ایات قرانی مذکور است که هر کہ از سوره انبیا ایه
اِنَّ الَّذِيْنَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِّنَّا الْحُسْنٰى اُولٰٓئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُوْنَ لَا
يَسْمَعُوْنَ حَسِيْسَهَا وَهُمْ فِيْمَا اشْتَهَتْ خَالِدُوْنَ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْاَكْبَرُ وَتَتَلَقّٰىهُمُ
الْمَلٰٓئِكَةُ هٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِيْ كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ را بر ظرف پاکی بنویسد
بنویسد و بپیاله اب کر اب خد ببد باشد بشوید و بمریض دهد
که سه جرعه از ان اب بیاشامد و قدری از ان بر پشت او بپاشند
و در وقتیکه درد او بشدت رسیده سه روز باین دستور
عمل نماید شفا یابد و اگر از ابر و غن زیتون از ظرف محو نماید و
از روغن ابر پشت بمالد درد را زایل کند و در حدیث امده که اسمعیل
فرزند امام جعفر صادق ع بخدمت پدر خود از درد پشت شکایت
نمود حضرت فرمود تا بر پشت خوابید این ایه را بخواند بسم الله
و بالله و صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها

جهت درد دل دست بران نهد مکرر بخواند میرزا جی باغ
دلندی وارد شده که سوره الرحمن را نوشتن و شستن و خو
دن باعث شفاست و الم نشرح را بر درد دل بخواند نیکو
گردد و باز وارد است که از برای درد دل نوشته باب لندو
ابن را بخورد بسم الله الرحمن الرحیم و لئن انجیتنا من هذه
لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع و یولون الدبر بل الساعة
موعدهم والساعة ادهی و امر ان الله یمسک السموات والارض
ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا و از خواص این اشکال است که بر ناخن دست بنویسد
و بلیسد بجهت درد شکم مجرب است **دفع درد ناف** مرویست
که شخصی بخدمت حضرت صادق از درد ناف شکایت کرد فر
مود که دست بر موضع درد گذار و سه مرتبه ایه لکتاب عزیز
لا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید
معالجه سپرز از حضرت امام زین العابدین ع مرو
یستکه برای درد سپرز این ایه را با زعفران بنویسد و با ب
زمزم بشوید و بخورد شفا یابد از اخر سوره بنی اسرائیل قل
ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی الی قوله
و کبره تکبیرا **دفع قولنج** و قراقر شکم حمد و معوذتین را
بر فالج و قولنج و باد مفاصل بخواند و بعد از این ایه عا

شکایت کرد فرمود چه مانع است ترا از خوردن سپندانه
با عسل اما معالجه نفخ شکم اینست که این را بخوانند و دست
بر شکم مالد بسم الله اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و
بعث محمدا بالحق نبیا پس سه مرتبه بگوید یا ارحم اخر حینی باذن
الله تعم ایضا بجهت بیرون رفتن بادی که بعد از خوردن طعام در شکم ایجاد کند
معده و شکم هفت مرتبه بمالد و در هر مرتبه بگوید صلی الله
علی محمد وال محمد البشر نیکو کردند اطبا از برای مراق شکم بروغن
بید انجیر و سفوف دو سه دانه از بادیان مسحوق و بجز کلد
از عقب با عرق برنجاسف یا از بادیان را نافع دانسته اند علاج استو
که باصطلاح خراسان رگ ابو خوانند قطعه کاغذی برای ...
بالای آن رگ که در حوالی ناف باشد گذارند و سوره مبارکه تبت
بخوانند بر هفت مبین که هر یک بنوک کارد خطی بکشند مشروط
بر آنکه چهار خط را در طول بکشند و سه خط را در عرض بنوعی که
خطوط عرض خطوط طولانی را تقاطع نماید و بعد از آن
کاغذ را برداشته در سایه گذارند که آفتاب بر آن نتابد تا خشک شود
کل خشک شود آن رگ بر جا شود بحول و قوة الله

در دفع زحیر و پیچش شکم و درد و اسهال

مرویست که شخصی خدمت حضرت صادق ع عرض کرد که فرمودای بنکبر

و از حضرت امام موسی کاظم ع مرویست که بجهة پیچش ناف یعنی
دردی که در معده بسبب سوء هضم و چیز ثقیل خوردن بهم
رسد این آیات را بر آب خوانند و بخورد و دست بشکم مالد نافع باشد
یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر و لتکملوا العدة اولم یر
الذین کفروا ان السموات والارض ... فلا یؤمنون معالجه
اسهال از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که بجهة دفع اسهال
قدری برنج بگیرد و بشوید در سایه بخشکاند و در روی آتش
بو دهد و نرم بکوبد و هر بامداد یک کف از آن بخورد و در روایت
دیگر فرمود که بجهة اسهال برنج را در دیک کنند و آب بجوشانند
و چهار و پنج پارچه سنگ در زیر آتش بگذارند تا سرخ شود و بعد
قلوه تازه بگیرد با آن سنگها در میان کاسه بیندازد و سر کاسه را
بپوشانند تا بخارش بیرون نرود چون برنج پخته شود ابر روغن
برویش نریزد بخورد تا دفع شود و در کتاب کفعمی مذکور است
که حضرت امام رضا ع بصاحب اسهال فرمود که این دعا را
بخوان اللهم انی اسالک بوجهک الکریم و اسمائک العظیم و بعزتک
التی لا ترام و بقدرتک التی لا یمتنع منها شیء ان تفعل بی کذا و کذا ایضا
سوره ... را بنویسد و بشوید و بخورد که رفعش زایل شود بجهة
خون شکم هر روز بر نان بنویسد تا یک هفته ناشتا بخورد و ابتدا
از روز یکشنبه بسم الله الرحمن الرحیم لکیلا یعلم من بعد علم شیئا

در بحر المنافع آورده که بجهت درد کرده این آیات بنویسد و بشوید
و بخورد و با خود دارد لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه
و من اصدق من الله حدیثا ذلکم الله ربکم لا اله الا هو فاعبدوه
و هو علی کل شیء قدیر **معالجه درد جگر** وارد شده که این آیه
و ان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونها من بین فرث و دم
لبنا سائغا خالصا للشاربین بنویسد و بشوید و بخورد و نیز
وارد شده که آب مورد را با آب انار و نرنج و مغز جوز و بادام و عدس
با آب دیگر ضم کند و بدان ضماد نماید که بسیار نافع است و
از حضرت امام محمد باقر مرویست که شخصی نزد پیغمبر از درد جگر شکایت نمود
دعا کرد که حق تعالی وحی فرستاد که شیره انجیر را بگیر و در سینه
خود از برقان بمال چنانکه خوب شد **دفع استسقا** و
برقان و ذات الصدر و ذات الجنب و غیره و در بحر المنافع آورده
که بجهت استسقا که رو با آماس نهد و اثر پیدا شود و فرونشیند
آماس کردن و آن در وقت انگشت نهادن است این دعا را بنویسد
بر صاحب مرض بندد بسم الله الرحمن الرحیم و لو تقول علینا
بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین
فما منکم من احد عنه حاجزین که از سوره الحاقه است و لا یتمنونه
ابدا بما قدمت ایدیهم والله علیم بالظالمین قل ان الموت الذی
تفرون منه فانه ملاقیکم ثم تردون الی عالم الغیب و الشهادة

بکم لئن لم تنتهوا لنرجمنکم و لیمسنکم منا عذاب الیم این اشکال را
بنویسد و در نظر دارند و بسیار نظر کنند برقان
زائل شود **دفع سنگ مثانه و درد ران و ورم خصیه**

٨	٦	٧
٤	٧	٨
٢		٤

و ادره و حکه و قروح ذکر و خصیه و عسر بول از امام جعفر صادق
منقولست که بجهت درد مثانه این آیات را سه مرتبه بنویسد و بخوا
و بعد از بیدار شدن یکبار بخواند الم تعلم ان الله له ملک السموات
و الارض و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر **دیگر روایت**
دیگر جهت سنگ مثانه منقولست که هلیله و بلیله و فلفل و
دارفلفل و دارچینی و شقاقل و زنجبیل و انیسون و خولنجان
اجزا را مساوی بکوبند و بیزند و با روغن گاو تازه ممزوج
کنند و در برابر آن عسل صاف با شکر داخل کنند و
هر مرتبه بقدر یک فندق بخورند **و بجهت دفع سنگ گرده**
و در راه بول و فالج بعد از نماز شب این دعا را بخوانند اللهم انی
اعوذ بک دعاء الذلیل و ادعوک دعاء من اشتدت فاقته
و قلت حیلته و ضعف عمله و الح علیه البلاء بجهت سنگ مثانه
سوره الم نشرح را بنویسد و با آب بشوید و بخورد زائل شود **معالجه**
ادره یعنی خصیه مار باشد طلای زهره ماهی بغایت نافع
است و ضماد جهت ورم انثیین یعنی خایه ها تخم کشف با ربع آن
را از پانزده ساید با گلاب و سرکه ضماد نماید بدستور که

شسته مرهم و ضماد و ذرور بکار داده و اینچه کهنه باشد کنند و کاغذ
سوخته و پوست چوب سرو سوخته برا و استعمال نمایند معا
لجه حکه و خارش قضیب و خصیه انغضو را باب گرم بشویند و سفیده
تخم مرغ طلا کنند و اگر ساکن نشود زالو بچسپانند و ادویه حار را استعمال
نمایند و تنقیه و اسهال نمایند و اگر کسی را بول بی اختیار از قضیب
رود کندر رومی و شکر دو درم سه روز ناشتا بخورد جهة حبس
البول ابند و کلمه را بر ناخن پا بر بض بنویسد و اگر جوان باشد بر سم
او بنویسد اهکم مهکم مجرب است در معالجه عسر البول در خواص الایات
آورده که هر که این ایه ثم قست قلوبکم تا تعملون را جهة عسر البول و قولنج
وغیره بخواند و بر صاحب درد بدمد نیکو گردد طریقه دیگر
حمران گوید که بخدمت امام علی النقی ع نوشتم که جانم فدای تو باد
نزد ما یکی از دوستان شما تقیس نام حبس البول دارد و التماس دعا
از شما دارد که ببرکت آن شفا یابد آنحضرت در جواب نوشتند که
خدا ایشم دفع مضرت بکند و مکروهات را بزداید و بر دارد این
جهة حبس البول بر اشکال را بنویسد و در زیر ناف بندد در دفعتی
بسم الله الرحمن الرحیم یا سکیملها یا مکتفنا با دنیا سنا نواره
بلا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم این بنویسد و بشوید و
بخورد بول کشاده گردد از اول سوره طه تا بسمله تا تحت الثری
این جهة احتباس بول سپش زغله را در حلبل دوا کنند کشاده

بخود داد در موضع عورت بخود برهنه کرده تا موضع ان درد پیدا شد بر سبب چیز خود را بر موضع درد بنهد و ابند فارا بخوان بسم الله و بالله ... وجهه وهو محسن فله اجره

دفع بواسیر

عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون اللهم ...

معالجه بواسیر منقول است از جناب علی ابن ابیطالب ...

سوره یس با عسل بنویسد و بشوید و بخورد شفا یابد و بواسیر
نافع است و در بحر المنافع آورده که بجهة بواسیر این افسون را بر درد
است خوانند بعد از قضاء حاجت بر آن محل بمالد بسم الله الرحمن الرحیم
افارغی یا فارغی اذهب بامر الله این در وقت استنجا اب بکف
استنجا بر دارد و بر آن بخواند و استنجا کند چند روز در این باب
ید بر دستور عمل کند فقط شود ابلا ابیلا ابیلا ابلا ابیلا جو طهنی تنو
یم نموی و از حضرت امام رضا ع مرویست که ابند و ابجهد درد بواسیر
نافع است هلیله سیاه و بلیله و املج اجزا را مساوی بکوبند و از حریر بگذرا
نند و قدری مقل ازرق گرفته در اب کنند و آنرا بقدر عدس حب کنند
و در سایه بخشکانند و اگر در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورند
و در ایام دوا خوردن از خوردن ماهی و سرکه اجتناب نمایند و اطبا این
ضماد را بجهة بواسیر و شقاق مقعد و فرجه آن و اسهال بواسیر
نزف و حیض نافع دانسته اند سفیداب موم سفید حقص هر یک
جزوی گل خطمی مقل هر یک دو جزو و پیه بز سه جزو روغن گل چهار
جزو با زرده تخم مرغ طلا نمایند و نیز بخور ملخ بجهة بواسیر و عسر
البول نافع دانسته اند بجهة درد پشت و پا و زانو و زیر قد
وغیره مروی است که شخصی خدمت امیر المومنین از درد ران شکایت
کرد فرمود که اب گرمی در طشت کن و در میان نشین و دست بر درد
گذار و ابند فارا بخوان اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا

دفع درد

بسم الله الرحمن الرحیم ...

المومنین وللمومنات عرضت علیکم یا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم ه ه ه ه ه ب ر ٨ ء ء ع ع ع
ء ص ا بار فنیب مداوا حمرة کهنگو ودرد زانو بخمر
جزو تخم شلغم و زنجبیل و پوست حنار و سرنجان مساوی باید
دیگر کوفته و بیخته در عسل سرشته هر روز صبح و شام بخورد بقدر
قدر دو مثقال نیز نفع یابد در حدیث هر و بینکه شخصی خدمت
حضرت امام حسین ع عرض کرد که درد پا دارم آنحضرت فرمود که از
اول سوره انا فتحنا تا عزیزا حکیما بخوان و در حدیث دیگر هم
و بینکه سالم محمد بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد ساق
کفت مرا عاجز کرده از کار حضرت فرمود که این آیه را هفت بار بخوان
اتل ما اوحی الیک من ربک لا مبدل لکلماته ملتحدا مداوا
جهة درد پا بنویسد و با خود دارد از اول سوره انا امرالله
تا غفور شکور جهة درد انگشت فان علی النبی تا قدرا
مقدورا و اذا رایت الذین تا آخر آیه مداوا جهة درد پهلو و ق
پا و هر دردی و زخمیکه بوده باشد این آیه را بر کاغذ و سیاهی
بنویسد و در آن خوشبوئی کرده محو نماید و بانش کرم کرده
و بر موضع درد بندد درد ساکن کردد و اذا مس الانسان ضر
تا یعملون از سوره یونس جهة درد پی مرو بینکه بخدمت

خود داشته باشی و خطاب بجلال کن و بگو ابو احد کوران بگوید
جنة من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من
کل الثمرات و اصابه الکبر و له ذریة ضعفاء فاصابها اعصار
فیه نار فاحترقت کذا پس کلمه فاحترقت اشاره کن بسوی بجانب آنکه
که منظور است و نور ابدا و از او منکند و سه بگو اللهم طمه بالبلاء و عمه
بالالاء عما وارمه بحجارة من سجیل و طیرا ابابیل یا علی یا عظیم
پس در شب دوم و سیم نیز این عمل را بجا آورد اگر در ماه اول مراد
حاصل نشود در ماه دوم و سیم نیز عمل آورد در ماه چهارم باز
عمل نخواهد ماند و هرکه هر روز چهل و هفت مرتبه سوره
اخلاص را بخواند دشمن او فانی کردد و اکر نام یا حلیما علیما را
بر منبر پاره کاغذ بنویسد بر نکار دوا زیاد و بزد هر کس را که خواهد
حاضر شود و اگر این اسم را بخواند و بر خود دمد و فتنه بدست
ظالمی کرفتار نباشد نجات یابد یا مغوث ثو و هرکه این اسم را بنویسد
و بر پوست آهو و با خود دارد از راه رفتن ماندہ نشود یا عنبو
جهة دفع هول و خوف مرویست که شخصی بخدمت حضرت
صادق ع عرض کرد که من خوف بسیار میکنم و در منزل هولناک
بسر میبرم چیزی بمن تعلیم کن که نترسم حضرت فرمود که تکبیر
جلالی و افشوی دست بر سر بگذارد و باواز بلند بگو افغیر دین الله
یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا و کرها والیه

قدرے بخواند تا بخواب رود در خواب ببیند کسے را کہ آن شادکند
کند او را و از آن خلاصے یابد ولئن سئلتهم من خلق السموات
والارض تا المنقلبون دفع زبان بگو در درد مکنون اوزده
کہ هرکہ انیند عارا یا خود دارد زبان مردم و بد برو سے بسته
کردد کل متکلم من البشر من انثے و ذکر من بنے ادم و بنات حوا
عن حامل هٰذه الاسماء فهم لا یتکلمون بجق سوسم سوسم بجق
جوسم دوسم هٰذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن
لهم فیعتذرون و بحق قوله لا یتکلمون بسم الله اسکتنا
بسم الله اخرسنا بسم الله اعمینا بسم الله عقدنا السنتهم سوق
الم طس طسم فهم لا یتکلمون طس طسم اتهم الا کا
لانعام بل هم اضل سبیلا شاهت الوجوه شاهت الوجوه
شاهت الوجوه وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون کهیعص حمعسق
بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ دفع ملخ و کرم خوار
از کشت یا باغ دفعشود این شکل را بر سر بارچہ کاغذ یا
سفال آب ندیدہ نویسد و در جانب چهار باغ دفن کند

ع ٧	ب د
٤ ٦	٧

هسے فرکش هر م
مسکہ جهنی نک کر در زرا عش هم

نوع دیگر جهت حفظ زرع از خوک و موش و همه
خور غله کان و همہ جانوران مفسد بنویسد و بر سر چوب بندد
و در کوشہ زمین فرو برد بسم الله الرحمن الرحیم هو هو
هو بر بحق بنهص بکجسے کفت نقشکا کون هن هن کسے بو
اهاتر بسم رم شبشیر و غنجہ و کرم و مورچہ کہ محصولات
هذه الارض انہ من سلیمان وانہ بسم الله الرحمن الرحیم الا

العرش العظیم واسئلك بنور وجهك الکریم وشدة سلطانك
القدیم وشدة جبروتك لك الحمد لا اله الا انت یا منان
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال وادفع کل آفة وبلاء
من هٰذا الزرع والمقام بحولك وقوتك وقدرتك وجلالك
وسلطانك من اولها واخرها وحسبنا الله ونعم الوکیل
ونعم النصیر دعا بغنچه و کرم درختان کہ بهم
میرسد و بدبدے آید بر تختہ نویسد و بدان او بزند دفع
کردد بان الله تعم ال بقمش تا کهیے اهیا شراهیا ۱۱۱ ۱۱ ۱۱ ب
۱۱ ۱۱ ج ۱۱ ۱۱ د ۱۱ ۱۱ ه ۱۱ ۱۱ و ۱۱ ۱۱ ز ۱۱ ۱۱ ح ۱۱ ۱۱ ط ۱۱۱۱
ے ۱۱ ۱۱ ك ۱۱ ۱۱ ل ۱۱ ۱۱ م ۱۱ ۱۱ ن ۱۱ ۱۱ س ۱۱ ۱۱ ع ۱۱ ۱۱ ف
۱۱ ۱۱ ض ۱۱ ۱۱ ق ۱۱ ۱۱ ر ۱۱ ۱۱ ش ۱۱۱ ت ۱۱ ۱۱ ث ۱۱
۱۱ خ ۱۱ ۱۱ ذ ۱۱ ۱۱ ض ۱۱ ۱۱ ظ ۱۱ ۱۱ غ ۱۱۱۱ ل ۱۱ ۱۱

مریض
دفع امراض اطفال
ایضاً

برو و سر را برهنه کن پس بگو رب انی اعطیتنیه وانت وهبت لی و
اجعل هبتک الیوم جدیدة انک قادر مقتدر پس بسجده برو گریه ونو
سر از سجده بر دار اسشته باشی که پسری عاقبت صبا ببدپیرا زمادرم
شنیدم که ابید عالا اخواند شفا یافتم و باتفاق حالا خود در هم
بمسجد در روایت دیگر که مادرم میکنند در مسجد مرگذشت
نوع دیگر از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که بخط مبارک او
یافتند که بجهت طفلی نوشته بود فیه بسم الله وبالله والی الله و
کما شاء الله وبعزة الله وجبروت الله وقدرة الله وملکوت الله
هذا الکتاب اجعله الله شفاء لفلان بن فلان عبدک وابن
عبدک وابن امتک بحق محمد بن عبد الله صلی الله علی رسول الله وآله وسلم
در بحر المنافع آورده که اگر این آیه را بر کاغذ بنویسد و نام
طفلیکه تب دیده شده نیز بنویسد و در آب اندازد اگر غرق شود و فرو
نشیند بداند که او را از زحمت تب باک شد و صحت نیابد و اگر در رو
بماند بعد از زحمت تب بنکوترد و اگر در بالا اطراب بماند زود
صحت یابد پس این رقعه را بردارد و بشوید و بخورد شفا یابد بسم الله
الرحمن الرحیم ولو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابة
ولکن یؤخرهم الی اجل مسمی فاذا جاء اجلهم لا یستاخرون ساعة
ولا یستقدمون ام الصبیان و باد جن حدیث شخصی حامد که
شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که مرا پسری است که اهر ابا

و اگر از شیر باز داشتن رنجور شده باشد و بسبب آن گرفته بر نیم قرص
مسلوخ نویسد باو بخوراند ترک شیر خوردن نماید و تاکلون
التراث اکلا لما و تحبون المال حبا جما ام ابرموا امرا فانا مبرمون
فائده اگر طفلی دیر براه افتد این آیات را بر ظرف سفالی بنویسد و
بشوید و قدری بخورد و قدری بر بدن بمالد و یکی دیگر بنوشته
بر او بندد براه افتد ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب
الله خلق کل دابة من ماء فمنهم من یمشی علی رجلین ومنهم من یمشی
علی اربع یخلق الله ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر سوراخ کردن
گوش طفل آورده که این افسون را بخواند و سوزن را بلعاب
دهن تر میکند و بعد از آن بسوزن خود یا دیگری گوش را سوراخ
میکنند و در آن بیخت و خون نمیشود او را حاجت تب و رنجک
سوراخ اینهم مفتیان بر سوزن بخواند و هر جا که خواهد سوراخ
خون بیرون نیاید و پخت نکند و در وقت سوراخ کردن نیز بخوا
کهر دکر و مسنکا سنے از قاشراف جماع موافق احادیث
در شب جمعه بعد از خفتن فرزند از جمله اعاظم و اکابر دین شود و
و روز جمعه بعد از عصر فرزند از جمله مشاهیر علما شود و شب
دوشنبه فرزند حافظ قرآن شود و راضی بقسمت خود باشد
و شب سه شنبه مؤمن و رحم دل شود زبانش از غیبت و بهتان
پاک باشد و شب پنجشنبه فرزند از جمله علما گردد و روز پنجشنبه

دفع حمل زنان مرو بستنکه سوره لم یکن را بشوید و بشوید بزن حامله دهند از سقوط و آفات حملش سالم ماند و چون این آیات از سوره انبیا بر پوست آهو بنویسند و بر زن حامله بندد از وقت ابتدا حمل تا چهل روز با او باشد و بعد از آن بگشاید و دوا نماهیکه و فت زایند نیت با خود دارد فرزندش از آفات محفوظ ماند و ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر و اتیناه اهله و مثلهم معهم رحمة من عندنا و ذکری للعالمین **جهة عقم زنان** بن غالب فرمیر را در یک و یکی را با آب کمی بپزد و آن بخورد و این آیات را بر ظرفی بنویسد و بشوید و بخورد در وقتیکه اراده مقاربت زوج کند این است سوره فاتحة الکتاب تا آخر و صلوات بر محمد و آل او و نیز بنویسد ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ قل انا رسول ربک لاهب لک غلاما زکیا قال ربک هو علی هین و لنجعله آیة للناس و رحمة منا و کان امرا مقضیا فحملت بعون الله فحملت بلطف نعم فحملت بحول الله و لا قوة فحملته فانتبذت به مکانا قصیا انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون **فائده** اگر خواهد که بداند زن حامله بپسر آبستن است یا دختر سپش را در کف بگذارد و شیر بدان بدوشد اگر حرکت کند در میان شیر آبستن بپسر باشد اگر حرکت نکند آبستن بدختر

و در روایت دیگر منقول است که چون حمل زن خوب ظاهر شد عزم و جزم وان ولد را علی نام کن که ببرکت اسم علی پسر خواهد بود و نیز از برکت اسم علی هر ولد بکه اسم او علی باشد عمرش زیاد گردد و بتجربه رسیده نزد اوراد استنکه این را بر شکم زن بنویسد و صحت دارد پسر زاید اللهم انی اسألک ما فی بطنها باسم نبیک محمد صلی الله علیه و آله فسمه انت محمدا **جهة عسر ولادت** مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود بنویسید از برای زنیکه عسر ولادت بر او دشوار باشد بر ورق کاغذی اللهم یا فارج الهم و یا کاشف الغم و رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما ارحم فلانة بنت فلانة رحمة تغنیها بها عن جمیع خلقک فافرج لها کربها و تکشف بها غمها و تیسر بها ولادتها و قضی بینهم بالحق و قیل الحمد لله رب العالمین **در معرفت احوال بیمار** از ایام سبوع بد و طریق منظر رسیده که اول نام بیمار و نام مادرش بحساب جمل گرفته سه سه طرح کند که چه ماند و چه روز بیمار شده پس اگر در روز دوشنبه بیمار شده یکی بماند بمیرد و دو بماند بیماریش طول کشد سه بماند به شود و اگر یکشنبه بیمار شده باشد یکی بماند به شود دو بماند دراز کشد سه بماند بمیرد و اگر سه شنبه بیمار شده باشد یکی بماند به شود دو بماند دراز کشد سه بماند بمیرد و اگر پنجشنبه بیمار شده باشد یکی

الخاتم در احوال حیات و ممات مریض است که حکما بتجربه

رسانیده و هرگاه کسے بیمار گردد و خواهند که بر ایشان گردد
که از آن بیمار بیرهد یا نه نام بیمار بحساب جمل کبیر بگیرند و انچه از ماه
گذشته باشد که بیمار بے او عارض شده باشد از انبز حساب نموده
بیست عدد بیم باو بیفزایند و بعد از آن سے سے طرح کنند انچه باقی ماند
بدانند و جدول که در مقابل یک دیگر در حاشیه مرقوم میشود
و یکی لوح حیات و یکی لوح ممات گویند نظر نمایند و بر بینند که
اعداد در کدام یک از ایند و میباشد و اگر در لوح حیات باشد
امید وار بیست و اگر در لوح ممات باشد در خطر بود و آزموده است

جدول حیات و ممات

لوح حیات

۱	۴
۹	۱۰
۱۱	۱۲
۱۳	۱۴
۱۵	۱۶
۱۷	۱۹
۲۲	۲۳
۲۷	۱۸

لوح	ممات
۲	
۵	۶
۷	۸
۱۸	۲۰
۲۱	۲۴
۲۵	۲۶
۲۹	۳۰

شب تا پانزده روز بکشد و در اخر شب تا دوازده بکشد و شب
سه شنبه اول شب بیم بود و در میان شب تا بیست روز
بکشد و اخر شب تا سه روز بکشد و شب چهارشنبه اول
شب تا چهارده روز میان شب تا نوزده روز در اخر شب مخاطره
بود شب پنجشنبه اول روز شفا یابد میان شب تا بیست روز
اخر شب تا شش روز بکشد شب جمعه اول شب نو د شفا
یابد و میان شب تا هجده روز در اخر شب تا سه روز بکشد

جدول شهور الایام فی احکام و نقیبه کشهور احکام

ا هر که بیمار شود بزود بے شفا یابد ب هر که بیمار شود بے
ماریش سبک باشد بخلاف اخر روز ج هر که در این
روز بیمار گردد در بمشقت افتد د هر که در این روز بیمار شود
بزود بے نیکو گردد ه روز ساقط ح هر که در این روز بیمار
گردد تعب و رنج بسیار کشد ط هر که در این روز بیمار شود
سزاوار است و صدقت کند و بروایتے شفا یابد یا هر که
در این روز بیمار شود بزود بے نیکو گردد یب هر که در
این روز بیمار گردد در تعب افتد ید هر که در این روز بیمار شود
صحت یابد یه هر که در این روز بیمار گردد نیکو گردد یو
هر که در این روز بیمار شود شفا یابد یز ساقط یح هر که

قدرے چیزی بیزاز وبیخید وابن اشکال را بآنام مریض نقش
کنند وشب در زیر بالین مریض بگذارد و بامداد باز بردارند و
بسنجند اگر سبک آمد بیمار بمیرد واگر مساوی او باشد طول کشد و
اگر زیاد باید بزودی رفع شود ونیکو گردد ✓ ایضا
گفته اند که این اشکال را بر کف وسفید بنویسد ودر برابر بیمار نگه
دارد چون نظر کند اگر خندان شد نیکو گردد واگر حزین شد بمیرد
والعلم عند الله عصاله احکام بمردو و در کتاب
فردوس مذکور است که این اشکال را نوشته بر سینه مریض گذارند
اگر بخندد از آن خلاص شود واگر بگرید بمیرد الله بفکاک هط
هم کل هی تمت کتاب تسهیل الشفاء بعون الله تعالی

در کتاب الحیوان ابودجانه گوید

که من از جن وشیاطین در آزار بودم و برسول خدا عرض کردم
وآنجناب با میر المؤمنین ع فرمود که این حرز را بنویسد و
با خود داشتم چون خوابیدم در زیر سر گذاشتم پس بیدار شدم
شنیدم که یکی میگوید که اے ابودجانه ما را سوختی باین حرز
برادر دیگر ما به آنجا نمی آییم و بر سر این آنجا نمی کردیم وهر که
این را با خود دارد دیگر نزدیک او حرکت نمیکنیم رویم وشتی
ابد غائب این حرز را اکتفا ما خصا نمودیم بسم الله

ومن شر ما خلق وذرو برء ومن شر الجن والانس ومن شر جنود
ابلیس اجمعین ومن شر ما ینزل من السماء وما یعرج فیها ومن شر
طوارق النهار واللیل الا طارقا یطرق ومن شر کل دابة انت آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم دعا برای از بر ایمن
شدن از جن وانس از پیغمبر خدا ع روایت شده که بنویسد وبا خود
دارد بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله توکلت علیه وهو رب العرش
العظیم وما لم یشاء لم یکن اشهد ان الله علی کل شیء قدیر دعاء
کشف هر کسی را مضرت رسیده باشد بنویسد وبا خود دارد
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا ذا السلطان العظیم وذو المن القدیم وا
لجود الکریم والکلمات التامات والدعوات المستجابات عن
صاحب الکتاب من النفس الجن والانس یا رب العالمین و
ننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین برحمتک یا ارحم
دعاء بیمی از جهت جن زده بیهوش شده باشد احوالش
تغیر باید بنویسد وبا خود دارد وهر مطلبی که خواهد بنویسد
در دکمر و درد چشم و درد هفت ندام وشر شیاطین و گزند
کان ودرنده بنویسد وبا خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا
سبطشون اللهم یا ذا نوا ملحو ثور بمون اللهم یا رخیشوا میمون و
اعلیشون اللهم وهمیثا وهلیلون مصطرون اللهم یا رقشط
اخلاخرین یا رخشط رخیم رخیم رخیم رخیمون یا اهیا شراهیا

شده محرم الحرام سورهٔ انا فتحنا و باب و سبزه و زن و نقره و
فیروزج نکاه کند صفر المظفر سوره حمعسق بخواند باب و انبیر
با کف دست نکاه کند و سوره حمد را بخواند ربیع الاول سورهٔ
قد سمع الله بخواند باب روان با بروی زن جوان با جمال نکاه
کند ربیع الاخر سورهٔ تبارک بخواند بجواهر یا اسب یا کوسفند
نکاه کند جمادی الاولی و جمادی الاول سورهٔ مدثر و المزمل
بخواند و در روی فرزند نکاه کند رجب المرجب سوره یس بکل
و ریاحین نکاه کند شعبان سورهٔ انعام و بکل نکاه کند رمضان
سوره محمد و به پیران محتشم و با اصل و عبا نکاه کند شوال سورهٔ
فتح و بکف دست فیروزه نکاه کند ذیقعده سوره نون باب و انبیر نکاه
کند ذی الحجه سوره اخلاص و بر و بخوب نکاه کند نقش اعظم
که بر کف مبارک رسول خدا است هر که با خود دارد مظفر و منصور
کردد

محاصل امضا نخورد مار نظر بان بنبید سما یا انما را
بخوبی و خوشی بکذراند نقش مبارک
انیست محمد علی فاطمه الحسن و
الحسین علی محمد جعفر موسی علی
محمد علی الحجة القائم صلواة الله علیه و علیهم

جمعه دعا مسافر چونکه خواهد بسفر رود
و بسلامت باز اید سورهٔ قل هو الله را باز خواند

خواص طحال و کوره که مار را بنفس خود از سوراخ بیرون میآورد ... بخورد و خون او ... سودا ... خواص ... و کوشت او ... باید ذبح ... شفا یابد ...

با فضت و چون که در چشم او جمع شده تریاق کاو کوهی کو بند
در دفع زهر خوب از تریاق فاروق میباشد و مرکاه طفل را
شیر نداده باشند یک ذره از این تریاق در شیر مادر ممزوج
و در کام بچه بریزد از کزیدن مار و عقرب ایمن بوده باشد و از
روییدن نطفل مار رسته شده حرکت نتوان نماید و انسکی که
در میان شیردان کاو کوهی می باشد با ترد یا خصیه یا شراب
با سر که در قوه باه بی نظیر میباشد و انتفاعی بشغفور تا الاترمی
جنة الاسماء بسم الله الرحمن الرحیم و لغات نامتعارف بود
که ابتدا عی فدبمی بعبارات فارسی خالی از تکلفات رسمی و تصنا
عات بدیعی شرح ملکور را ترجمه نماید که موجب دفع مغلقات
شرح و متن مذکور بکردد انشاء نعم و خدا العزة امتثالا لامر الا
اشرف ان ترجمه مذکور مع هذا علاوه مقدمه لازم بود و بالله
التوفیق مقدمه مخفی نماند که شرح مذکور مشتمل بر شش باب است
و هر باب خاصیتی از خواص در دایرهٔ شریفه مذکور است و دایرهٔ
مشتمل بر چهار جدول است چنانچه تفصیل این خواهد آمد پس بدان
که اسعدک الله فی الدارین که حجة الاسلام زین الانام ابو حامد
محمد بن محمد الغزالی رحمه الله در شرح مذکور فرموده اند که از سر کار
خلیفه بغداد رساله منضومه شرح کردم تا معلوم شود بجهت
امیر المومنین ... بر سم خط کوفی ظاهر شد بد ... اقتادی ... انرا

... مذکور کفته است که مطلع شدم بر ... علم حروف ... نزد فضلاء ... این فن و مطلع کشتم بر ... تعظیم ... کتاب الله ... الحسنی ... از غرایب موضوعات ...

اسماء الا

و از خواص ... بلا ... در کوفه و بصره ... امیر المومنین ...

طاعون اسان تر خواهد بود وان نوزده حرف اند ودر جدول
دوم حرف بسم الله الرحمن الرحیم نوشته واسم نوزده حرفند ودر
جدول سیم حرف فرد حی قیوم حکم عدل قدوس نوشته اند و
در جدول چهارم اوَمَن کانَ مَیتاً فاحییناه وتمام انها نوزده
اند کم جنة الاسما گویند وشرطش انستکه با مشك وزعفران
باشد وبا گلاب محو کنند صبا طاعون سه روز باد ودوز بیا
شامد ونیکو گردد دفع طاعون با خود دارد واز برای
هر درد والم بنویسد بشرطانکه در وقت کتابت تمام ان المرامیز اند
وکوچك وبزرك برد ازد وبشرطانکه پاك داشتن در همه وقت
گرمیه ان وعسر ولادت وصرع وجنون وخما وهر درد
جهة اطفال دیگر خدا تعالی افریده باشد بردارند بشرط بلغ
صحیح وصادق وناچار است کسیرا کر داخل هشود این اسما درخانه
نراش نفر بکند بذبح گوسفند بجهة تعظیم اسماء مذکور وندا
ان اسما را صحیح ومریض بکبیر وصغیر مگر این با وضو واز برای
تاثیرش عظیم باشد بجهة نخود طلا که بمثقال شرعی باشد البته
بکاتب داده شود واز امخفی دارند از چشم مردم ونویسند انها را
مگر انکه پاك باشند در بدن ولباس ومکان احتراز کنند در کتابت
انها از زیاده ونقصان وهرگاه مریض اب انها را بیاشامد لابد کم
ثقل ورق را در چاه دور اندازد وبنحو نکر یك قطره از ان ترشح نکند

بنویس از برای او اینداره را بمشك وزعفران وبران ببا وبزد
واگر بخواهد در شفای او افتاد کتابت با اب صاف محو کند
بعد از ان برابیا شامد وثقل را در بحر دور اندازد ومبادا از ان
قطره بیرون اید وسرایت کند نگاه داشتن از برای اعظم در
ضمن اینداره است از ترس اینکه مبادا از ان چیزی واقع شود
وزیر پا افتد واگر دایره را نقش کند بر انگشتری ودر اب نداررو ان
اب را مطعون بیاشامد شفا یابد انشاء الله تعالی واین باب عظیم وجلیل القدرا
واجبستکه نگاه دارنده منع نکند از فواید ومنافع ان باب دوم
از برای دفع سحر وجادو چنانستکه اگر کسی را سحر کرده باشند بنو
یسد اینداره را از زر یا نقره یا معدن غیر از رصاص وفولاد باشد
از همه بهتر وبر انشخص بیاویزد اگر شفا یافت فیها والا ان لوح
در ظرف پاك نهد وانقدر اب بران بریزد که بتواند بیاشامد وپیش از
ان چیزی نخورده وان اب را بیاشامد ومدت هفت روز صبح وشام
بشمار امکرر بنماید که انشاء الله نیکو گردد واگر بنویسد بر ورق چنان
که از برای طاعون ذکر شد وبا اب صاف محو نماید واین بمسیحور بیا
شامد بهتر واگر بر ظرف پاك با چیزی مثل جام ابگینه بنویسد ومحو
کند وبیاشامد وان جایز است واین باب نیز عظیم وجلیل ا
القدر است ودایره همان دایره که وضع کردیم در باب اول نیز
زیاد وکم وباب سیم از برای مقاتله ومقابله دشمن واین چنانستکه

دشمن مؤلف شرح منضومه گفته است که از معنی اراده نمند
که دیدم شبی من امام ع در خواب پس فرمود اضعف من ابر بن بوده
پس تعجب زیاده کن مثل ابر در ابتدا از سوره پس مسمی بحجت الا
شما و بکندا این ابر را اینجا بنگر سوره انعام است و بنویس این ابر را
بر بیجا ابیض و بر سر بگذار چنانچه حایل در میان نباشد بدرستیکه
نور انجو اهند دید باذن الله تعالی پس گفتم ان کدام ابر است گفت
ان ابر است که حضرت رسول صلعم از ان اسباب و قرائت میکردند و هی قوله
فاغشیناهم فهم لا یبصرون بدرستیکه حرفهای این ابر نوزده
حرفند و از برای الحروف سر عظیمست پس هرگاه نوشتی این حرفها را
بخوان بر سر انتشیمیکه تالیف کردم از حروف شما که در ابتدا ره هفت
مرتبه و بخور کن در وقت خواندن بسه بخور بخور مشک و عنبر
و عود بعد از ان روزه دار و الحیشان ان روز بکر نوشتن حرفها
تا روز هفتم و اگر هفت روز نباشد سه روز دیگر لازم است
و بخور بده دانرو زچر که از جوان بیرون امده باشد یا جوان
از وی امده باشد بعد از ان بو سر بگذار چنانکه در سابق گذشت
و مذکور شد بدرستیکه چشم کور شود و البته ببیند نور باس
لف ببیدار شدم و چنان کردم که حضرت امیر المومنین ع فر
موکفت مودند بود و کذار کردم در عینا باجماعت بیچشم شیر مراند بدیدند
حمد و شکر الهی را بجا اوردم در مقابل ان نعمت

باب ششم

محمد

تغییر یابد اگر
اول محرم روز یکشنبه
باشد در ان سال
سال فراوانی شود و ...
گذرد و در وقت
گرم بود و باران
بتخریب عمارات شود
و وقوع زلزله در بلاد ...
عمارات واقع شود و

زمستان خوش گذرد و باران بسیار ببارد و بعضی از درختان
آفت برسد و مرض مختلف و مرکهای ناگهان پیدا گردد و در
هوا اثر طاعون ظاهر گردد و در آخر سال پادشاه را غلبه دهد
اول محرم اگر روز دوشنبه باشد زمستان نیکو گردد و تا
بستان گرم بود و باران بسیار بارد گاو و گوسفند بسیار گردد
و سایر ماکولات در آذربایجان و عراق و عرب و فارس ارزانی باشد
و میوه بسیار و زنان بسیار بمیرند و در آخر سال کسی از نواحی
مشرق بر پادشاه خروج نماید و بعضی دیگر از بلاد شام ...
و زکام در بلاد جبل بسیار باشد **اول محرم** اگر روز سه شنبه
باشد زمستان بسیار سرد باشد و برف و یخ بسیار باشد و در
بلاد جبل و ناحیه مشرق گوسفند و عسل بسیار باشد و بعضی
از درختان انگور را آفت رسد و در ناحیه مشرق و شام ...
ظاهر گردد و در آن سال مردم بسیار بمیرند و بر پادشاه مردی
خروج کند اما پادشاه غالب شود و در زمین فارس بعضی از غلها
گران و آفت رسد و در آخر سال نرخها گران شود **اول محرم اگر**
روز چهارشنبه باشد زمستان وسط باشد و در
بهار باران نافع بارد و غلات و میوه در بلاد جبل و مشرق ارزان
باشد اما مردمان بسیار بمیرند و در آخر سال در زمین بابل و بلاد
جبل قحط برسد و نرخها ارزان گردد و پادشاه اسلام بر دشمن ...

... گردد و ... شاه عجم ظفر و منصور گردد
اگر اول محرم روز جمعه باشد
سرما باشد و باران کم
ببارد و ابر بود خواهد
کم شود و در بلاد جبل
صد ... قحط ... و
غلہ گران ... بسیار شود

فاما مغرب کرمانی
و ناحیه مغرب ... از درختان
شود و بعضی ... و رسد
... آفت رسد ... عظیم در
بر فارس غلبه اختر
در بیان ... و بعضی
... ایام ...
... علی بن ابی طالب
... کرم ...

نعم الیوم یوم السبت حقا
لصید ان اردت بلا امتراء
و فی الاحد البناء
لان فیه
تبدی الله فی
خلق السماء
و فی الاثنین ان
فی سافر فیه
ستظفر بالنجاح و بالثناء
و من یرد الحجامة فی
الثلثا ففی
ساعاتها سفک
الدماء

و ...

الشمس	۲	۲ ۳ ۱۱ ۱۰	۳ ۳ ۲	۲ ۳ ۲ ۶	مشرق	بز	حمل	ما بین ...	جنوب	...

رجال

ما بین جنوب و مغرب ...
ما بین مجامعت طفلست
باعث کوری طفلست
۲۵ ... نه ماه
۴۱ ... وقت زوال در
جنوب و قت زوال در
نباید رفت ۲۷ ... ۱۱ ...
ما بین مغرب و ... در این روز
الغیب
دخترو نیز ... شنند ۸۸
و شمال ...
ما بین مغرب و ... در این روزها
در این روزها ...
ما بین مغرب و جنوب در این روزها
هیچ ...
و شمال ... در این روزها از ... شود
هند ...
ما بین مشرق و ...
در این روزها از ...
جنوب

و من شرب امره و بوما دواء فنعم الیوم یوم الاربعا و فی یوم
الخمیس قضاء حاج ففیه الله یاذن بالدعاء و فی الجمعات
تزویج و عرس ولذاة الرجال مع النساء و هذا العلم لا یعلمه
الا بنی او وصی الانبیاء **در بیان آنکه هر ماهی را دیو**
باید دید محرم زر است و صفر آینه ربیع و بغل ... دیگر
غنم جمادی بخستین تبسم سفید جمادی دوم پیر نیکو شبیه
رجب مصحف و ماه شعبان بکار رمضان روزه شیخ هر بار ... خم بشوال
سبزه بد نیقعده طفل بد بحجه رخسار زیبا صنم **در بیان آنکه**
چند روز در هر ماهی نحس است هفت روز نحس باشد در هر ماهی
ان حذر کن تا نیابی هیچ رنج سه و پنج و سیزده با شانزده
بیست و با بیست و چار و بیست و پنج **در بیان اوقات استخاره است**
که در ایام هفته وقت خوبست و زائد ... با ... معلوم است
روز شنبه تا طلوع صبح پس از ظهر تا عصر روز یکشنبه تا
از صبح تا ظهر پس از عصر تا مغرب روز دوشنبه از صبح تا
وقت آفتاب و از چاشت تا عصر و از مغرب تا عشا **روز سه شنبه**
از چاشت تا ظهر و از عصر تا عشا چهارشنبه از صبح تا وقت زوال
و از عصر تا عشا پنجشنبه از صبح تا وقت آفتاب از چاشت تا
عصر و از مغرب تا عشا جمعه از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
پس از چاشت تا عصر پس از مغرب تا خفتن نیکست باذن الله

در بیان ساکن بلد ترکی که خواهند ملاحظه کنند

و بعد از ان شروع در اشتغال کنند که مجرب است و ان اینست

اوقات
نقود و کفته اند در هر عضو که باشد پا بدان
عضو را لحافظت نماید از
فصد و حجامت و غیره که
لحاجت برسد و
مواضع را از رقیق
یا بین رگ ... مبارک

در یمن ۹	در بازوی چپ ۱۰
در زبان ۱۱	در دماغ ۱۲
در پشت ۱۳	در دندان ۱۴
در حلق ۱۵	در خصیه ۱۶
در ذقن ۱۷	در ران ۱۸
در ساعد چپ ۱۹	در ساعد راست ۲۰
در امعا ۲۱	در پهلو ۲۲
در ناف ۲۳	در انگشتان ۲۴
در پای ۲۵	در شکم ۲۶

جدول معرفت	فوق الارض		تحت الارض
رجال الغیب جمعی اند بنده کان خواص	در این روزها جدال بد است		در این روزها سفر نکند بد است

که ایشان را ابدال و اوتاد نامند باید معلوم کند که وقت
چند است و در این دایره نظر کند که رجال الغیب در کدام طرف
پس روبان طرف کرده سه مرتبه این عزیمت را بخواند و از ایشان
استمداد طلبد و بعد از آن پشت بان طرف نماید که رجال الغیب است
و همت طلبد و بعد متوجه امر شود که مراد حاصل است و پیش از
آنکه سلام کند بگوید بسم الله الاعظم و سبحان الله الاکبر و بعد
بگوید السلام علیکم یا رجال الغیب المطهرة و یا ارواح المقدسة المنورة
المطهرة اغیثونی بغوثة وانظرونی بنظرة واعینونی بقوة واجیبونی
بدعوة یا نقباء و یا نجباء یا اوتاد یا ابدال یا قطب یا غوث اغیثونی
بمحمد و آله

ما بین شمال و مشرق		در مشرق باشند
۲۴ ۲ ۲۰ ۱۸ / ۴ ۷ ۱۶ ۱۳		۲ ۱۰ ۵ ۱ ۱۲ ۸
جانب جنوب ... ما بین مغرب و جنوب	در جانب مغرب	ما بین شمال و مغرب
۲ ۳ ۱۵ ۸ / ۲ ۳ ۱۷ ۰	۲۲ ۲ ۲۰ ۱۴ ۶	۹ ۲ ۲ ۱۱۳

ما بین جنوب و مشرق در بیان شش ارقوع است حکما
گفته اند که ارقوع فوق نیست که دو حرا در بدن باد
تعلق تمام است و مخرکست که هر روز از ایام ماه رگی در عضوی بود

در سینه ۲۷ · در پستان ۲۸ · در دل ۲۹ · در کتف ۳۰ · در ... ۳۱ · در ... ۳۲

وبرهانه و صلاد الدر
بالدر و همینه با ... باغا
یا رحمن نجی موسی از
عمران جیل واعلی ع
که مع صادق مسیا
فلان بن فلان فا
نفلق مکان کار و
کالطود العظیم جبل
یا الیاس یحیی نوش
کاش طوبی قطنتق نقش
نوش و بخجو نقش خاتم
دود و بن داود بن حمدان
سلیمان بن داود ابن الاحمر
یا ارحم الراحمین
نماز میت این است
بعد از غسل و کفن میت
او را رو بقبله کنند مانند
قبر بخوابانند و برو
نماز کنند و سنند که
بیشتار بلا برمیان
سینه زن باشد دو
کفش را بکند و نیز که
بر بن بخوانند تا از
حاضر میکنانم برابر
اینکه حاضر است و بر
لا اله الا الله و شه نوشته
بگویند و سنند

در پشت ۳۳ · در گوش ۳۴ · در بینی ۳۵ · چو پنجشنبه گی ۱۱ ابیز

بمن شد یا پیدا نمودن دزد چیز را که دزد برده هر که را گمان
بوده بنویسد مدهد بخورد را کران برده بگلویه وی بزود ماند
بسم الله الرحمن الرحیم رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل بیتی مؤمنا
وللمؤمنین والمؤمنات ولا تزد الظالمین الا تبارا و صلی الله
علی محمد و آله الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین نوع دیگر
جهت دزد بردن اگر خواهی بدانی که چیز که دزد برده است یافته
شود یا نه اسامی متهمان را بنویسد و بر گردن گوسفند یا گوساله بندد
و انفور امر کند تا دست بر پشت او و بکشند پس هر که دزد باشد
گوساله بفرمان خدا تعالی فریاد کند دعا اینست ان الذین اتخذوا
العجل سینالهم غضب من ربهم وذلة فی الحیوة الدنیا وکذلک
نجزی المفترین ایضا عزایم کردن بسم جابطاس یا قومنا ثم
اجیبوا داعی الله را بنویسد و هر دو دست را سر طاس بهند و عزایم
بخواند که طاس بامر خدا روان گردد تا انجا که دزد دزد برده
باشد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن
الرحیم یا قومنا اجیبوا داعی الله طرفی نوش انبغوثوش نشاد
برجا وراهیا شراهیا اذونی براهیا هو الله الذی لا اله الا هو
عالم الغیب والشهادة ملکه و ملکته و سلطانه و وعده و عزته و

دعای ... یا بدیع یا ... جبرائیل ... حق ... قدرت ... مدد

بخواند در تکبیر اول الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین
الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون تکبیر دوم
الله اکبر اللهم صل علی محمد وال محمد وارحم علی محمد وال محمد کافضل
ما صلیت وسلمت وبارکت وترحمت علی ابراهیم وال
ابراهیم انک حمید مجید فعال لما یرید وانت علی کل شیء شهید
تکبیر سیم الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین
والمسلمات الاحیاء منهم والاموات تابع اللهم بیننا وبینهم بالخیرات
انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر تکبیر چهارم الله
اکبر اللهم ان هذا عبدک وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت
خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا اللهم
ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه واغفر له
واحشره مع من کان یتولاه من الائمة المعصومین اللهم اجعله عندک
فی اعلی علیین واخلف علی اهله فی الغابرین وارحمه وایانا
برحمتک یا ارحم الراحمین تکبیر پنجم الله اکبر بگوید وفارغ شود
اگر میت زن باشد در تکبیر چهارم بگوید اللهم ان هذه امتک
وابنة امتک وابنة عبدک نزلت بک وانت خیر منزول به اللهم
انا لا نعلم منها الا خیرا وانت اعلم بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد
فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عنها واغفر لها واحشرها

وافترض الله طاعته علی العالمین وان الحسن والحسین وعلی بن
الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن
موسی ومحمد بن علی والحسن بن علی والحجة القائم المهدی صلوات الله
وسلامه علیهم اجمعین ائمة المسلمین وحجج الله علی الخلق اجمعین
وائمتک ائمة هدی ابرار یا فلان بن فلان اذا اتیک الملکان
المقربان الرسولان من عند الله تبارک وتعالی وسئلاک عن ربک
وعن نبیک وعن دینک وعن کتابک وعن قبلتک وعن ائمتک
فلا تخف ولا تحزن وقل فی جوابهما الله جل جلاله ربی ومحمد ص
نبیی والاسلام دینی والقران کتابی والکعبة قبلتی وامیر المؤمنین
علی بن ابی طالب امامی والحسن بن علی امامی والحسین بن علی الشهید
بکربلاء امامی وعلی زین العابدین امامی ومحمد باقر علم النبیین
امامی وجعفر الصادق امامی وموسی الکاظم امامی وعلی الرضا
امامی ومحمد الجواد امامی وعلی الهادی امامی والحسن العسکری
امامی والحجة المنتظر امامی هؤلاء صلوات الله علیهم اجمعین
ائمتی وسادتی وقادتی وشفعائی بهم اتولی ومن اعدائهم
اتبرء فی الدنیا والاخرة ثم اعلم یا فلان بن فلان ان الله نعم
الرب ومحمد ص نعم الرسول وعلی بن ابی طالب والائمة الاحد
وما جاء محمد ص حق والموت حق وسؤال منکر ونکیر فی القبر حق
والبعث حق والنشور حق والصراط حق والمیزان حق وتطایر

لهذا التجناب سابق بغداد ... ابن ... تبریزی ... مخفی نماند که

وحشت گران دو رکعت است در رکعت اول سوره حمد و بعد
آیة الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه انا انزلناه و
تشهد و سلام گوید **طریقهٔ نوشتن عریضه بامام حسن**
بسم الله الرحمن الرحیم السلام علیک و رحمة الله و برکاته من العبد
الذلیل الفقیر الی الجلیل العظیم الشهید الغریب المظلوم الهادی
المهدی الامام الهمام یا مولای ترحم بفضلک و جودک و کرمک
و بحق جدک محمد ص سید المرسلین و ابیک و امک واقض حاجتی و
حاجتی واقض حوائجی بحرمة جدک و اهل بیته المعصومین ع
برحمتک یا ارحم الراحمین **عریضه بحضرت عباس** بسم الله
الرحمن الرحیم من الامة الذلیلة الی المولی الجلیل العزیز الکبیر
سلام الله علیک یا مولی یا عباس بن امیر المومنین ع ان بینی
و بین الله ذنوبا قد اثقلت مغنی عن الرقاد و ذکرها یشغل احشائی
و قد هربت عن وجل والیک یا عباس بن امیر المؤمنین ع ان تقضی
حاجتی من الدنیا و الاخرة و ان تعافینی من جمیع العلل و ان تسلمنی
من المکروهات بحق ابیک و اخوتک المعصومین و صلی الله علی محمد و
آله الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

تمام شد نسخهٔ شریفهٔ جامع
الدعوات کبیر حسب الفرمایش جنابان
عالیشانان الشیخ علی و الشیخ
احمد کتاب‌فروش تاجر
طهرانی اتمام پذیرفت



[illegible] تصحیح ... طبع این کتاب ...
تا دعا کنند و خوانند
و غیبت اقتد اللهم
اغفر لنا ...
و لکاتبه ...
کا خوانند
استاد الماهر
اشهک خداداد
تبریزی بزیور طبع آراسته
گردید
بید اقل الکتاب جناب
شیخ علی ابن محمد حسین
کاتب ...

ماقوزها یعنی [illegible]

[illegible]

